



پوهنتون اسلام
پوهنځی شرعیات
پروگرام ماستری
تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
رہاست پوهنتونهای خصوصی

تعویذ ورقیہ مشروع و غیر مشروع

درپرتو قرآن و سنت

(رسالہ ماستری)

محصل: نسیمہ "رحماتی"

استاد رہنما: د. عبدالباری "حمیدی"

سال ۱۳۹۹ هـ ش ۱۴۴۶ م ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات
پروگرام ماستری
تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
ریاست پوهنتونهای خصوصی

تعویذ ورقیه مشروع و غیر مشروع در

پرتو قرآن و سنت

(رساله ماستری)

محصل: نسیمه "رحمانی"

استاد رهنما: د. عبدالباری "حمیدی"

سال 1399 هـ ش – 1442 هـ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورډ ماستری

تصدیق نامه

محترمه نسیمه بنت محمد حبیب: ID نمبر SH-MST-97-391 محصله دور چهارم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: تعویذ و رقیه مشروع و غیر مشروع در یرتو قرآن و سنت به روز یکشنبه تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق د 95 (نمره په عدد) نود و پنج (نمره په حروفو) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور عبدالرحمن شاه	عضو هیات	
۲	دکتور محمد مزمل اسلامی	عضو هیات	
۳	دکتور عبدالباری حمیدی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... امر بورډ ماستری

اهداء

این اثر را که اولین ثمره علمی بنده است :

در قدم نخست برای حامی و مشوق بزرگ حیاتم جد بزرگووارم که الله سبحانه غریق رحمت اش نماید، و بر والدین گرامی ام که واقعا در قسمت پرورش بنده لحظه تغافل ننموده اند، و بعدا به تمام اساتید عالیقدرم که در حقیقت هر یک شان حیثیت پدر معنوی و آب حیات روحی بنده در زنده گی بوده اند، و تمام خواهران دینی ام، و همچنان برای تمام دعوتگران، و بیدارگران که لحظه به لحظه در فکر رشد روحی و معنوی جوانان این سرزمین بشکل واقعی و حقیقی هستند، و عملا در این راستاء سعی و تلاش دارند، اهدا مینمایم.

سپاس گذاری

الله متعال را برای نعمت های فراوانش و این که توفیق تحریر این رساله را برایم عنایت فرمود شکر گذاری می نمایم.

و همچنان سپاس و تشکری خویش را خدمت کسانی که من را در این راستا یاری نموده اند تقدیم میکنم. و با اظهار تشکر و قدر دانی از هیئت رهبری پوهنتون سلام که مطابق با شعار خود تحصیلات عالی و با کیفیت را تقدیم نموده، وزمینه رشد و انکشاف علمی و فرهنگی را در سایه شریعت اسلام خصوصا بر قشر اناث مهیا نموده است .

ضمنا از تمام استادان پوهنتون سلام که با کوشش های فراوان مصدر خدمت به اولاد این وطن هستند اظهار سپاس می نمایم، خاصتا از استاد محترم عبدالباری "حمیدی" اظهار سپاس و قدر دانی می نمایم که در جریان تحصیلات دوره ماستری ام با تقدیم درس های اخلاصمندانة شان به اندوخته های علمی ام افزودند، و وقت گرانبهای خویش را در اختیارم گذاشت، و با شریک سازی تجربه های نگارندگی اش در تهیه این رساله رهنمایی های سودمند نمود، الله متعال برایشان عمر دراز و بابرکت ارزانی فرموده، و در راه تبلیغ علوم شرعی برایش توفیق بیشتر عطا فرماید .

در اخیر رستگاری تمام استادانی را که شرف شاگردی شانرا بدست آورده ام، و کسانی را که در مناقشه این رساله سهیم بودند، و همه کسانی که در رسیدنم به درجه ماستری تشویق و ترغیب و کمک نمودند، از بارگاه الله متعال خواهان سعادت مندی دنیا و آخرت ایشان ام.

خلاصه تحقیق

واژه تعویذ به معنای پناه دادن، و در امان نگهداشتن است از شری که با آن انسان مواجه میشود. در اصطلاح در امان نگهداشتن خود به وسیله رقیه و آویزان نمودن اشیای معین شامل دمها و درودها، دعاها و افسون ها، مهره ها و اشیای دیگری است که توسط آنها شخص مریض را رقیه و معالجه مینمایند که برخی آنها مشروع و برخی دیگر غیر مشروع میباشد.

موضوع رقیه مهم و اهمیت آن هم واضح می باشد، بخاطریکه مسلمانان مریض میشوند و ضرورت به دم و شفا جویی دارند، و میتوانند از دم و دعاء و رقیه مشروع به اساس هدایت اسلام استفاده نمایند، بدون تردید رقیه مشروع یکی از ابواب خیر برکت و رحمت الهی است که به این امت گشوده شده است، و امت اسلامی میتواند از آن بهره گیرد، رقیه شرعی دارای اهمیت خاص، و ویژه ای است که سبب نجات، حفاظت، شفاء و علاج هزاران غم دیده، و درد مند گردیده است، و با آمدن دین اسلام دم و افسون های شرکی که در زمان جاهلیت رائج بود و آنرا به یکدیگر تعلیم می دادند و از یک نسل به نسل دیگر نقل گردیده بود که جز روند شیطانی چیزی دیگری نبود ممنوع قرار داده شده بود، و به عوض آن رقیه شرعی شفاء و رحمت جاگزین شد که خالی از شرک بود.

هدف از تحقیق این موضوع نظربه ضرورت اینکه در جامعه امروزی ما داریم مشکلات اجتماعی روبه افزایش جوامع بشری خصوصا جوامع اسلامی با مشکلات ای همچون استفاده از تعویذ و رقیه های غیر مشروع، و رو آوردن به ساحران و دجالان که مردم عوام را فریب میدهند و روبرو هستن، و استفاده از تعویذ و رقیه مشروع در جوامع اسلامی مبدل به یک چیز نا آشنا شده که متاسفانه مردم آشنایی زیادی با تعویذ و رقیه های مشروع ندارند، برای معرفی این موضوع و بیان حرمت و ممنوعیت تعویذ و رقیه های غیر مشروع این موضوع را انتخاب و در مورد بنده تحقیق نموده است.

و این تحقیق از نوع استقرائی بوده که موضوعاتی را که در این تحقیق در نظر گرفته شده جمع آوری معلومات از منابع گوناگون و بحث در مورد موضوع در پرتو قرآن و سنت که غالبا منهج کتابخانه ای میباشد.

نتایج بدست آمده ازین تحقیق دم و تعویذها عموماً به دونوع است ۱- مشروع ۱- غیر مشروع که هرکدام انواع مختلفی دارد، دم و تعویذ مشروع عبارت از همان دم و دعاهای است که درکل موافق شریعت بوده، و معیارهای لازم مشروعیت در آن موجود باشد، و غیر مشروع برعکس آن است، و دم و تعویذ شرعی نه تنها حقیقت دارد بلکه فواید و مصالح متعددی را نیز درقبال دارد که عبارت از متابعت از سنت عملی رسول الله صلی الله علیه وسلم میباشد، دفع بلا و مصیبت قبل از وقوع آن، حفاظت و حمایت از مسلط شدن شیطان بر انسان، دم و دعای دیگران درحقیقت یکی از شیوه های رسانیدن نفع به آنان میباشد.

غیر از دم و تعویذ واژه های دیگری نیز وجود دارد مانند: رقیه، تمیمة، تولة، نشرة، ودعة، عزیمة، وغیره که برخی از آنان چون نشرة و عزیمة ورد و حرز مانند: رقیه نوعی از دم و دعاهاست که درصورت داشتن معیارها و شروط شرعی را داشته باشد جواز دارد، و اگر آن شروط و معیارهای شرعی را نداشته باشد جواز ندارد.

واژه های کلیدی:

رقیة، دم، تعویذ، مشروع.

فهرست عناوین

صفحه	عنوان
2	اهمیت موضوع:
3	اسباب اختیار موضوع:
4	سوال های اساسی تحقیق:
4	پیشینه تحقیق:
5	روش تحقیق:
6	اهداف تحقیق:
7	مشکلات تحقیق:
7	هیكل تحقیق:

فصل اول (مفاهیم عمومی)

11	مفاهیم عمومی
11	مبحث اول: مفهوم تعویذ
11	مطلب اول مفهوم تعویذ در لغت:
13	مطلب دوم: معنا و مفهوم تعویذ در اصطلاح:
14	مبحث دوم: الفاظ و کلمات مرادف و متقارب تعویذ
14	مطلب اول: رُقِیة ، تمائم ، تولة و نشرة
14	1 - رقیه:
16	2 - تمائم:

19	3 - تولة:
20	4 - نشره:
20	انواع نشره:
21	مطلب دوم: الفاظ مرادف ديگر با تعويد:
21	1 - وَدَعَة:
22	2- عزيمه:
22	3- زبان بندي:
22	4- منتر كه ريشه:
22	5- ورد:
22	6- حِرْز:
23	مبحث سوم: اهميت شناخت تعويد ورقيه مشروع وغير مشروع
24	مطلب اول: اهميت شناخت تعويد ورقيه مشروع
27	مطلب دوم: اهميت شناخت رقيه غير مشروع
32	فصل دوم:
32	تعويد ورقيه هاي مشروع انواع واحكام آن
32	مبحث اول: تعويد ورقيه هاي مشروع
32	مطلب اول: دليل مشروعيت تعويد ورقيه مشروع از قرآن
37	مطلب دوم: دليل و مشروعيت تعويد ورقيه مشروع در حديث
44	مطلب چهارم أقوال علماء واجماع امت

- 46 مبحث دوم انواع تعویذ ورقیه های مشروع
- 46 مطلب اول: تعویذ ورقیه مشروع توسط آیات و سوره های قرآن
- 54 مطلب دوم: تعویذ ورقیه مشروع توسط ادعیه و اذکار مأثور
- 59 مبحث سوم: احکام و آداب تعویذ ورقیه های مشروع
- 59 مطلب اول: حکم اجرت گرفتن در برابر رقیه و تعویذ
- 61 مطلب دوم: حکم کتابت و آویختن تعویذ ورقیه های مشروع
- 64 ۱- تضاد و رو آوردن به این خرافات با آیات قرآنی
- 65 ۳- شرک بودن این اعمال
- 66 ۴- کثرت اضرار و مفسد چنین اعمال
- 66 ۵- تضاد اعمال فوق با عقیده توکل:
- 67 مطلب سوم: آداب رقیه کننده و تعویذ دهنده
- 69 مطلب چهارم: شروطی را که بیمار باید مراعات نماید
- 74 مبحث چهارم: آثار و فواید، و شروط تعویذ ورقیه های مشروع:
- 74 مطلب اول آثار و فواید رقیه های مشروع:
- 76 مطلب دوم شروط تعویذ ورقیه های مشروع:
- 78 شروطی را که دم کننده در هنگام دم نمودن مد نظر داشته باشد:
- 80 فصل سوم
- 80 تعویذ ورقیه های غیر مشروع انواع احکام و اضرار آن
- 81 مبحث اول: انواع تعویذ ورقیه های غیر مشروع

82	مطلب اول: تعویذ ورقیه های شرکی
83	مطلب دوم: تعویذ ورقیه های حرام
86	مبحث دوم: اضرار و پیامدهای تعویذ ورقیه های غیر مشروع
86	مطلب اول: اضرار دینی اعتقادی و اخروی تعویذهای غیر مشروع
88	مطلب دوم: اضرار دنیوی تعویذهای غیر شرعی
	مبحث سوم: حکم تعلم تعویذ ورقیه های غیر مشروع و حکم رفتن به نزد ساحران و تعویذ دهنده
	گان حرفوی 91
91	مطلب اول: حکم تعلم تعویذ ورقیه های غیر مشروع از جمله سحر در اسلام
94	مطلب دوم: حکم ساحر در اسلام
96	مطلب سوم: آیا از بین بردن سحر از طریق سحر جواز دارد؟
99	مطلب چهارم: حکم رفتن به نزد ساحر
100	ضمائم بحث.
123	نتیجه گیری
126	پیشنهادات
127	فهرست آیات قرآن کریم
132	فهرست احادیث النبویة.
134	فهرست اعلام
135	مصادر و مراجع

مقدمه

إِنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ، نَحْمَدُهُ ، وَنَسْتَعِينُهُ ، وَنَسْتَغْفِرُهُ ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ :

اما بعد!

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ))¹

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید آن چنان که باید از الله بترسید از الله بترسید (وبا انجام واجبات دوری از منہیات گوهر تقوا را به دامن گیرید) و شما (سعی کنید غافل نباشید تا چون مرگ تان به نا آگاه در رسد) مگر آنکه مسلمان باشید.

مسأله اساسی در این تحقیق عبارت از شناخت تعویذ مشروع و فرقی آن با غیر مشروع میباشد، و این یک مسأله بسیار مهم بوده بخصوص در جامعه که امروز ما زنده گی مینماییم مردم از یک طرف بامشکلات متعدد دیگری مانند: جنگ و نا امنی فقر بیکاری و بی عدالتی و ظلم و بی سوادگی روبرو هستند از طرف دیگر بایک مشکل بزرگ دیگری اعتقادی و اجتماعی نیز دست و پنجه نرم میکنند که عبارت از وجود ساحران و جادوگران، کف شناسان و بخت دانان و تعدادی تعویذ دهنده گان، و دم اندازنده گان و غیره افراد استفاده جو میباشد، قسمیکه در همه اطراف و کناره های بازارها روی جاده های عمومی پس کوچه و مخصوصا اطراف زیارت خانه ها افراد و اشخاصی دیده میشوند که با برتن نمودن لباس های عوام فریبانه و به هدف بدست آوردن یک مقدار از پول و متاع ناچیز دنیا و یا بهتر ساختن وضع زنده گی ایشان، و یا به اهداف شوم دیگر، و با گذاشتن چند جلد کتاب کهنه و فرسوده و نقشه های متعدد و گوناگون و تعویذ های قرآنی و غیر قرآنی هر روز صدها مرد و زن مسلمان را نه تنها سبب گمراهی شان میشوند

¹ - سوره آل عمران آیت: ۱۰۲

بلکه پول در دست داشته ایشان را نیز به تاراج میبردند و ازین همه مهمتر اینکه دین و ایمان ایشان را و شرف و عفت ایشان را نیز به تاراج میبرد، و دیگر اینکه یگانه عامل گرم شدن بازار این ها و پیر رونق شدن کارهای دکان آنها عدم ترس از الله متعال است، پس این همه سبب شد که من در رابطه به این موضوع تحقیق نمایم چون موضوع متوجه شدن خطر به عقیده و ایمان است به این اساس ضرورت مبرم احساس نمودم که در این بخش کار نمایم که به توفیق الله توانسته باشم تعویذ و رقیه مشروع را از غیر مشروع به مردم معرفی نموده و من حیث یک مسلمان و جیبه دینی و ایمانی خود را ادا نموده و نزد الله مورد باز پرس قرار نگیرم.

اهمیت موضوع:

قسمیکه میدانیم اهمیت هر چیز از موضوع آن دانسته میشود، پس این موضوع که مرتبط به عقیده و ایمان مسلمان میباشد به این اساس دارای اهمیت است چون عقیده اساس است مانند: سر بر باقی اعضای بدن است البته عقیده توحیدی و پاک مطلوب است که اگر همین اساس که عبارت از عقیده است خراب شد و با خرافات و چیزهاییکه منافی توحید است یکجا شد پس اینجاست که ایمان یک مسلمان را در خطر میاندازد، و حتی بعضی حالات سبب خارج شدن انسان از دایره اسلام میشود پس این موضوع رقیه و دم مشروع و غیر مشروع یکی از موضوعات مهم و اساسی بوده که امروز جوامع ما بیشتر نیازمند آگاهی داشتن در مورد این موضوعات میباشد تا باشد که این دو تفکیک شود و بر مردم ایکه آغشته با چنین اعمال هستند آگاهی داده شود که اجتناب نمایند بخاطر حفظ ایمان و عقیده پاک و سالم ایشان که بطور مشخص تر میتوان اهمیت موضوع را طی شماره های ذیل بیان داشت:

۱- اینکه در مورد کسیکه به نزد ساحر و یا کف شناس میرود پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و عید های سخت ذکر نموده است در احادیث منع از این کار آمده است.

۲- کسیکه به اساس شریعت دم میاندازد اجر و ثواب بزرگی را بدست میآورد از جانب الله سبحانه و تعالی در صورتیکه هدفش فقط بخاطر رضامندی الله متعال و مخلصانه باشد و حتی بعضی علماء میگویند که راقی یا دم کننده مرتبه اش مانند: مجاهد در راه الله است و همچنان

از طرف دیگر تشویق مردم به دم انداختن از طریق قرآن و سنت و دور نمودن ایشان از استفاده از طرق غیر شرعی و این رواج دادن این دم ورقیه شرعی در بین مردم تاباشد که از رفتن به نزد دجال ها و ساحرها اجتناب نموده و علاج خود را به طریقه شرعی نمایند.

۳- رقیه شرعی یگانه وسیله فعال و مهم میباشد بخاطر دعوت مردم به سوی دین الله.

۴- رقیه شرعی از جمله شعایر دین ماست مردم به اساس محبت که به الله ورسولش دارند به این التزام مینمایند و بخاطر دوری از بدعت ها و خرافات و محرمات .

۵- و همچنان اهمیت علاج سحر و عین (چشم زده گی) و جن به اندازه اهمیت علاج امراض عضوی است و حتی در بعضی حالات زیادتیر هم میباشد زیرا که سحر و عین و جن بدن و روان انسان را ضرر میرساند اما امراض عضوی در بسیاری حالات فقط ضررش به جسم میباشد به روان و روح انسان ضرر ندارد.

۶- از مصادر و منابع سعادت انسان خدمت غیر و دیگران را نمودن است بخصوص زمانیکه انسان چنین کاری را بخاطر کسب رضامندی الله سبحانه و تعالی نماید و طلب اجر از الله نماید که در رقیه شرعی این مزایا وجود دارد.

اسباب اختیار موضوع:

۱- منظور از تحقیق معلومات حاصل نمودن در مورد رقیه مشروع و غیر مشروع یک ضرورت شرعی و اجتماعی است، و یک موضوع حیاتی بر جامعه اسلامی و انسانی است، که جامعه امروزی ضرورت میرم به فهم این مسأله دارند، تا تواسسته باشیم در این راستا بر جامعه خود یک نوع خدمت ای را انجام داده باشیم با خواندن این رساله مردم تفکیک بین رقیه مشروع و غیر مشروع بتوانند، و از آنچه که الله متعال منع نموده دوری نمایند.

۲- درباره موضوع تحقیق باید گفت که : تحقیقات و تالیفات موجود در رابطه به موضوع مذکور غالباً عمومی بوده در کتب مختلف من حیث یک باب بیان شده است و یا اینکه به زبان دری آنچه در موضوع مذکور نوشته شده کمرنگ است به این اساس نظر به ضرورت جامعه در این موضوع تحقیق نموده ام .

سوال های اساسی تحقیق:

۱- فواید تعویذ مشروع کدام است؟

۲- ضوابط و شروط تعویذ ورقیه مشروع کدام است؟

۳- کدام نوع تعویذ مشروع و کدام نوع تعویذ غیر مشروع است؟

۴- اضرار دینی و دنیوی تعویذعای غیر مشروع کدام است؟

پیشینه تحقیق:

در موضوع مذکور به زبان عربی با کتب زیادی روبرو شدم که برخی آن کتب قرار ذیل است :

1- الرقية الشرعية دراسة تحليلية من وحي الشرع ثم التجربة مؤلف: رميته عبدالحميد این کتاب آیات واحادیث که توسط آن علاج ورقیه میشود آنرا جمع نموده و یک بحث در مورد سحر وساحر و یک بحث در مورد علاقه و ارتباط طبابت با رقیه شرعی دارد.

2- الفرق بين الرقية الشرعية والرقية التجارية" مؤلف: عبد الکریم بن صالح الحمید این کتاب قسمیکه از نام اش هویدا است فروق رقیه شرعی وتجاری را با بیان دلایل عقلی و نقلی.

3- الرقية الشرعية أحكام وآثار مؤلف: عبد العزیز بن مزروق الطریفی در این کتاب هم مؤلف بحث را آغاز ازین نموده که قرآن شفاء برامراض جسمی ومعنوی واینکه خود آیات قرآن سبب رد سحر وعین وحسد میشود که در این کتاب نصوص را آورده که بیان کننده اینست انسان خود را دم ورقیه نماید توسط آیات قرآن واذکار واوراد ایکه از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است به همین اساس بر راقی (دم کننده) مناسب نیست که مبالغه در گرفتن مال در مقابل دم نماید. و کتاب دیگر .

4- إضاءات حول الرقية الشرعية مؤلف: ناصر بن سعید السیف این کتاب بحث خود را آغاز از مشروعیت تداوی نموده که تحت این عنوان احادیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم را آورده بخاطر اثبات مشروعیت تداوی توسط قرآن وحديث واینکه اسباب شرعی در تداوی را

ذکر نموده است، شروط رقیه شرعی، وصفات راقی شرعی، و راه های وقایه ازعین وحسد، و ارتباط بین سحر وحسد را ذکر نموده و یک بحث مفصل درمورد سحر دارد و آیات ای را که توسط آن سحر تداوی میشود ذکر نموده است.

5- **تعرف إلى ضوابط الرقية الشرعية وأحكامها** تألیف: سامی ودیع عبد الفتاح شحادة القدومی، این رساله درحقیقت یک راه روشن ای را نشان داده در مسأله دم کردن ودم کننده وکسیکه میخواهد دم نمودن بیآموزد از غیرش که ما واقعا به این ضرورت داریم که بسیاری از ساحران، وشعبده بازان مردم را فریب داده وقرآن را با سحر یکجا نموده اند، که با تاسف زیاد این ها با لباس عالم وشیخ وبه نام یک شخص صالح ظاهر شده اند ومردم را فریب داده اند. که این رساله درحقیقت ضوابط شرعی را که در هنگام رقیه شرعی باید درنظر گرفته شود بیان نموده است. وهمچنان به زبان فارسی دراین بخش غالبا آنقدر توجه زیادی نشده است با وجود حیاتی بودن موضوع مگر بعضی کتب ورسایل کوچک ای را که علماء زحمت کشیده اند و دراین مورد نوشته اند، ولی بازهم بنده ضرورت تحقیق دراین بخش بیشتر احساس نمودم.

روش تحقیق:

این تحقیق از نوع روش استقرائی بوده وموضوعاتی که در این تحقیق مد نظر گرفته شده عبارت از:

۱- جمع آوری معلومات از منابع گوناگون بر مبنای قرآن وسنت است،

۲- غالبا منهج کتابخانه یی بوده واز مصادر اساسی تفسیر درآن استفاده نموده ام، که قبلا دراین عرصه کمتر صورت گرفته، ومن ضرورت احساس نمودم تا به روش جداگانه یی که مورد استفاده بهتر قرار گیرد آنرا جمع بندی نمایم ودر دسترس پژوهشگران قرار دهم .

۳- ذکر شمار آیات قرآن کریم را با اسم سوره آن در پاورقی نوشته نموده ام.

۴- احادیث را تخریج کرده درپاورقی آن را بیان کرده ام.

۵ - اقوال علماء را از مراجع اصیل آن نقل کرده ام.

۶- اقوال آنعده علماء را که آورده ام و مشهور نیستند در پاورقی بشکل مختصر معرفی نموده و صحابه کرام که مشهور هستند آنان را معرفی نموده ام.

۷- ترجمه آیات را از به زبان فارسی از تفسیر نور که مؤلف آن مصطفی خرم دل میباشد اخذ نموده ام.

۸- در مورد مآخذ و مراجع باید یاد آور شد اینکه تمام آن را در پاورقی هر صفحه قسمی نوشته کرده ام قرار ذیل است ۱- اول نام کتاب ب: مؤلف آن ۲- به تعقیب آن شماره جلد و صفحه ۳: اسم تحقیق کننده ۴- مرکز نشر و پخش کتاب ۵- اگر تاریخ داشت آن را هم نوشته ام ۶- ، مصادر و مراجع را به شکل فهرست در اخیر نوشته نموده ام.

۹- در این تحقیق در پهلوی استفاده از کتب با مشوره استاد رهنما یک بحث میدانی نیز نموده ام که ضمیمه این بحث میباشد .

اهداف تحقیق :

- ۱- هدف اساسی این رساله تحقیقی بیان رقیه مشروع و غیر مشروع در پرتو قرآن و سنت میباشد .
- ۲- بیان اینکه با در نظر داشت کدام معیارها و شروط و ضوابط رقیه مشروع جواز داشته و همچنان برعکس آن رقیه غیر مشروع ممنوع گردیده است .
- ۳- بیان انواع رقیه غیر مشروع .
- ۴- بیان حکم رفتن به نزد چنین دجالان و ساحران ، و بیان حکم تعلم تعویذ .
- ۵- اهمیت شناخت رقیه مشروع و غیر مشروع.

مشکلات تحقیق:

مشکلات ای را که در این تحقیق به آن مواجه شدم عمده ترین آن قلت منابع به زبان فارسی بوده، واکثرا منابع به زبان عربی بوده، چنانکه میدانید ترجمه نیز یک علم جداگانه است، با وجود اینکه زبان عربی را به فضل الله متعال میدانم ولی بازهم در قسمت ترجمه با بعضی مشکلات مواجه شدم خصوصا در ترجمه احادیث، اما به فضل الهی توانستم که با وجود این همه مشکلات تحقیق را به اتمام رسانیده و در صورت ضرورت در دسترس خواننده گان قرار دهم .

هیكل تحقیق:

این تحقیق دارای یک مقدمه و سه فصل میباشد که قرار ذیل است :

فصل اول مفاهیم عمومی موضوع

مبحث اول: مفهوم تعویذ

مطلب اول: مفهوم تعویذ در لغت.

مطلب دوم: مفهوم تعویذ در اصطلاح.

مبحث دوم: الفاظ و کلمات مرادف، و متقارب تعویذ

مطلب اول: رُقِیَّة ، تَمَائِم ، تَوَلَّة و نَشْرَة

مطلب دوم: الفاظ مرادف دیگر با تعویذ

مبحث سوم: اهمیت شناخت تعویذ ورقیه مشروع و غیر مشروع

مطلب اول: اهمیت شناخت تعویذ ورقیه مشروع

مطلب دوم: اهمیت شناخت رقیه غیر مشروع

فصل دوم: تعویذ ورقیه های مشروع انواع واحکام آن

مبحث اول: تعویذ ورقیه های مشروع

مطلب اول: دلیل مشروعیت تعویذ ورقیه مشروع ازقرآن

مطلب دوم: دلیل مشروعیت تعویذ ورقیه مشروع ازحدیث

مطلب سوم: اقوال علماء واجماع امت

مبحث دوم: آثار وفواید، وشروط تعویذ ورقیه های مشروع

مطلب اول: آثار وفواید رقیه های مشروع

مطلب دوم: شروط تعویذ ورقیه های مشروع

مبحث سوم: احکام وآداب تعویذ ورقیه های مشروع

مطلب اول: حکم اجرت گرفتن در برابر رقیه وتعویذ

مطلب دوم: حکم کتابت وآویزان نمودن تعویذ ورقیه های مشروع

مطلب سوم: آداب رقیه کننده وتعویذ دهنده

مطلب چهارم: شروط وآداب ی راکه دم کننده و بیمار مراعات نماید

مبحث چهارم: انواع تعویذ ورقیه های مشروع

مطلب اول: تعویذ ورقیه مشروع توسط آیات وسوره های قرآن

مطلب دوم: تعویذ ورقیه مشروع توسط ادعیه واذکار مأثوره

فصل سوم تعویذ ورقیه های غیر مشروع انواع احکام واضرار آن

مبحث اول: انواع تعویذ ورقیه های غیر مشروع

مطلب اول: تعویذ ورقیه های شرکی

مطلب دوم: تعویذ ورقیه های حرام

مبحث دوم: اضرار و پیامدهای تعویذ ورقیه های غیر مشروع

مطلب اول: اضرار دینی و اعتقادی و اخروی تعویذهای غیر مشروع

مطلب دوم: اضرار دنیوی تعویذهای غیر شرعی

مبحث سوم: حکم تعلم تعویذ ورقیه های غیر مشروع و حکم رفتن به نزد ساحران و تعویذ

دهنده گان حرفوی

مطلب اول: حکم تعلم تعویذ ورقیه های غیر مشروع از جمله سحر در اسلام

مطلب دوم: حکم ساحر در اسلام

مطلب سوم: آیا از بین بردن سحر از طریق سحر جواز دارد؟

مطلب چهارم: حکم رفتن به نزد ساحر.

ضمائم بحث.

نتایج و توصیات

فصل اول مفاهیم و کلیات

این فصل مشتمل بر سه مبحث بوده که عبارت اند از:

مبحث اول: مفهوم تعویذ

مبحث دوم: الفاظ و کلمات مرادف تعویذ

مبحث سوم: اهمیت شناخت تعویذ ورقیه مشروع و غیر مشروع

فصل اول

مفاهیم عمومی

در این شکی نیست که دانستن حکم هر عمل و حرکت منوط و وابسته بر فهم و درک مفهوم و حقیقت همان عمل است؛ لذا شیوه و سنت دائمی و همیشگی علماء در کتابها و تصنیفات شان چنین بوده است که آنها قبل از پرداختن به مشروعیت یک عمل، چه آن عمل از جمله عبادات باشد یا معاملات و اخلاق، از امور و مسائل اعتقادی باشد یا مسائل فرعی و عملی، قبل از همه به بیان مفهوم لغوی و اصطلاحی آن می پردازند. چون این یک اصل مسلم و پذیرفته شده است که شناخت حکم هر چیز فرع تصور همان چیز است. روی همین ملحوظ بنده قبل از پرداختن به احکام و مسائل مربوط به تعویذ و رقیه، حرز و حجاب، تائم و توله مفاهیم آنها را مورد بحث و بررسی قرار میدهم.

مبحث اول: مفهوم تعویذ

در این مبحث مفهوم لغوی و اصطلاحی تعویذ طی دو مطلب بیان میگردد.

مطلب اول مفهوم تعویذ در لغت:

« تعویذ » مصدر باب تفعیل است. صیغه ثلاثی مجرد آن (عَوَّذَ) به معنای پناه بردن به چیزی است از شری که با آن مواجه شده است، چنانچه عرب میگویند: (فُلَانٌ عَوَّذَ لَكَ) (أَيُّ مَلْجَأٍ) یعنی فلانی پناه گاه تو است،

و همچنان گفته شده است: (عُدْتُ بِفُلَانٍ: اسْتَعَدْتُ بِهِ، أَيُّ لَجَأْتُ إِلَيْهِ وَهُوَ عِيَاذِي: أَيُّ مَلْجَئِي) یعنی پناه بردم به فلان، طلب پناه نمودم از وی و او پناه گاه من است.¹

¹- مفردات القرآن (ص: 595) المؤلف: الحسين بن محمد بن المفضل المعروف بالراغب الأصفهاني أبو القاسم دار النشر: دار القلم- دمشق عدد الأجزاء /2 المعجم الوسيط المؤلف / إبراهيم مصطفى - أحمد الزيات - حامد عبد القادر - محمد النجار/ باب: عين/ ج: 2/ 635 دار النشر: دار الدعوة تحقيق / مجمع اللغة العربية / تاج العروس من جواهر القاموس المؤلف: محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، الزبيدي/ ج: 9/ باب: عوذ/ ص: 438 تحقيق مجموعة من المحققين الناشر دار الهداية عدد الأجزاء / 40. مصطفوي، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج 8، ص 258، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1368 ش.

در المعجم الوسيط آمده است: « عاذ به عودا و عیادا : التجأ إليه واعتصم به، وتقول: أعوذ بالله من الشيطان الرجيم، أي: أعتصم بالله منه، و عاذ به: لزمه. أعاده بالله: حصّنه به وبأسمائه، عوّده: أعاده وعلق عليه العوذة. تعاوذ القوم في الحرب: احتسب بعضهم ببعض. (العوذ) الملجأ، يقال: فلان عوذ لبني فلان، ويقال: عوذ بالله منك أي: أعوذ بالله. (العوذة) التميمية والرقية يرقى بها الإنسان من فزع أو جنون (جمعها) عَوْدُ. (العیاذ) الملجأ ويقال: العیاذ بالله منه، أي أعوذ. (المعوذتان) سورتا الفلق والناس من التنزیل العزیز¹

یعنی (عُودَةٌ، تَعْوِذَةٌ، وَمَعَاذَةٌ) که جمع آنها (عُودٌ، تَعَاوِذٌ وَمُعَاذَاتٌ) است. همه یک معنا را افاده میکنند، و آن همان دم و دعایی است که در اثر نگرانی از ترس و خوف و یا جنون و دیوانگی بر انسان ترس خورده و یا شخص مریض خوانده میشود.

پس معنای لغوی تعویذ همانا: پناه بردن به غیر، و پیوست شدن به او، و در امان نگاه داشتن است. طوریکه در آیات متعدد قرآنی نیز به همین معنی آمده است، چنانچه الله متعال از برخی پیامبرانش حکایت نموده فرموده است: {أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ}²، {وَإِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ}³، {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ}⁴، {إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا}⁵، {وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ}⁶.

و به معنای دعا نوشتن و آویختن آن بر کسی دیگر نیز تعویذ اطلاق می شود.⁷

1- المعجم الوسيط ابراهيم مصطفى و همكارانش: (635/2)، نشر دار الدعوة.

2- سورة البقرة، آیه: ۶۷-ترجمه آیت: به الله پناه می برم که از جاهلان باشم.

3- سورة الدخان، آیه: ۲۰- ترجمه آیت: و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از اینکه مرا متهم (یا سنگسار) کنید.

4- سورة الفلق، آیه: ۱- ترجمه آیت: بگو پناه می برم به پروردگار سپیده صبح.

5- سورة مريم، آیه: ۱۸- ترجمه آیت: من به الله از تو پناه می برم اگر پرهیزگارهستی.

6- سورة غافر، آیه 27.

7- فرهنگ ابجدی عربی - فارسی ستانی، فؤاد افرام، مهیار، رضا، ص 629، تهران، اسلامی، چاپ دوم، 1375 ش.

مطلب دوم: معنا و مفهوم تعویذ در اصطلاح:

مفهوم اصطلاحی تعویذ نیز شبیه و قریب معنای لغوی آن است، طوریکه در معجم مصطلحات علوم شرعی آمده است: «التعوید: التحصين بالرقی، والتمايم، ونحوها مما هو مشروع، أو غير مشروع، و من أمثلته: تعویذ الصغیر بقول: أعیذك بكلمات الله التامة، من كل شیطان و هامة، و من كل عين لامة»¹ یعنی تعویذ عبارت است از در امان نگهداشتن خود به وسیله رقیه و آویزان نمودن اشیای معین، چه مشروع باشند و یا غیر مشروع، و یکی از نمونه های تعویذ: خواندن این دعای ماثور بالای اطفال خورد سال است که تعویذ کننده می گوید: «أعیذك بكلمات الله التامة، من كل شیطان و هامة، و من كل عين لامة»

" یعنی من ترا را با کلمه های تام خداوند، از شر هر شیطان و گزنده و از هر چشم ضرر رساننده، در پناه خدا قرار می دهم."

و شبیه تعریف فوق در کتاب موسوعة فقهی کویت نیز آمده است. « وَالتَّعْوِیْذُ فِي الْإِصْطِلَاحِ یَشْمَلُ الرُّقَى وَالتَّمَايِمَ وَنَحْوَهَا مِمَّا هُوَ مَشْرُوعٌ أَوْ غَيْرُ مَشْرُوعٍ »².

یعنی تعویذ در اصطلاح شامل دمها و درودها، دعاها و افسون ها، مهره ها و اشیای دیگری است که توسط آنها شخص مریض را رقیه و معالجه مینمایند که برخی آنها مشروع و برخی دیگر غیر مشروع میباشد، از تعریف فوق چنین دانسته میشود که تعویذ نسبت به دم و رقیه عام تر است زیرا در تعویذ بیشتر از نوشته ها و یا مهره ها و اشیای دیگر نیز استفاده میگردد.

پس تعویذ در اصطلاح؛ همان دعاها و افسون هایی اند که برای دفع شرّ نوشته می شود و چون به آن پناه می برند، لذا به آن تعویذ می گویند³.

¹ - معجم المصطلحات العلوم الشرعية، مؤلف: مجموعة من المؤلفين ص: 495. سنة النشر 1439-2017 عدد المجلدات: 4 رقم الطبعة: 2
² - الموسوعة الفقهية الكويتية (13/ 21) الصادرة عن وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت الطبعة: (من 1404 - 1427 هـ).

³ - لسان العرب ابن منظور، محمد بن مكرم، ج 3، ص 499، بيروت، دار الفكر، چاپ سوم، 1414 ق.

مبحث دوم: الفاظ وکلمات مرادف و متقارب تعویذ

در منابع دینی ما - مخصوصاً کتب عقیده - و هم چنان کتب لغت از دعاها و افسون های که مردم به غرض جلب نفع و یا دفع شر به آنها روی می آورند تعبیرهای مختلفی صورت گرفته و به نامهای مختلفی از آنها یاد شده است که تقریباً به ده نام بالغ میگردد که ما هریکی از آن الفاظ و یا اصطلاحات را تحت دو مطلب مورد بحث و بررسی قرار میدهیم.

مطلب اول: رُقِیَّة ، تَمائم ، تَوَلَّة و نَشْرَة

1 - رُقِیَّة:

نخستین لفظ و یا واژه ای که مرادف تعویذ است کلمه رُقِیَّة است - به ضمه راء و سکون قاف و فتح یاء - و کلمه رُقِیَّة که یک واژه عربی و مصدر است از فعل ماضی (رَقَى) گرفته شده و مصدرش: (رَقِیًّا و رُقِیًّا و رُقِیَّةً) می آید، همان دم و افسونی است که برای دفع امراض، تسکین درد، رام کردن و بیرون کشیدن مارها و عقربها از لانه هایشان و دفع آسیب پریان و گزندگان می خوانند، و یا نوشته می کنند و یا می دمند. و به عبارت دیگر وساده تر رُقِیَّة همان دم کردن است که در صورت داشتن تب، سردردی، گزیدن حشرات و غیره از آن استفاده می شود.

و در واقع بیشتر پس از وقوع پیشامد بد به کار می رفته است، با این حال گاهی به تسامح، رُقِیَّة را در معنی تعویذ و حرز استعمال کرده اند.

ابن اثیر¹ میگوید: «الرُقِیَّة: العُوذَةُ الَّتِي يُرَقَى بِهَا صَاحِبُ الْآفَةِ كَالْحَمَى وَالصَّرَعِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْآفَاتِ»².

1- قاضی رئیس علامه و بلیغ مجدالدین أبو السعادات المبارک بن محمد بن محمد بن عبد الکریم بن عبد الواحد الشیبانی جزری و موصلی نویسنده (جامع الأصول) و (غریب الحدیث) در جزیره ابن عمر تولد شده در سال ۵۴۴ هج آنجا نشأت کرده و بعداً به موصل رفته و ازیحی ابن سعدون قرطبی و خطیب موصل حدیث شنیده در حدیث و علم و ادب دست و الا داشت. این معلومات گرفته شده از (سیر أعلام النبلاء / ص: 488)

2- النهایة فی غریب الحدیث والاثر المؤلف: أبو السعادات المبارک بن محمد الجزری (621/2) الناشر: المكتبة العلمية - بیروت 1399 هـ - 1979 م

یعنی رقیه عبارت از دم و دعاهایی است که توسط آن بر شخص آفت رسیده مانند تب و مرض صرع و غیره خوانده میشود. طوری که الله متعال در قرآن کریم چنین میفرماید: {وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ} ¹، یعنی کی دم اش میکند در این آیات تنبیه است که هیچ راقی و دم کننده ای نیست که او را از مرگ نجات بدهد و حفاظت کند. پس رقیه و عوذ یک نوع توسل و دعا خواندن است بر مریض تا صحت یابد. ²

حافظ ابن حجر عسقلانی ³ رقیه را تعریف کوتاه و جامع نموده گفته است: «الرقية كلام يستشفى به من كل عارض» ⁴، یعنی رقیه يك نوع كلام و سخني است که توسط وي از هرگونه عوارض شفا جسته میشود. صاحب عون المعبود ⁵ شارح سنن ابی داود میگوید: «الرقية ما يُقرأ من الدعاء لطلب الشفاء» ⁶. یعنی رقیه برخي از دعاها و افسون هایی است که به غرض طلب شفا خوانده میشود.

1- سورة القيامة، آیت: ۲۷.

2- فرهنگ معین (۱۷/۳)، ترجمه مفردات قرآن (ص: ۹۳۸)، فرهنگ ابجدی فارسی (ص: ۱۱۶۹)، المعجم الوسيط (367/1).

3- امیر المومنین در حدیث و شیخ الاسلام امام حافظ شهاب الدین أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن علي بن محمود الكناني العسقلاني اصل او از فلسطین تولد و وفات اش در مصر در قاهره شده که متمسک به مذهب امام شافعی رحمه الله بود که به ابن حجر مشهور است در سال ۷۷۳ در مصر تولد شده که در سن طفولیت قرآن و بسیاری از متون را حفظ نموده است از جمله علم حدیث روایة و درایة که از دوازده ساله گی به آموختن علم حدیث آغاز کرد کتب زیاد را تالیف و تصنیف نموده از جمله فتح الباری شرح صحیح البخاری، والإصابة في تمييز الصحابة است. (الموقع الرسمي للمكتبة الشاملة)

4- فتح الباري شرح صحيح البخاري المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي (ج/10/ص: 195-197) الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1379 تحقيق: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي

5- أبو طيب محمد شمس الحق بن أمير علي بن مقصود العظيم الأبادي، محقق ومحدث بزرگ از كبار محدثين هند است که رهبری حرکت اهل سنت و جماعت را نیز به دوش داشت و از جمله نابغه های عصر خود بود در سال 1273- تولد در کشور خودش و خورده سالی خود را نیز در همانجا سپری کرد در اثر مصاب شدن به مرض طاعون در سال 1329 وفات نموده است. نگاه شود به رساله تحقیقی بنام (المحدث الشيخ شمس الحق العظيم آبادي حياته وجهوده في الحديث النبوي / محقق: سيد عبد الماجد الغوري في معهد دراسات الحديث النبوي في الكلية الجامعية الإسلامية العالمية بسلانجور ماليزيا)

6- عون المعبود المؤلف: محمد شمس الحق العظيم آبادي أبو الطيب (ج: 8/ص: 410) الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة الثانية، 1415

امام قرافی¹ گفته است: « الرَّقِي هِيَ الْفَاطُ حَاصَّةٌ يَحْدُثُ عِنْدَهَا الشَّفَاءُ مِنَ الْأَسْقَامِ وَالْأَذْوَاءِ وَالْأَسْبَابِ الْمُهْلِكَةِ، وَلَا يُقَالُ لَفْظُ الرَّقِي عَلَى مَا يُحْدِثُ ضَرَرًا بَلْ ذَلِكَ يُقَالُ لَهُ السَّحْرُ وَهَذِهِ الْأَلْفَاظُ مِنْهَا مَا هُوَ مَشْرُوعٌ كَالْفَاتِحَةِ وَالْمَعْوَذَتَيْنِ وَمِنْهَا مَا هُوَ غَيْرُ مَشْرُوعٍ كَرَقِي الْجَاهِلِيَّةِ وَالْهِنْدِ وَغَيْرِهِمَا وَرُبَّمَا كَانَ كُفْرًا»².

یعنی رقیه عبارت از الفاظ و دعاها می مخصوصی است که با بکار بردن آنها از امراض و دردها و عوامل هلاک کننده شفا و نجات حاصل میگردد، و الفاظی که در دم و رقیه بکار برده میشوند، برخی آنها مشروع مانند: سوره فاتحه و معوذتین و برخی دیگر آنها غیر مشروع بوده مانند: دم های دوره جاهلیت عرب و هندوها و دیگران و برخی دیگر الفاظ گاهی به کفر انسان می انجامد. با دقت در این تعاریفات واضح معلوم میشود که تمام تعریفها از لحاظ محتوی یکسان بوده البته در بین همه تعاریفات تعریف امام قرافی شامل تر میباشد.

2- تائم:

واژه مشهور دیگری که مرادف تعویذ آمده است، واژه تمیمه است که جمعش تائم است ابن سیده³ گفته است: « هِيَ حَرْزَةٌ رُقِيَاءٌ تُنَظَّمُ فِي السَّيْرِ ثُمَّ يُعَقَّدُ فِي الْعُنُقِ، وَقِيلَ: هِيَ قِلَادَةٌ يُجْعَلُ فِيهَا سُبُورٌ وَعُودٌ وَالْجَمْعُ تَائِمٌ »⁴.
 "تمیمه: مهره ای است دارای خالهای سفید و سیاه که بعد از سوراخ کردن به نخ کشیده میشود سپس در گردان اطفال آویخته میشود، و یا گردن بندی است که دران پاره از پوست و یا چرم را آویزان کرده میشود".

1- أبو العباس أحمد بن إدريس الصنهاجي القرافي مالكي ومصري متولد سال 684 هج¹ از علمای مالکی است در مصر تولد و بزرگ شده و در همانجا وفات کرده تالیفات زیادی از خود به جا گذاشته است از جمله: (انوار البروق فی انواع الفروق) در علوم مختلف دست والا داشت (صفحه رسمی مکتبه الشامله)
 2- أنوار البروق في أنواع الفروق / للقرافي (ج:4/ص:147) مصدر الكتاب: موقع الإسلام (المكتبة الشاملة)
 3- ابن سیده امام در زبان عربی أبو الحسن علی بن اسماعیل المرسي و نابینا مؤلف کتاب "المحکم" در زبان عربی و یکی از افراد ایکه در ذکاوت و هوشیاری اش ضرب المثل گفته میشود، و پدرش هم لغوی بود و در لغت و قواعد زبان عربی دست والا داشت و در شعر همچنان، صاعد بن احمد قاضی سال وفات اش را تاریخ ۴۵۸ هجری بیان نموده است، و از جمله کتب مشهور اش کتاب (المخصص لابن سیده) است. (سیر اعلام النبلاء /ص:144)

4- المخصص لابن سیده، لأبي الحسن علي بن إسماعيل النحوي اللغوي الأندلسي المعروف بابن سيدة (130/3)،

تمائم به این نام مسمی شده است که به باور مردم توسط آنها دفع نظر صورت می گیرد. و بدون شک این یک عمل ممنوع است؛ زیرا دفع کننده نظر بد تنها الله متعال است، و نیز دفع هرگونه اشیای اذیت رساننده به وسیله الله، نامها و صفات وی صورت میگیرد¹.

در معجم مصطلحات علوم شرعی آمده است: « التمام: جمع تمیمة. و هی قلائد من خرز، أو سیور، أو نحوها. كان العرب يعلقونها على أنفسهم، أو أولادهم، أو دوابهم، أو بیوتهم یعتقدون بأنها تجلب لهم النفع، أو تدفع عنهم الضرر كالعين، والمس والحسد، أو غيرها من أنواع البلاء لرفعه، أو دفعه. و تبعهم فی ذلك بعض الجهلة فی هذا العصر »².

یعنی تمیمة عبارت از گردنبندهای از دانه ها، یا تارهای مشخص و امثال آن است که عربها در گردنهای خویش، یا در گردنهای فرزندان خویش، یا در گردنهای حیوانات شان، یا در خانه های خویش بر این باور آویزان می کردند که آنها نفعی را برای ایشان بیار می آرد، یا ضرری مانند زخم چشم، جن زدگی، حسد و غیره را از ایشان دور می کند، و با تاسف که برخی افراد جاهل در عصر حاضر از ایشان در این زمینه متابعت و پیروی نمودند. امام ابن عبد البر³ گفته است: « التمیمة فی کلام العرب القلادة، هذا أصلها فی اللغة، ومعناها عند أهل العلم ما علق فی الأعناق من القلائد خشية العين أو غيرها من أنواع البلاء »⁴.

یعنی در اصل کلام عرب مطلق قلادة وگردن بند را تمیمة گویند، و معنایش نزد اهل علم گردن بندهای مخصوصی است که از ترس زخم چشم و یا نظر بد و بلاهای دیگر در گردن آویخته میشود. و به عبارت دیگر: طلسمی که برای دفع زخم چشم به گردن اطفال آویزند (دعای باز و بند کودکان)⁵.

1- فتح المجید شرح کتاب التوحید، تالیف: عبد الرحمن آل الشیخ (ص: 122)، طبعة رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء، الرياض، ط: 1422، 4، هـ.

2- معجم المصطلحات العلوم الشرعية (ص: 445).

3- ابن عبد البر * الامام العلامة، حافظ المغرب، شیخ الاسلام، أبو عمر، یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري، الاندلسي، القرطبي، المالكي، صاحب بهترین تصانیف بوده در سال 368 تولد و عمر خود را در طلب علم سپری نمود و از بزرگان علماء علم آموخته و دارای بهترین تصانیف است و بلاخره در سال (463) وفات نمود ققیه عالم عابد و مجتهد بود. (سیر اعلام النبلاء: ص: 152-153)

4- التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد (162 / 17) طبع وزارة الأوقاف بالمملكة المغربية.

5- ترجمه مفردات قرآن (ص: 1564). فرهنگ معین (2 / 157)

امام بغوی گفته است: « التمام: جمع التمیمة ، وهي خرزات كانت العرب تعلقها على أولادهم يتقون بها العين بزعمهم ، فأبطلها الشرع،... وروي أن النبي صلى الله عليه وسلم قطع التمیمة من عنق الفضل بن عباس»¹.
تمام جمع تمیمة است که عبارت طلسم و خرز های است که عرب برد گردن اولاد های خود را آنرا می آویختند به این باور که این ها اطفال شان را از چشم زده گی حفظ میکند، زمانیکه شریعت اسلام آمد این همه را باطل اعلان نمود، روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم تمیمة را از گردن فضل بن عباس قطع و دور نمود.

یعنی تمام که جمع تمیمة است عبارت از: مهره های است که عرب به غرض محفوظ ماندن فرزندان شان از نظر بد بر اطفال خویش آویزان می نمودند؛ لذا شریعت آمد و آن را باطل قرار داد، طوریکه در برخی روایات آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم از گردن فضل بن عباس تمیمة و یا مهره را قطع نمودند.

شیخ عبد الرحمن بن سعدي² گفته است: « أما التمام فهي تعاليق تتعلق بها قلوب متعلقیها»³.

یعنی تمام عبارت از اشیای قابل آویزان است که دل های آویزان کننده آنها بر آنها معلق و وابسته می باشد. و در این تعریف به مهمترین سبب ممنوع بودن آن اشاره شده است که عبارت از تعلق قلوب و اتکاء نمودن بر آنهاست.

1- شرح السنة (ج:12/ص:158)، تألیف: حسین بن مسعود، المكتب الإسلامي، بیروت، سنة 1971 م.

2- الشيخ العلامة أبو عبد الله عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله بن ناصر بن حمد آل سعدي، از قبيله بني تميم، رسالة 1307 هجري درعنيته تولد شده است و رغبت شديد به طلب علم و حفظ قرآن از طفولیت داشته که در ۱۱ سالگی قرآن را مکمل حفظ کرده است در فقه دست والای داشت و متمسک به مذهب حنبلی بوده که زیادتر عمر با کتب ابن تیمیه و ابن قیم مشغول بوده در فنون مختلف تالیفات دارد مثل: تفسیر، توحید، فقه، حدیث و اصول و آداب و غیره. (الشيخ عبد الرحمن السعدي وجهوده في توضيح العقيدة، رسالة الماجستير إعداد: د/عبدالرزاق بن عبدالمحسن از صفحه 13-61)

3- القول السديد شرح كتاب التوحيد المؤلف: الإمام محمد بن عبد الوهاب/ص: 40. الطبعة: الثانية الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد المملكة العربية السعودية تاريخ النشر: 1421 هـ

و شیخ ابن عثیمین¹ رحمه الله گفته است: « التمام جمع تمیمة و سمیت تمیمة؛ لأنهم یرون أنه یتم بها دفع العین »².

3 - تولة :

لفظ و یا کلمة دیگری که مرادف تعویذ آمده است کلمة تولة است ، وتوله - به کسرة تاء و فتحة واو و لام - نوعی از سحر و جادو است که برای افسون کردن مرد تا پای بند زن و یا دوست دار زن خود باشد، استفاده میشود³ حافظ ابن حجر گفته است : « التولة بكسرالمثناة، وفتح الواو واللام مخففا، شيء كانت المرأة تجلب به محبة زوجها، وهو ضرب من السحر »⁴.

یعنی توله یک نوع سحر و جادو است که توسط آن زن میل و محبت شوهرش را به سوی خودش معطوف میسازد .

هم چنان در معجم مصطلحات شرعی ذکر شده است: « نوع من السحر یعقد لیحب المرأة لزوجها »⁵.
یعنی توله یک نوع جادو است که به غرض محبوب ساختن زن برای شوهرش در چیزی گره می زنند.
و این همه تفسیرها توسط قول و فرموده صحابی عبد الله بن مسعود رضی الله عنه نیز تایید گردیده است، طوریکه در روایت مستدرک آمده است که همسر عبد الله بن مسعود از وی در مورد توله سوال میکند و او میگوید: "التولية هوالذي يهيج الرجال"⁶.
یعنی توله چیزی است که مردها را تحریک میکند.

1- محمد صالح بن عثیمین نام مکملش ابو عبد الله محمد بن سلیمان بن عبدالرحمن العثیمین الوهیبی التیمی در سال ۱۳۴۷ در ماه مبارک رمضان در شهر عنیزه تولد شده که یکی از شهرهای سعودی است و شاگرد خاص عبدالرحمن سعدی بود و از جمله علمای بود که در علم و تفسیر و عقیده و حدیث و فقه و فتوی دست والا داشته تالیفات زیادی از خود بجای گذاشته که در پهلوی این همه در بخش خطابه و امامت نیز تالیفات داشته در مدت پنجاه سال جهود زیادی را در بخش تدریس و دعوت و عظ و ارشاد به خرچ داده است . که در سال ۱۴۲۱ هجری وفات نموده است و از خود آثار علمی زیادی را از مصنفات، و مسموعات به جا گذاشته که در جوانب مختلف بحث نموده و صوتیات آنها موجود است . (الموقع الرسمي لفضيلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين)

2- القول المفید علی کتاب التوحید مؤلف : محمد بن صالح العثیمین (ج: 1/ص: 175).

3- فرهنگ معین (363/3)

4- فتح الباری شرح صحیح بخاری (206/10)، تألیف: ابن حجر عسقلانی ، دار الریان/ چاپ دوم 1409 هـ.

5- معجم المصطلحات العلوم الشرعية ص: 570.

6- المستدرک علی الصحیحین المؤلف : محمد بن عبد الله أبو عبد الله الحاكم النيسابوري (463/4) این حدیث صحیح است به شرط شیخین ولی ای حدیث را تخریج نکرده اند الناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت الطبعة الأولى ، 1411 - 1990 تحقیق : مصطفى عبد القادر عطا .

و در روایت دیگر نیز آمده است که مردم گفتند: يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ، هَذِهِ التَّمَائِمُ وَالرَّقِيُّ قَدْ عَرَفْنَاهَا، فَمَا؟ التَّوَلَةُ؟ قَالَ: شَيْءٌ يَصْنَعُهُ النِّسَاءُ يَتَحَبَّبْنَ بِهِ إِلَى أَزْوَاجِهِنَّ»¹.

" ای ابو عبدالرحمن این تمیمه ها ورقیه هارا ما شناختیم پس توله چیست؟ فرمودند: چیزی است که زن ها میسازند آن را بخاطر محبوب شدن ایشان به نزد شوهر های شان".
یعنی توله نوعی از سحر و جادو است که برای افسون کرد تا پای بند زن خود باشد.

4- نشره:

نشره هم مانند تعویذ ورقیه می باشد، و میتوان گفت که نام دیگر رقیه نشره است و او عبارت از افسونی است که با آن مریض و یا دیوانه را معالجه می نمایند، و این رقیه یا افسون را به این علت نشره می نامند که نشر به معنای حرکت نمودن و از جای برخاستن است، گویا مریض در اثر همان دم و افسون صحت یاب شده و از جایش برمیخیزد و حرکت می کند.

ابن حجر عسقلانی می گویند: « النشرة بالضم: ضرب من الرقية والعلاج يعالج به من كان يظن أن به مسا من الجن، سميت نشره، لأنه يُنشر بها عنه ما خامره من الداء: أي يكشف ويزال »².
یعنی نشره نوعی از علاج است که توسط آن کسی را که در موردش گمان سحر و یا جن زده گی برده شود تداوی می کند.

انواع نشره:

نشره بدون نوع است:

۱- گشودن سحر توسط سحر و جادوی مشابه که پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را عمل شیطانی معرفی نموده است، چنانچه از جابر رضی الله عنه روایت شده که گفت: سئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ النَّشْرَةِ فَقَالَ: « هُوَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ »³

ترجمه: از رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال شد در مورد نشره فرمودند: نشره از عمل شیطان است .
و علت عمل شیطانی بودن آن این است که هر دو طرف (ناشر، ومنتشر) با انجام دادن آنچه که شیطان دوست دارد به او تقرب می جویند و او آنچه را که در مورد شخص سحر شده انجام داده است باطل و خنثی میسازد.

1- همان مرجع (463/4). امام البانی در صحیح الترغیب حکم این حدیث را صحیح بیان نموده است.

2- فتح الباری (244/10)

3- حدیث را امام احمد در مسند (3/394)، ابو داوود در سنن (3862) روایت نموده است و امام البانی این حدیث را صحیح گفته است .

۲- نُشْرَه تَوْسَطِ خَوَانِدَنِ اَوْرَادٍ وَ اَذْكَارِ مَشْرُوعٍ وَ مَسْنُونٍ وَ يَا بَا اسْتِفَادَه از دَارُوهايِ مَفِيدِ اسْتِ كه نَه تَنْهَا جَائِزِ بُوْدَه بَلَكِه مَسْتَحَبِ مِي بَاشَد.¹

مطلب دوم: الفاظ مرادف دیگر با تعوید:

1 - وَدَعَة :

وَدَعَةٌ يَآ وَدَعَةٌ، بَه فَتْحِ وَاوِ وَحَرَكَةِ دَالِ وَسَكُونِ اَنِّ كِه جَمْعَشِ وَدَعَاتٍ اسْتِ هِمَانِ دَانِه هَا يَآ سَنَگِ هَايِ قِيْمَتِي وَكُوچَكِي اَنْدِ كِه بَرَايِشِ صَدْفِ بَحْرِي اِطْلَاقِ مِيكَنْنَد.²

بِه عِبَارَتِ دِيْگَرِ وَدَعَه مَهْرَه اِي سَفِيْدِ رَنَگِي اسْتِ كِه از بَحْرِ گِرْفْتَه مِيشُود، دَر بَزْرُگِي وَ كُوچَكِي از هَم مِتْفَاوَتِ اَنْدِ دَاخِلِشِ خَالِي، رَنَگِشِ سَفِيْدِ كِه دَر وَسَطِشِ شَقِّ يَآ دَرِزِ وَجُوْدِ دَارِدِ وَ دَرِزِ اَنِّ مَانَنْدِ دَرِزِ خَسْتَه خَرْمَا اسْتِ، وَ مَرْدَمِ بَخَاطِرِ حِفَاظَتِ از چِشْمِ زَدَه گِي بَه گَرْدَنِ اِطْفَالِ وِيَا بَزْرُگَانِ اَوِيْزَانِ مِي كَنْنَد.³

عِلَامَه فَيْرُوزِ اَبَادِي⁴ مِيگوِيْد: « الْوَدَعَةُ، وَيُحَرِّكُ، جَمْعُهَا وَدَعَاتٌ: حَرَزُّ بِيضٌ تُخْرَجُ مِنَ الْبَحْرِ بِيضًا، شَقُّهَا كَشَقُّ النَّوَاةِ، تُعَلَّقُ لِدَفْعِ الْعَيْنِ »⁵.

يَعْنِي وَدَعَةٌ وَوَدَعَةٌ كِه بَه حَرَكَتِ وَ سَكُونِ دَالِ هَرْدُو اَمْدَه وَ جَمْعَشِ وَدَعَاتِ اسْتِ: مَهْرَه هَايِ سَفِيْدِ رَنَگِي اسْتِ (صَدْفَهَا) كِه از بَحْرِ بِيْرُونِ مِي اَوْرَنْدِ كِه چَوْنَ خَسْتَهُ خَرْمَا شَكَاْفِ دَارِدِ وَ بَه غَرَضِ دَفْعِ زَخْمِ چِشْمِ وَ نَظَرِ بَدِ اَوِيخْتَه مِيشُود.

دَر فَرَهَنْگِ اِبْجَدِي عَرَبِي - فَارَسِي اَمْدَه اسْتِ كِه وَدَعَه عِبَارَتِ از صَدْفِ هَايِ كُوچَكِي اسْتِ كِه از دَرِيَا بِيْرُونِ رِيخْتَه مِيشُود بَشَكْلِ مَهْرَه يَآ خَر مَهْرَه اِي كِه دَر دَاخِلِ بَعْضِي اَز اَنِّ هَا حَشْرَه وَجُوْدِ دَارِد.⁶

1- الجامع لأحكام القرآن از امام قرطبي (۳۱۸/۱۰) تيسير العزيز الحميد از سليمان آل شيخ (ص: ۴۱۷)

2- القاموس المحيط (۳۴۴/۲) فيروز آبادي محمد بن يعقوب مؤسسة الرسالة، بيروت طبع: 1 سنة: 1406 هج

3- تاج العروس من جواهر القاموس المؤلف: محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني أبو الفيض، الملقب بمرتضى، الزبيدي /باب: ودع/ ج: 22 / ص: 294 تحقيق مجموعة قمن المحققين الناشر دار الهداية.

4- أبوطاهر مجدالدين محمد بن يعقوب بن ابراهيم الشيرازي الفيروز آبادي دركارزان درسال ۷۲۹ هج تولد شده كه يكي از بلاد فارس ميباشد، كشورهاي مختلف رفته بر طلب علم از بغداد تادمشق وحلب وحماة وبعليک، وقاهرة، ومكة، ومدینة بلاخره درسال ۸۱۷ هج وفات نموده است و آثار بزرگی از خود به جا گذاشته از آن جمله كتاب (القاموس المحط) ميباشد (ويکيپديا).

5- القاموس المحيط (2/ 334)، تالیف: محمد بن يعقوب فيروز آبادي، طبع: مؤسسة الرسالة، بيروت، ط 1 سنة 1406 هـ.

6- فرهنگ ابجدی عربی - فارسی (ص: ۲۵۷۷)

در حدیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « مَنْ عَلَّقَ وَدَعَةً فَلَا وَدَعَ اللَّهُ لَهُ »¹.
" هر که ودعه بآویزد الله سبحانه و تعالی او را حفاظت نکند، پس ودعه نیز همانند تمیمه میباشد"².

2- عزیمه:

نام دیگر رقیه عزیمه است که جمعش عزائم میشود، طوریکه در فرهنگ معین آمده است: عزایم که جمع عزیمه است بمعنای: 1- اراده ثابت و محکم. 2- افسون ها و دعاهایی که بر بیماران برای شفا یافتن می خوانند³.

3- زبان بندی: نوعی افسون که توسط آن زبان کسی را ببندند تا سخن نگوید و راه خلاف نیپماید⁴.

4- منتر که ریشه: سنسکریتی دارد بمعنای: 1- افسون، کلام مؤثر. 2- ذکر برای رام کردن و دفع گزند جانوران درنده⁵.

5- ورد: ذکر دعا جزء از اذکار که انسان هر روز و شب بخواند، و جمع آن اوراد میباشد.

6- حُرز: حرز در اصطلاح معوذین و افسونگران: ورد یا افسون یا دعای دفع چشم زخم که بر خود آویزند⁶.

7- سحر: سحر عبارت از تغییر دادن چیزی از اصل و حقیقت اش به غیراش زمانیکه ساحر باطل را ببیند در چهره حق و تخیل میکند او را به غیر حقیقت اش، و سحر هر آن کار ایکه سبب آن پوشیده باشد و تخیل میکند به غیر حقیقت او که در حقیقت با فریب به همراه میباشد، و سحر ظاهر نمودن باطل به صورت و شکل حق که بر قلب و بدن و عقل مسحور تاثیر مینماید که تاثیر سحر حقیقت دارد که بعضی حالات سبب مرگ و بعضی حالات سبب مریض شدن آن میشود.⁷

1- أخرجه أحمد (4 / 154) وفي إسناده جهالة. " تعجيل المنفعة ص 114 نشر دار الكتاب العربي.

2- تفسير القرطبي 10 / 320 المحقق: هشام سمير البخاري الناشر: دار عالم الكتب، الرياض، المملكة العربية السعودية، الطبعة: 1423 هـ / 2003 م
مصدر الكتاب: موقع مكتبة المدينة الرقمية. <http://www.raqamiya.org>

3- فرهنگ معین (3/ 356) (کتابخانه شامله)

4- فرهنگ معین (3/ 51) (کتابخانه شامله)

5- فرهنگ معین (5/ 31) (کتابخانه شامله)

6- فرهنگ ابجدی عربی-فارسی (ص: 875) (کتابخانه شامله)

7- المصباح (٢٤٧) ط المکتبة العلمیة - بیروت

در نتیجه تحلیل و بررسی الفاظ و کلمات ده گانه فوق این حقیقت واضح می‌گردد که برخی از آن کلمات چون: نشرة، عزیمة، ورد، و حرز همانند رقیه نوعی از دم و دعا است که در صورت داشتن معیارها و شروط شرعی جواز دارد، و در غیر آن صورت جواز ندارد.

نوع دوم کلمات چون: تمیمة و تولة مهره‌های اند که مردم آنها را سبب حفاظت از نظر بد و یا برخی از امراض دیگر میدانند که شرعا - طوریکه بعدا حکم مفصل آنها خواهد آمد - جواز ندارد، و گاهی به شرک می‌انجامد، و یا آنها نوعی از سحر و جادو اند که حرام می‌باشد و گاهی به شرک و کفر هم می‌انجامد. پس در کل تمام الفاظ و کلمات فوق الفاظ و جملات مخصوص و یا اشیای مخصوصی اند که به غرض حصول شفا از برخی امراض و یا دور نمودن ترس و خطر از آن‌ها استفاده و کارگیری می‌کردند.

مبحث سوم: اهمیت شناخت تعویذ و رقیه مشروع و غیرمشروع

رقیه (تعویذ شرعی) دارای مفهومی گسترده است. برای نفع بردن از تعویذ شرعی افراد متفاوتند و هر یک به نوعی از آن فیض می‌برند. به عنوان مثال برخی تنها به سوره‌ای کوتاه چون (الفاتحه یا سوره‌ی حمد) اکتفا می‌کنند، و عده‌ای دیگر سوره‌ای طولانی چون (بقره) را انتخاب می‌کنند، البته عده‌ای نیز به جمع بین سوره قرآن پرداخته از چند سوره‌ی مختلف چون (حمد و معوذتین (فلق و ناس) هماهنگ با هم فیض می‌برند. برخی نیز با انتخاب یک آیه از قرآن چون (آیه الکرسی) برای حصول مقصد خویش از تعویذ شرعی بهره‌مند می‌شوند. ناگفته نماند گروهی (تنها به خواندن آیات یا ادعیه اکتفا نکرده بلکه) معتقدند باید آیه یا دعای ماثور بر آبی خوانده شده و سپس به مریض خورانیده شود و یا بر روغنی خوانده شده و سپس بدن مریض را بدان آغشته سازند و یا بر غسل آن را خوانده و سپس مریض را وادار کنند که آن را بخورد. بی‌تردید تمامی اقسام تعویذ شرعی که در بالا ذکر کردیم از منظر شرع مقدس مباح است که متناسب با حال مریضی که قصد دارد از تعویذ شرعی منتفع گردد باید بدان پرداخته شود تا به نتیجه برسد. البته دلیل امروزه که برخی مردم تعویذ شرعی را از یاد برده‌اند و کار به جایی رسیده که بسیاری این امر را خرافه¹ و بی‌اساس می‌دانند. اما شکی نیست که بر هر مسلمان و مومن واقعی مسلم

1- گویند (خرافه) نام مردی جن زده بوده که هر آنچه را می‌دیده نقل می‌کرده و به مرور زمان مردم (به او بدبین شده و هرآنچه می‌گفته را تکذیب

می‌کرده‌اند. بعدها (خرافه) بر حدیث و سخن دروغ اطلاق شده است. (مختار الصحاح، رازی (خرف)

است که تعویذ شرعی از اهمیت فراوانی در اسلام برخوردار است که بوسیله‌ی آن انسان می‌تواند از تمامی امراض جسمی و روحی (به حول و قوه‌ی الهی) رهایی یابد و از منفعت افزون آن برخوردار گردد. بنابراین بخاطر تبیین و توضیح بیشتر موضوع متذکره را تحت دو مطلب مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

مطلب اول: اهمیت شناخت تعویذ ورقیه مشروع

اهمیت تعویذ و ورقیه مشروع در نکات آتی واضح می‌شود:

- ۱- علم داشتن به علاج قرآن مطابق به شریعت ضرورت هر مرد و زن مسلمان است شناخت و آموختن آن یک حاجت بشری است.
- ۲- ورقیه و دم شرعی وسیله ایست بر دفع بلا قبل از وقوع آن و همچنان وسیله برای حفاظت انسان مسلمان از تسلط شیطان می‌باشد، قسمیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم معوذتین را میخواندند و بر کف دستان خود چف می‌کردند و بعداً با دستان خود بر روی و سر خود و همه جسم مبارک شان تاجیکه می‌توانستند مسح می‌کردند.
- ۳- ورقیه شرعی همت را قوی می‌سازد و یقین را در مورد الله و رسولش مستحکم تر می‌سازد.
- ۴- ورقیه شرعی دارای اهمیت خاص، و ویژه ای است که سبب نجات، حفاظت، شفاء و علاج هزاران غم دیده، و درد مند گردیده است.
- ۵- با آمدن دین اسلام دم و افسون های شرکی که در زمان جاهلیت رائج بود و آنرا به یکدیگر تعلیم می دادند و از یک نسل به نسل دیگر نقل گردیده بود که جز روند شیطانی چیزی دیگری نبود ممنوع قرار داده شده بود، و به عوض آن ورقیه شرعی شفاء و رحمت جاگزین شد که خالی از شرک بود.
- ۶- شناخت ورقیه و دم مشروع سبب می‌شود که مسلمان فرق بین ورقیه مشروع و ورقیه ممنوع شرکی و بدعی نمایند که فعلاً هر دو دو مختلط شده اند.¹
- ۷- شناخت موضوع ورقیه مشروع که همانا آیات قرآن و مآثورات نبوی است.
- ۸- دانستن اینکه علاج و تدایوی با قرآن چیز جدید نیست بلکه علمی است که گرفته شده از کتاب (قرآن) و سنت می‌باشد و از زمانه صحابه کرام رضی الله عنهم تا زمان امروزی ما به ما نقل شده است.
- ۹- علاج و تدایوی با قرآن دارای فضائل زیادی بوده و از اعمال صالحه به شمار می‌رود.

1- شرح کتاب ثلاثة الأصول لشيخ الإسلام الإمام المجدد محمد بن عبد الوهاب المشرفي التميمي/باب: الرقى وأحكامها/ج:7/ص: 28

۱۰- قرآن علاج و شفاء برای همه امراض جسمی و روحی بوده، و این علاج توسط قرائت قرآن کریم بالای مریض نظر به آنچه که از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت می باشد و قسمیکه الله سبحانه و تعالی میفرماید: {قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ} ^۱ ترجمه: بگو قرآن برای مؤمنان مایه رهنمائی و بهبودی است .
{وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ} ^۲ ترجمه: ما آیاتی از قرآن را فرو میفرستیم که مایه بهبودی (دلها) از بیماری های نادانی و گمراهی، و پاکسازی درون ها از کثافات هوی و هوس و تنگ چشمی آزمندی و تباهی) و رحمت بر مؤمنان (به سبب دربر داشتن ایمان و رهنمود های پر خیر و برکت الهی) است.

۱۱- معالجه از طریق رقیه شرعی به معنای ترک تداوی از معالجه با دارو های طبی و مادی نیست، و اکتفا کردن به قرائت آیات قرآن کریم از جمله هدایات دینی بوده و نه از جمله فقاهت درسین کونی الله متعال، و لکن بهتر آنست که بین هردو طریقه جمع صورت گیرد و از هردو جریان نفع برداری شود. زیرا که معارضه و مخالفت بین این هردو وجود ندارد بخاطریکه هردوی آن مشروع و مامور میباشد، پس هرگز باورمند به این نباشیم که دوا به خودی خود مؤثر است در صورتیکه الله نخواسته باشد هیچ دوائی مؤثر بر شفای امراض بوده نمیتواند.

۱۲- مریض باید با دم کننده در علاج و تداوی اش همکاری نماید در علاج و تداوی اش و هردو باید معتقد و باورمند باشند که شفا دهنده فقط الله است و شفا از جانب الله متعال بوده باشد و راقی یا دم کننده از جمله اسباب می باشد ^۳.

۱۳- رقیه شرعی باب ای از ابواب خیر، و برکت، و رحمت الهی میباشد و زمانیکه رقیه شرعی اطلاق میشود مراد آن علاج و تداوی با قرآن کریم و دعاهای مسنونه است که باید به آن توجه جدی صورت گیرد، و درخور استفاده اعظمی قرار داده شود اما متأسفانه بسیاری از مسلمانان در زمینه غفلت میورزند، بلکه حتی از آماده به کار گیری آن نیستند.

۱۴- رقیه شرعی صرف شامل استعانت و استعاذه از الله متعال بوده، و مفید برین است که الله متعال خودش مرض و بلاها را دفع مینماید .

چنانچه که الله متعال به پیامبر فرمود: {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲) وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳) وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴) وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)} ^۴
ترجمه: ۱- بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم.

۱- سوره فصلت آیت: ۴۴ .

۲- سوره اسراء آیت: ۸۲

۳- الرقی وأحكامها / مؤلف: صالح بن عبد العزيز آل الشيخ / ص ۱-۱۰

۴- سوره فلق

۲- از شر هر آنچه الله آفریده است.

۳- و از شر شب بدانگاه که کاملاً فرا می‌رسد (و جهان را به زیر تاریکی خود می‌گیرد).

۴- و از شر کسانی که در گره‌ها می‌دهند (و با نیرنگ سازی و حقه بازی خود، اراده‌ها، ایمان‌ها، عقیده‌ها، محبت‌ها، و پیوندها را سست می‌نمایند و فساد و تباهی می‌کنند).

۵- و از شر حسود بدانگاه که حسد می‌ورزد، و در حدیث صحیح از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که جبرئیل علیه السلام آمد و پیامبر صلی الله علیه وسلم را دم نمود و فرمود: (بسم الله بیریک و من کل داء یشفیک) ^۱ ترجمه: با نام و یاد الله از او می‌خواهم که تو را (از آنچه بدان مبتلایی) رهایی بخشد و از هر درد و بلائی شفا دهد.

و همین قول من کل داء یشفیک تمام انواع را رقیه را شامل است که شامل همه امراض جسمی و عضوی میشود که علاج همه امراض رامیتوان در رقیه شرعی دریافت.

ابن قیم رحمه الله میفرماید: "فالقرآن هو الشفاء التام من جميع الأدواء القلبية والبدنية، وأدواء الدنيا والآخرة، وما كلُّ أحدٍ يُؤهَّل ولا يُوفَّق للاستشفاء به، وإذا أحسن العلیل التداوی به، ووضعَه علی دائه بصدقٍ وإیمان، وقبولٍ تام، واعتقادٍ جازم، واستيفاءٍ شروطه، لم يُقاومهُ الداءُ أبداً وكيف تُقاومُ الأدواءُ كلامَ ربِّ الأرض والسماة الذي لو نزل علی الجبال، لصدَّعَها، أو علی الأرض، لقطعها،"^۲

ترجمه: قرآن شفاء کامل برای همه ای امراض قلبی و جسمی و امراض دنیوی و اخروی میباشد، و هرکس اهلیت و لیاقت شفا جوئی را به دین وسیله ندارد، و زمانیکه شخص مریض بصورت درست بخاطر علاج از آن کار گیرد، قسمیکه به صدق و یقین و قبول کامل و باور جازم با استیفاء و تکمیل شروط آن در برابر مرض خود از آن استفاده نماید، در این صورت هیچگاه مرض در مقابل آن پایداری نمیتواند، و چگونه در مقابل کلام پروردگار زمین و آسمان پایداری نماید، پروردگاری که اگر قرآن را به کوه ها نازل میکرد کوه هارا پارچه پارچه میکرد، و اگر بر زمین فرود میآورد آنرا پارچه میساخت.

۱۵- با علاج و درمان توسط رقیه شرعی بعضی اوقات شفاء به تاخیر میافتد باگذشت مدت زمانی تاثیر آن ظاهر میشود که این خود امتحانی از امتحانات الهی میباشد که آیا شخص به ایمان خود ثبات و استقامت دارد یا خیر؟ و یا اینکه رو به اشخاص ساحر و مبتدع و خرافی میآورد که این عمل سبب زیادت مرض شده،

^۱ - صحیح مسلم/باب: الطب والمرض والرقی شیخ آلبنی آنرا صحیح دانسته اج: 7/ص: 13 المؤلف: أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیسابوری الناشر: دار الجیل بیروت + دار الأفاق الجدیدة - بیروت عدد الأجزاء: ثمانية أجزاء فی أربع مجلدات.

^۲ - زاد المعاد فی هدی خیر العباد المؤلف: محمد بن أبی بکر بن أبوب بن سعد شمس الدین ابن قیم الجوزیة (المتوفی: 751هـ) اج: 4/ص: 1352

قسمیکه الله سبحانه و تعالی میفرماید: { وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا }¹
ترجمه: وکسانیکه از انسان ها به کسانی از پریها پناه میآوردند، و بدین وسیله برگمراهی و سرکشی ایشان میافزودند.²

بناء بنده باید صبر پیشه نماید زمانیکه درچنین امتحانات الهی واقع میشود زیرا درمقابل هردرد ایکه متحمل میشود با صبرنمودن و علاج نمودن از طریق رقیه شرعی الله متعال برحسانتش میافزاید و برصبرش اجر مرتب میشود، همچنان باید مکررا به دعاء و تضرع و نیاز پردازد قسمیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم زمانیکه مسحور شده بود به الله پناه برد و استعانت جست تا اینکه مورد لطف و شفای پروردگار قرار گرفت، و اینجاست که الله متعال میفرماید: { وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ }³

ترجمه: و گفت پروردگار تان مرا بخوانید اجابت مینمایم دعای شمارا.⁴
با اینکه اگرچه رقیه مشروع دارای اهمیت زیاد میباشد و ما برچند نکته مهم آن به شکل مختصر دراین مبحث اشاره نمودیم از الله متعال خواهانیم که شفاء روحی و بدنی نصیب همهء مان نماید.

مطلب دوم: اهمیت شناخت رقیه غیر مشروع

دین اسلام یگانه دین کاملی است که الله سبحانه و تعالی بر بربنده گان نازل نموده، که با آمدن این دین بت پرستی و انواع تعلقات به مخلوقات و تمام خرافات و بدعات از جامعه ی آن روز دور و مردم را به بهترین امور و نافع ترین آنها، بر اموری که که درآن ارتقاء و تکامل عقول، و پاکی نفوس، و صلاح احوال دنیوی و اخروی انسان ها میباشد تشویق نمود، و از جمله خرافات و بدعاتی که درآن زمان رایج بود رقیه شرکی و غیر مشروع بود که با دین قویم و عقل سلیم انسان در تضاد واقع بود که متأسفانه امروز هم مردم راه درست و طریق درست رقیه شرعی را فراموش نموده و روبه این خرافات و بدعت ها و رقیه های شرکی و ممنوعه آورده اند، که روی اهمیت شناخت آن در نکات ذیل بحث صورت گرفته است:

۱- رقیه غیر مشروع استغاثه و استعانت به شیطان بوده که این خود شرک است، تعلقات باطله ای است که در عربی بنام "الحرز والتمائم" نامیده میشود، که به فارسی بنام تعویذ و تومار گفته میشود.⁵

¹ - سوره جن آیت: 6

² - الرقی وأحكامها/ مؤلف: صالح بن عبد العزيز آل الشيخ/ ص: (1-15)

³ - سوره غافر آیت: ۶۰

⁴ - العواصم من الشيطان و صحيح الرقية الشرعية للشيخ مصطفى العدوي/ ص: ۱۳

⁵ - الرقی وأحكامها/ مؤلف: صالح بن عبد العزيز آل الشيخ/ ص: ۱۴

۳- و مردم با وجود مبارزه اسلام با آن خرافات و بیان شر آن ها و بزرگی مفسد آن، متعلق به آن چیزها بوده اند. ۳- و رقیه غیر مشروع عبارت از خرافه های است که اسلام به نکوهش و مبارزه آن با بیان فساد و عواقب آن که هیچ خیر ای در آن نیست و ضرری است که هیچ نفع در آن نیست پرداخته است، و احادیث زیادی است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم به نکوهش چنین خرافات و خرافه های متعلق به تعویذ و تومار به هرصفتی که باشد به هر شکل و نوعی که باشد وارد است، قسمیکه مسند احمد از عمران بن حصین روایت میکند که فرمودند: "أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبْصَرَ عَلَى عَضُدِ رَجُلٍ حَلَقَةً أَرَاهُ قَالَ مِنْ صُفْرِ فَقَالَ وَيْحَكَ مَا هَذِهِ قَالَ مِنَ الْوَاهِنَةِ قَالَ أَمَا إِنَّهَا لَا تَزِيدُكَ إِلَّا وَهْنًا انْبِذْهَا عَنْكَ فَإِنَّكَ لَوْ مِتَّ وَهِيَ عَلَيْكَ مَا أَفْلَحْتَ أَبَدًا"¹

پیامبر صلی الله علیه وسلم در بازوی یک مرد یک حلقه ای را دید گفت: وای بر تو این چیست؟ گفت: حلقه مسی، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: که این حلقه و یا تار برایت جز سستی چیزی را اضافه نمیکند از خود دورش کن اگر بمیری در حالیکه این به بازویت باشد هیچگاهی کامیاب نمیشوی.

پس ازین انکار واضح معلوم میشود کسیکه تعویذ و تومار و یا تار و یا مهره ای را بر خود میآویزد پیامبر صلی الله علیه وسلم در موردش فرموده که در حقیقت به نفس خود دو خساره را جمع نموده خساره دنیا و خساره آخرت و خساره دنیا: "أَمَا إِنَّهَا لَا تَزِيدُكَ إِلَّا وَهْنًا" برایت نفع نمیرساند بلکه ضرر میرساند، اما خساره آخرت که است در این قول "فَإِنَّكَ لَوْ مِتَّ وَهِيَ عَلَيْكَ مَا أَفْلَحْتَ أَبَدًا" اگر تو وفات کردی در حالیکه این چیز بر تو آویخته شده است هرگز کامیاب نمیشوی. امثال این حدیث، احادیث بسیار زیادی وجود دارد که دلالت به منع و حرمت این خرافات مینماید.

۳- پس بالای هر مسلمان واجب است که اولاً این مسایل را دانسته، بخاطر حفاظت و صیانت عقیده توحید از هرکاری که سبب ایجاد خلل و نقص و یافساد عقیده توحید میگردد دوری نماید و فقط صرف قلبها با الله متعال متعلق باشد و براو توکل و اعتماد نماید، و جزء به الله توانا به کس دیگری پناه نبرد، قسمیکه این مطلب از سنت و روش پیامبر صلی الله علیه وسلم دانسته میشود، ایشان زمانیکه مریض را دم مینماید با دست راست روی مریض را مسح نموده این دعاء را میخواند: "اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ أَذْهَبِ الْبَاسَ وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا"²

1- مسند الإمام أحمد بن حنبل المؤلف: أحمد بن حنبل/ج:4/ص:445 / تعليق شعيب الأرنؤوط: إسناده ضعيف الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة مصدر الكتاب: موقع الإسلام.

2- الجامع الصحيح المختصر المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي/ج:5/ص:21/68 الناشر: دار ابن كثير.

ترجمه: الهی ای ای پروردگار مردمان! مشقت را دورساز و شفا بخش، و شفاء ایکه بیماری را باقی نگذارد، و تو شفا، دهنده ای، که شفا و بهبودی جزء از جانب تو وجود ندارد.

۴- هر آنچیزی که مرتبط به خرافات و انواع آن است همه باطل بوده، الله سبحانه و تعالی نه تنها کدام دلیل ای برای تاکید آنها نازل نکرده است بلکه دلائل زیادی وجود دارد که الله و رسولش به نکوهش آنها پرداخته اند.

۵- آنچیزهاییکه بعضی از مردم آنها را میآویزند به اعتقاد اینکه جلب منفعت و دفع ضرر مینمایند یا که دفع چشم زده گی مینماید، و امثال این اعتقادات که الله سبحانه و تعالی کدام دلیل ی برحقانیت آنها نازل نکرده است و یا آنچیزهاییکه مشاهده میشود در بعضی از موترها خاصا در موترهای باربری بزرگ پارچه ی از تکه سیاه را درپیش یا پشت موتر خود میآویزند به این گمان که سبب درامان ماندن ایشان از چشم زده گی و سالم ماندن موتر از حوادث میشود و امثال این اعتقادات که همه ی آن باطل بوده، و باورهای کاذبانه میباشد که منشأ همه آنها جهل و نادانی از دین الله میباشد.

۶- عدم بینش درست و بصیرت کامل ایشان به کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم که مصدر و سبب اصلی هدایت اند پس چرا ایشان تدبر نمی کنند؟ کجاست عقل این مردم؟ چی کرده میتواند؟ این پارچه ها و مهره ها چی را دفع کرده میتواند از موتر و صاحب موتر لازم است که همه ی مسلمانان از این خرافات دوری و چنین اعمال را که مخالفت آشکار بآیین الله است انجام ندهند اگرچه امروز این خرافات لباس جدیدی پوشانیده شده است، و ساده گی قدیم را از دست داده است، اما بدون شک این روند خرافاتی است که اصل و اساس شرعی ندارد، و قصه های واهی بیش نیستند .

۷- در این عصر و زمان که انکشافات در علوم دنیوی چون طب و امثال آن به اوج خود رسیده است، و رقیه های غیر مشروع هم شکل و آرایش جدیدی را به خود گرفته است، قسمی که بعضی از مردم را می بینیم که بخاطر ترویج این خرافه و عمل غیر مشروع مدعی استدلال به نظریات داکتران و متخصصین معاصر میشوند، و می خواهند با ادعای کاذبانه خویش رونق این بازار را با لباس جدیدی حفظ نمایند، اما خرافات را با هر مدل و رنگ ای که از آن تعبیر شود، البته غیر مشروع بوده با هدیای اسلام و عقل سلیم در تضاد میباشد، و شریعت اسلامی آنرا مردود می شمارد.

پس بر مسلمانان واجب است که از چنین اعمال خرافی دوری ورزند، و در اجتناب از آن جدی باشند، و در مقابل به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم تمسک نموده اند رقیه شرعی استفاده نمایند، قسمیکه در این مورد

صحبت نمونه صورت گرفت، و در آینده نیز ان شاء الله به شکل تفصیلی به بیان آن پرداخته میشود تا با استفاده از آن زمینه سعادت مندی در دنیا و آخرت برای مان مهیا گردد¹.

¹- خرافة التمانم والخرز / اعداد: عبدالرزاق بن عبد المحسن البدر. / دارالمحجة.

فصل دوم : تعویذ ورقیه های مشروع انواع واحکام آن

این فصل مشتمل بر چهار مبحث است که عبارت اند از:

مبحث اول: تعویذ ورقیه های مشروع

مبحث دوم : انواع تعویذ ورقیه های مشروع

مبحث سوم: احکام و آداب تعویذ ورقیه های مشروع

مبحث چهارم: آثار و فواید، و شروط تعویذ ورقیه های مشروع

فصل دوم

تعویذ ورقیه های مشروع انواع واحکام آن

تعویذ (رقیه) یکی از مسائل مطرح در جوامع اسلامی است که هرچند برخی از قبول آن خودداری کرده‌اند اما بسیاری بدان معتقد بوده، و عملاً از آن بهره برده‌اند. البته شاید علت کمرنگ بودن این موضوع مهم (تعویذ شرعی) در جامعه افراط و تفریط‌های برخی رقیه کننده گان و یا سوء استفاده‌های برخی منحرفان از جمله جادوگران و فالگیران می باشد. به هر تقدیر تعویذ شرعی که در چارچوب قرآن و سنت صورت می گیرد اشکالی بر آن مترتب نبوده و مورد قبول سلف صالح نیز بوده است، که در این فصل تعویذ ورقیه های مشروع را با انواع و احکام آن در چهار مبحث که تحت هر مبحث مطالبی می باشد مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

مبحث اول: تعویذ ورقیه های مشروع

در این مبحث دلیل مشروعیت تعویذ ورقیه های مشروع طی چهار مطلب بیان می گردد.

مطلب اول: دلیل مشروعیت تعویذ ورقیه مشروع از قرآن

۱- رقیه یا دم انداختن توسط آیات قرآن و اسما و صفات الله متعال و استعاذه یعنی طلب پناه فقط از الله سبحانه و تعالی ناجایز و شرک نیست بلکه مشروع، جایز و مستحب می باشد.

۲- آیات زیادی در قرآن وجود دارد که در آن تعوذ، و پناه بردن را خاص به الله یکتا و یگانه را برای ما تعلیم می دهند از جمله آیات قرآنی که در این مورد حکم میکند، معوذتین (سوره فلق، سوره ناس) است. (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ) ^۱

ترجمه:

۱- بگو: الله، یگانه ی یکتا است.

۲- الله، سید والای برآورنده ی امیدها و برطرف کننده ی نیازمندی ها است.

۳- نزاده است و زاده نشده است.

^۱ - سوره إخلاص آیت: ۱-۴

۴- و کسی همتا و همگون او نمی باشد.

(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲) وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳) وَمِنْ شَرِّ النَّفَّثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴) وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵))^۱

ترجمه:

۱- بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم.

۲- از شر هر آنچه الله آفریده است.

۳- و از شر شب بدانگاه که کاملاً فرا می رسد (و جهان را به زیر تاریکی خود می گیرد).

۴- و از شر کسانی که در گره ها می دهند (و با نیرنگ سازی و حقه بازی خود، اراده ها، ایمان ها، عقیده ها،

محبت ها، و پیوندها را سست می نمایند و فساد و تباهی می کنند).

۵- و از شر حسود بدانگاه که حسد می ورزد.

(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱) مَلِكِ النَّاسِ (۲) إِلَهِ النَّاسِ (۳) مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي

صُدُورِ النَّاسِ (۵) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶))^۲

ترجمه:

۱- بگو: پناه می برم به پروردگار مردمان.

۲- به مالک و حاکم (واقعی) مردمان.

۳- به معبود (به حق) مردمان.

۴- از شر وسوسه گری که واپس می رود (اگر برای چیره شدن بر او، از الله کمک بخواهی و خویشان را در

پناهش داری).

۵- وسوسه گری است که در سینه های مردمان به وسوسه می پردازد (و ایشان را به سوی زشتی و گناه و ترک

خوبی ها و واجبات می خواند).

۶- (در سینه های مردمانی) از جنی ها و انسان ها.

^۱- سوره الفلق آیت: ۱-۵

^۲- سوره الناس آیت: ۱-۶

که به اساس آن مسلمانان مامور اند تا بخاطر دفع شدايد و نوائب به الله متعال پناه ببرند و از او صحت بخواهند و همچنان اين قول پروردگار که مي‌فرمايد: {وَقُلْ رَبِّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ} ¹ ترجمه: و بگو ای پروردگارا خويشتن را از وسوسه های شيطان در پناه تو می دارم .

۳- ابن حجر عسقلانی مي‌فرمايد: که علماء همه متفق به جواز رقيه شرعی هستند در صورتیکه سه شرط در آن جمع شود، اينکه رقيه شرعی به کلام الله و اسما و صفات او باشد و به زبان عربی باشد و اينکه خود دم کننده معتقد به اين باشد که دم اش موثر نيست مگر اينکه خواست الله نباشد. پس شرط اولش که توسط آیات قرآن باشد اين خود دليلی است بر مشروعيت رقيه شرعی مستفاد از آیات قرآن کریم. ²

۴- آیات زيادی است که اين مسأله تأييد ميکند که قرآن شفا است و علاج و شفا فقط بدست الله متعال ميباشد طوريکه مي‌فرمايد: {وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ} ³ ترجمه: هنگامیکه بیمار شوم اوست که مرا شفاء ميدهد.

الله سبحانه تعالی مي‌فرمايد: {يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ} ⁴ ترجمه: ای مردمان از سوی پروردگار تان برای شما اندرزی (جهت رهنمود) زنده گی و درماني برای چیزهای که در سينه هاست (همچون کفر و نفاق، کينه و ستم و دشمنی با حق و حقيقت آمده است) (که قرآن نام دارد و هدايت و رحمت است برای مومنان .

عبد الرحمن سعدي در تفسير اين آيت مي‌فرمايد: که مراد از {وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ} قرآن کریم است که شفاء است بر انسان در مقابل امراض شهوانی، و شک و شبهه، امثال آن بوده زیرا زمانیکه بنده قلب اش اصلاح شد همه جسد اش اصلاح ميشود .

چنانکه الله متعال در سوره فصلت مي‌فرمايد: { قُلْ هُوَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا هُدًى وَّ شِفَاءٌ } ⁵

¹ - سوره المؤمنون آيت: ۹۷

² - فتح الباري شرح صحيح البخاري المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي/ج: 10/ص: 195/

³ - سوره الشعراء آيت: ۸۰

⁴ - سوره يونس آيت : ۵۷

⁵ - سوره فصلت آيت: ۴۴

ترجمه: بگو قرآن برای مومنان مایه راهنمایی و بهبودی است .

شیخ عبدالرحمن سعدي آیت را چنین تفسیر میکند که مراد از هدایت یعنی هدایت شان مینماید بسوی صراط مستقیم، و تعلیم دادن آنان علوم نافعہ ای را که به واسطه آن انسان مسلمان به هدایت کامل دست میابد، و اینکه قرآن شفاء است برای همه امراض بدنی و قلبی میباشد.¹

۵- اگر انسان اعتقاد به این داشته باشد که غیر الله بر ما نفع و ضرر میرساند پس هرگز آنچه که از قرآن بالایش خوانده میشود نفع نمیرساند ، پس مسلمان باید اعتقاد و یقین جازم به این داشته باشد که فقط و فقط شفا بدست الله است و شفا دهنده ای اصلی الله متعال است، و اینکه قرآن کلام الله متعال و شفا برای مؤمنان میباشد قسمیکه الله سبحانه و تعالی میفرماید: { وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا }²

ترجمه: ما آیات ای از قرآن را فرو می فرستیم که مایه بهبودی دلها (از بیماری های نادانی، و گمراهی و پاکسازی درونها از کثافت هوی و هوس و تنگ چشمی، و آزمندی و تباهی) و رحمت مؤمنان است ولی برستمگاران جز زیان نمی افزاید.

۶- امام بخاری رحمه الله در کتاب خود يك بابي رابنم (باب الرقی بالقرآن والمعوذات) نامگذاری کرده است که در آن حدیث است از عائشة رضي الله عنها که میفرماید: " أن النبي صلى الله عليه و سلم كان ينفث على نفسه في المرض الذي مات فيه بالمعوذات فلما ثقل كنت أنفث عليه بهن وأمسح بيد نفسه لبركتها، فسألت الزهري كيف ينفث؟ قال كان ينفث على يديه ثم يمسح بهما وجهه"³

ترجمه: از عائشة رضي الله عنها روایت است که رسول الله صلى الله عليه وسلم خودش را با خواندن معوذات دم میکرد در مرض ایکه به آن وفات شد، زمانیکه مریضی ایشان شدت گرفت من برایشان دم میکردم و بادست خودت او را مسح میکردم بخاطر برکت این سوره ها، از زهري⁴ سوال شد که چگونه دم میکرد؟ گفت : که به دست های خود چف یا دم میکرد بعدا آنرا بر روی خود مسح مینمود .

1- تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان المؤلف: عبد الرحمن بن ناصر بن السعدي/ ج: 1/ ص: 571 و 366 الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى 1420 هـ - 2000 م

2- سورة الإسراء آيت: 82

3 - صحيح البخاري/ ج: 5/ ص: 1270

4 - محمد بن مسلم بن عبيدالله بن عبدالله بن شهاب بن عبد الله بن الحارث بن زهرة بن كلاب بن مرة بن كعب بن لؤي بن غالب امام علم حافظ زمان خود که در تولدش اختلاف است بعضی علماء میگویند که در سال 50 هجری تولد شده و بعضی علماء دیگر میگویند در سال 51 هجری و علماء میگویند: اولین کسیکه علم را تدوین و نوشت ابن شهاب زهري بود. (سير اعلام النبلاء/ ص: 327/ ج: 5)

ويك باب ديگری را هم امام بخاری رحمه الله بنام (باب الرقی بفاتحة الكتاب) نامگذاری نموده است. از ابي سعيد الخدري -رضي الله عنه - روایت است که فرمودند: (أن ناسا من أصحاب النبي صلى الله عليه و سلم أتوا على حي من أحياء العرب فلم يقرههم فبينما هم كذلك إذ لدغ سيد أولئك فقالوا هل معكم من دواء أو راق؟ فقالوا إنكم لم تقرونا ولا نفعل حتى تجعلوا لنا جعلا فجعلوا لهم قطيعا من الشاة فجعل يقرأ بأمر القرآن ويجمع بزاقه ويتفل فبرأ فأتوا بالشاة فقالوا لا نأخذ حتى نسأل النبي صلى الله عليه و سلم فسألوه فضحك وقال (وما أدراك أنها رقية خذوها واضربوا لي بسهم)¹

ترجمه: مردمی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم در یک قریه ی از قریه های عرب آمدند مردم آن قریه آنها را اکرام و مهمانی ندادن که در همین وقت گژدم ملک قوم را گزید و آنها نزد یاران پیامبر آمدند و گفتند آیا همراه باشما دوا یا دم کننده ای است؟ آنها در جواب گفتند: شما ما را مهمانی ندادید و ما هم کاری نمیکنیم تا زمانی که بر ما چیزی آماده نکنید سپس آنها یک رمه ای از گوسفند را آوردند ولی آنها امتناع ورزیدند از گرفتن آن الی یک گوسفندی را پس یکی آنها آغاز کرد به خواندن ام القرآن (سوره فاتحه) و آب دهن خود را در همانجا مالیده و دم کرد و آن شخص شفا یافت، بعدا آمدند، و این مسأله را نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم یاد آوری کردند و ایشان فرمودند: از کجا دانستی که سوره فاتحه چنین تاثیری دارد؟ و افزود کار خوبی کرده اید آنها را بین خود تقسیم کنید در حالیکه میخندید فرمودند سهم مرا نیز بگذارید .

۷- قرآن شفاء کامل برای همه ي امراض میباشد چنانکه علامه ابن قیم جوزی² رحمه الله میگوید: " فالقرآن هو الشفاء التام من جميع الأدوية القلبية والبدنية وأدواء الدنيا والآخرة وما كل أحد يُؤهل ولا يُوفق للاستشفاء به وإذا أحسن العليل التداوي به ووضعه على دائه بصدق وإيمان وقبول تام واعتقاد جازم واستيفاء شروطه لم يقاومه الداء أبداً ، وكيف تقاوم الأدوية كلام رب الأرض والسما الذي لو نزل على الجبال لصدعها أو على الأرض لقطعها فما من مرض من أمراض القلوب والأبدان إلا وفي القرآن سبيل الدلالة على دوائه وسببه والحمية منه لمن رزقه فهماً في كتابه"³

¹ - صحيح البخارى المؤلف : محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي/ج:5/ص:2165

² - نام وي شمس الدين محمد بن ابوبكر بن ايوب بن سعد بن حريز دمشقى است که ابه ابن قيم جوزى شهرت يافته است تولد ووفات وى در دمشق بوده دارى اخلاق نيك بود که همه مردم وى را دوست داشتند وعلت مشهور شدن اش به ابن جوزى هم بخاطريکه صاحب مدرسه جوزيه بود درکودكى علم ميراث را از پدرش آموخت و نزد اساتيد زيادى علم آموخته است از جمله : شيخ الاسلام ابن تيميه رحمه الله، شهاب نابلسى، عماد الدلين شيرازى وكتب زيادى را تاليف کرده است از جمله زاد المعاد، سيد الفوائد، الطرق الحكمية في السياسة الشرعية... (الأعلام للزركلي /ج: ١٦/ص: ٥٦)

³ - زاد المعاد/المؤلف : محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (352 / 4)

یعنی قرآن شفا کامل است برای همه ی امراض قلبی، و بدنی، و امراض دنیوی و اخروی، و هر شخصی اهلیت شفاء جویی را ندارد و مناسب برای بدست آوردن شفاء از قرآن نمیباشد اما زمانیکه مریض در مقابل کلام پروردگار و مالک و خالق آسمانها و زمین که اگر این کلام بالای کوه ها نازل میشد پارچه پارچه میشدند و اگر بر زمین نازل میشد قطعه قطعه میشد، پس هیچ مرضی از امراض قلب ها و بدن ها نیست مگر اینکه در قرآن راه و رهنمائی برای معالجه و فهم سبب وقایع از آن وجود دارد البته برای کسیکه که الله سبحانه و تعالی قدرت فهم و برداشت بخشیده است .

مطلب دوم: دلیل و مشروعیت تعویذ و رقیه مشروع در حدیث

در مورد مشروعیت دم و رقیه توسط آیات قرآنی و اذکار و ادعیه صورت گیرد دلایل متعددی از سنت مطهر پیامبر صلی الله علیه و سلم احادیث قولی، و فعلی در کتب احادیث وجود دارد، که پیامبر صلی الله علیه و سلم بنخاطر تداوی از این طریق با در نظر داشت بعضی از شروط نه تنها جائز قرار داده اند، بلکه همواره به وسیله معوذات قرآنی ای که در بالا ذکر شد، و برخی دعاهای دیگر خود را دم کرده است، و به اتکا و اعتماد به همان احادیث قولی و فعلی تمام علمای شریعت اسلامی نیز بر جواز آن البته با رعایت شروط لازم آن اتفاق نموده اند که چند نمونه ای از آن احادیث را در اینجا ذکر مینماییم .

الف: دلیل عمده مشروعیت دم و دعا بشکل عام حدیث عوف بن مالک رضی الله عنه است که گفته است: «كُنَّا نَزُقِي فِي الْجَاهِلِيَّةِ قُلُقُنًا: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ تَرَى فِي ذَلِكَ؟ فَقَالَ: «اعْرِضُوا عَلَيَّ رُقَاكُمْ لَا بَأْسَ بِالرُّقَى مَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ شِرْكٌ»¹.

ترجمه: ما در جاهلیت دم میکردیم گفتیم یا رسول الله شما در مورد دم های ما چی نظر دارید؟ فرمودند: دعاهایی که توسط آن بیماران را دم میکنید به من نشان بدهید، طلسم و دعا ها تا زمانیکه همراه با اعمال و کلمات شرکی نباشد اشکالی ندارد .

ب: دلیل دیگر جواز دم و دعای مشروع احادیث و روایات است که پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگام خواب یا مرض آن دعا هارا خوانده است، و با دستان مبارک شان قسمت های زیادی از بدن خویش را مسح مینمودند، لذا امام بخاری و مسلم در صحیحین احادیث متعلق به دم و تعویذ و موارد کاربرد آنها را تحت ابواب پانزده گانه ذیل

¹ - صحیح مسلم المؤلف: أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري/ج:7/ص:19/رقم الحديث: 5682

جایجا نموده اند که بر بعضی آنها در بالا نیز اشاره شد و تحت هر باب احادیث متعددی را با سند صحیح و متصل روایت نموده است و آن ابواب عبارت اند از :

۱- باب الرقی بالقرآن والمعوذات. عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَنْفُثُ عَلَى نَفْسِهِ فِي الْمَرَضِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ بِالْمُعَوِّذَاتِ فَلَمَّا ثَقُلَ كُنْتُ أَنْفُثُ عَلَيْهِ بِهِنَّ وَأَمْسَحُ بِيَدِ نَفْسِهِ لِيَرْكَبَهَا¹.
ترجمه: از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در بیماری که در اثر آن وفات کردند، خودش را توسط معوذات دم می کرد؛ اما زمانی که بیماری شان شدت یافت، من او را توسط معوذات دم می کردم و او را با دستان خودش مسح می کردم، به خاطر برکت آن.

۲- باب الرقی بفاتحة الكتاب. عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ نَاسًا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَوْا عَلَى حَيٍّ مِنْ أَحْيَاءِ الْعَرَبِ فَلَمْ يَقْرُوهُمْ فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ لُدَّ سَيْدٌ أُولَئِكَ فَقَالُوا هَلْ مَعَكُمْ مِنْ دَوَاءٍ أَوْ رَاقٍ فَقَالُوا إِنَّكُمْ لَمْ تَقْرُونَا وَلَا نَفْعَلُ حَتَّى تَجْعَلُوا لَنَا جُعَلًا فَجَعَلُوا لَهُمْ قَطِيعًا مِنَ الشَّاءِ فَجَعَلَ يَقْرَأُ بِأَمِّ الْقُرْآنِ وَيَجْمَعُ بُرَاقَهُ وَيَنْفِلُ فَبَرَأْنَا بِالشَّاءِ فَقَالُوا لَا نَأْخُذُكَ حَتَّى نَسْأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَأَلُوهُ فَضَحِكَ وَقَالَ وَمَا أَذْرَاكَ أَنَّهَا رُقِيَةٌ خُذُوهَا وَاضْرِبُوا لِي بِسَهْمٍ²

ترجمه: از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت است که چند نفر از اصحاب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - طی سفری، نزد طایفه ای از طوایف عرب، توقف کردند و درخواست پذیرایی، نمودند. اما مردم، از پذیرایی آنها، سر باز زدند. از قضا، عقربی، سردار طایفه آنها را نیش زد. آنها برای مداوای او، سعی و تلاش زیادی کردند، اما سودی نداشت. بعضی گفتند: نزد این کاروان، بروید. شاید در میان آنان، کسی باشد که علاجه بداند. آنان، نزد قافله آمدند و گفتند: عقربی، سردار طایفه ما را نیش زده است. و ما هرچه سعی کرده ایم، سودی نداشته است. آیا نزد شما راه علاجه وجود دارد؟ یکی از آنان، گفتند: بلی، بخدا سوگند، من دم کردن را یاد دارم. ولی چون از ما پذیرایی نکردید، حاضر نیستم بدون اجر، این کار را انجام دهم. سرانجام، در مقابل پرداخت تعدادی گوسفند، توافق کردند. آنگاه، آن شخص، با آنان رفت و سورة فاتحه را خواند و بر بیمار، فوت کرد. و بیمار نیز مانند جانوری که از قید آزاد شده باشد، بهبود یافت و خوشحال و بدون کوچکترین ناراحتی، به راه افتاد.

¹ - صحیح البخاری المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی/ج: ۵ / ص: ۲۱۶ الناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت الطبعة الثالثة، ۱۴۰۷ -

1987

² - همان مصدر/ج: ۵ / ص: ۲۱۶۶

راوي مي گوید: آنگاه، آنها گوسفندان مورد توافق را به صحابه رضوان الله عليهم، تقدیم نمودند. برخی از صحابه گفتند: آنها را میان خود، تقسیم کنیم. ولي شخصي که دم کرده بود، گفت: چنین نکنید تا نزد رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - برویم و ایشان را در جریان، قرار دهیم و ببینیم که چه دستور می دهند. سپس، نزد رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - رفتند و ایشان را از ماجرا، آگاه ساختند. آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «از کجا دانستی که سوره فاتحه، چنین تاثیری دارد؟» و افزود: «کار خوبی کرده اید. آنها را بین خود، تقسیم کنید». و در حالی که می خندید، فرمود: «سهم مرا نیز بگذارید».

۳- باب رقیة العین . عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَوْ أَمَرَ أَنْ يُسْتَرْقَى مِنَ الْعَيْنِ.¹

ترجمه: عایشه رضي الله عنها مي گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به من دستور داد یا فرمود که برای چشم زخم، دم کنند.

۴- باب رقیة النبي صلی الله علیه وسلم:

وعن أنس رضي الله عنه أنه قال لِثَابِتٍ رَحِمَهُ اللَّهُ: أَلَا أُرْقِيكَ بِرُقِيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: بَلَى . قَالَ: اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، مُذْهِبَ الْبَأْسِ، اشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شَافِيَ إِلَّا أَنْتَ، شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا.²

ترجمه: انس - رضي الله عنه - به ثابت رحمه الله گفت: آیا تو را دم نکنم به آنچه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دم می کرد؟ گفت: بله؛ پس انس گفت: (اللهم رب الناس مذهب البأس اشف أنت الشافي لا شافي إلا أنت شفاء لا يغادر سقما)

أنت شفاء لا يغادر سقما)

يعني: «باراهي! اي پروردگار مردم و اي از بين برنده بيماريها! شفا بده؛ تو، شفا دهنده هستي، شفا دهنده اي جز تو نيست؛ شفائي بده که بيماري و مرضي باقي نگذارد».

۵- باب النفث في الرقية . عَنْ أَبِي قَتَادَةَ - رضي الله عنه - قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ مِنَ اللَّهِ وَالْحُلْمُ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَإِذَا حَلَمَ أَحَدُكُمْ حُلْمًا يَخَافُهُ فَلْيَبْصُقْ عَنْ يَسَارِهِ وَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهَا فَإِنَّهَا لَا تَصْرُءُ»³

¹ - همان مصدر/ج: ۵/ص: ۲۱۶۶/ أخرجه مسلم في السلام باب استحباب الرقية من العين والنملة والحمة والنظرة شماره حديث: ۲۱۹۵

² - همان مصدر/ج: ۵/ص: ۲۱۶۷

³ - همان مصدر/ج: ۵/ص: ۲۱۶۸/ أخرجه مسلم في أول كتاب الرؤيا شماره حديث: ۲۲۶۱

ترجمه: ابوقتاده - رضي الله عنه - مي گوید: نبي اکرم - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «خواب نيك از جانب خدا و خوابهاي پریشان از جانب شیطان است. پس هرگاه، يکي از شما خواب پریشاني دید و ترسید، سمت چپ خود، تف کند و از شر آن به خدا، پناه ببرد. آنگاه، ضرري به او نمي رساند».

۶- باب رقية الحية والعقرب: عبد الرحمن بن الأسود عن أبيه قال سألت عائشة عن الرقية من الحمة فقالت: رخص النبي صلى الله عليه وسلم في الرقية من كل ذي حمة¹
ترجمه: عایشه رضي الله عنها مي گوید: نبي اکرم - صلى الله عليه وسلم - اجازه داد تا هر فردي را که مار و یا عقرب، گزیده است، دم کنند.

۷- باب مسح الراقي الوجل بيده اليمنى: عن عائشة رضي الله عنها قالت: كان النبي صلى الله عليه وسلم يعوذ بعضهم يمسحه بيمينه (أذهب الباس رب الناس واشف أنت الشافي لا شفاء إلا شفاؤك شفاء لا يغادر سقما²)

ترجمه: از عایشه رضي الله عنها روایت است که پیامبر صلى الله عليه وسلم دم ودعا را میخواندن و با دست راست خود جای درد را میمالید و میفرمود: «أذهب الباس رب الناس واشف أنت الشافي لا شفاء إلا شفاؤك شفاء لا يغادر سقما».

یعني اي پروردگار مردم! بیماری اش را برطرف ساز و چنان شفایي عنایت کن که هیچگونه بیماری اي باقی نماند. چرا که تو شفا دهنده هستي و هیچ شفایي، بجز شفایي تو وجود ندارد».

۸- باب في المرأة ترقى الرجل: عن عروة عن عائشة رضي الله عنها: أن النبي صلى الله عليه وسلم كان ينفث على نفسه في مرضه الذي قبض فيه بالمعوذات فلما ثقل كنت أنا أنفث عليه بهن فأمسح بيد نفسه لبركتها، فسألت ابن شهاب كيف كان ينفث؟ قال ينفث على يديه ثم يمسح بهما وجهه³

ترجمه: از عایشه رضي الله عنها روایت است که رسول اکرم صلى الله عليه وسلم در بیماری که در اثر آن وفات کردند، خودش را توسط معوذات دم می کرد؛ اما زمانی که بیماری شان شدت یافت، من او را توسط معوذات دم

2- همان مصدر/ج: ۵/ص: ۲۱۶۷¹

3- همان مصدر/ج: ۵/ص: ۲۱۶۹

4- همان مصدر/ج: ۵/ص: ۲۱۷۰³

می‌کردم و او را با دستانِ خودش مسح می‌کردم، به خاطر برکت آن. از ابن شهاب پرسیده شد که چگونه مسح میکرد؟ گفت: که به دستهای خود دم مینمود و آنرا به روی مبارک پیامبر صلی الله علیه وسلم میمالید.

۹- **باب الطب والمرض والرقي:** عَنْ عَائِشَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- أَنَّهَا قَالَتْ كَانَ إِذَا اشْتَكَى رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- رَقَاهُ جِبْرِيلُ قَالَ بِاسْمِ اللَّهِ يُبْرِكُ وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشْفِيكَ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ وَشَرِّ كُلِّ ذِي عَيْنٍ.¹

ترجمه: عایشه رضی الله عنها همسر رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: هر زمانیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم از مرض ای مینالید جبرئیل علیه السلام او را دم مینمود و میفرمود: «با نام و یاد الله از او می‌خواهم که تو را (از آنچه بدان مبتلایی) رهایی بخشد و از هر درد و بلائی شفا داده از شر هر حسود آنگاه که حسد ورزد و شر هر چشم زخم زنده‌ای در امان بدارد».

۱۰- **باب استحباب رقية المريض:** عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- كَانَ إِذَا أَتَى مَرِيضًا أَوْ أُتِيَ بِهِ، قَالَ: «أَذْهِبِ الْبَاسَ رَبَّ النَّاسِ، اشْفِ وَأَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءٌ لَا يُغَادِرُ سَقَمًا».²

ترجمه: عایشه رضی الله عنها می‌گوید: هرگاه، رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- نزد بیماری می‌رفت و یا بیماری را نزد او می‌آوردند، می‌فرمود: «أَذْهِبِ الْبَاسَ رَبَّ النَّاسِ، اشْفِ وَأَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءٌ لَا يُغَادِرُ سَقَمًا» یعنی ای پروردگار مردم! بیماری اش را برطرف ساز و چنان شفایی عنایت کن که هیچگونه بیماری ای باقی نماند. چرا که تو شفا دهنده هستی و هیچ شفایی، بجز شفای تو وجود ندارد».

۱۱- **باب رقية المريض بالمعوذات والنفث:** عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- إِذَا مَرَضَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِهِ نَفَثَ عَلَيْهِ بِالْمُعَوِّذَاتِ فَلَمَّا مَرَضَ مَرَضَهُ الَّذِي مَاتَ فِيهِ جَعَلَتْ أَنْفُثُ عَلَيْهِ وَأَمْسَحَهُ بِيَدِ نَفْسِهِ لِأَنَّهَا كَانَتْ أَعْظَمَ بَرَكَةٍ مِنْ يَدِي³

ترجمه: از عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: زمانی که یکی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وسلم بیمار می‌شد، آن حضرت -علیه السلام- آن‌ها را توسط خواندن معوذات دم می‌کرد؛ اما زمانی که در مرض

¹ - صحیح مسلم المؤلف: أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري/ج: ۷/ص: ۱۳

الناشر: دار الجيل بيروت + دار الأفاق الجديدة - بيروت/عدد الأجزاء: ثمانية أجزاء في أربع مجلدات

² - همان مصدر/ج: ۷/ص: ۱۶

³ - همان مصدر/ج: ۷/ص: ۱۶

موت قرار داشتند، من او را دم می کردم و با دستان خودش او را مسح می کردم؛ زیرا دستان او با برکت تر از دستان من بود.

۱۲- باب استحباب الرقية من العين والنملة والحمة والنظرة: عَنْ عَمْرَةَ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- كَانَ إِذَا اشْتَكَى الْإِنْسَانُ الشَّيْءَ مِنْهُ أَوْ كَانَتْ بِهِ قَرْحَةٌ أَوْ جَرْحٌ قَالَ النَّبِيُّ -صلى الله عليه وسلم- يَأْصِبِعُهُ هَكَذَا وَوَضَعَ سُفْيَانُ سَبَابَتَهُ بِالْأَرْضِ ثُمَّ رَفَعَهَا « بِاسْمِ اللَّهِ تَزْبُهُ أَزْضِنَا بِرِيقَةٍ بَعْضِنَا لِيُشْفَى بِهِ سَقِيمُنَا بِإِذْنِ رَبِّنَا »¹

ترجمه: از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که گفت: هرگاه کسی از درد جایی از بدنش می نالید یا زخمی چرکین یا بریدگی ای داشت، پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - با انگشت خود این کار را می کرد: «سفیان بن عیینه» راوی حدیث (برای نشان دادن کار پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم -) انگشت سبابه ی خود را (با آب دهان خیس می کرد) و بر زمین می مالید و بلند می کرد (آن گاه پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - انگشتش را بر زخم یا بریدگی یا جایی درد می مالید) و می فرمود: «به نام خدا، (این) خاک سرزمین ما و مخلوط به آب دهان یکی از ما (است که) به اجازه ی پروردگاران، مریض ما، به وسیله ی آن شفا می یابد».

۱۳- باب لا بأس بالرقى ما لم يكن فيه شرك: عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ الْأَشْجَعِيِّ قَالَ كُنَّا نَزُقِي فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ تَرَى فِي ذَلِكَ فَقَالَ « اعْرِضُوا عَلَيَّ رِقَاكُمْ لَا بَأْسَ بِالرَّقِيِّ مَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ شِرْكٌ »².

ترجمه: از عوف بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: ما در زمان جاهلیت رقیه می کردیم. گفتیم: ای رسول الله آن را چگونه می بینی؟ فرمود: «رقیه هایتان را برایم وصف کنید اگر در آن شرك نباشد اشکالی ندارد.»

۱۴- باب جواز أخذ الأجرة على الرقية بالقرآن والأذكار: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ أَنَّ نَاسًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- كَانُوا فِي سَفَرٍ فَمَرُّوا بِحَيٍّ مِنْ أَحْيَاءِ الْعَرَبِ فَاسْتَضَافُوهُمْ فَلَمْ يُضِيفُوهُمْ. فَقَالُوا لَهُمْ هَلْ فِيكُمْ رَاقٍ فَإِنَّ سَيِّدَ الْحَيِّ لَدَيْغٌ أَوْ مُصَابٌ. فَقَالَ رَجُلٌ مِنْهُمْ نَعَمْ فَاتَاهُ فَرَقَاهُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَبَرَأَ الرَّجُلُ فَأَعْطَى قَطِيعًا مِنْ غَنَمِ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا. وَقَالَ حَتَّى أَذْكَرَ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ -صلى الله عليه وسلم-. فَآتَى النَّبِيُّ -صلى الله عليه وسلم- قَطِيعًا مِنْ غَنَمِ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا. وَقَالَ حَتَّى أَذْكَرَ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ -صلى الله عليه وسلم-.

¹- همان مصدر/ج: ۷/ص: ۱۷

²- همان مصدر/ج: ۱۷/ص: ۱۹

وسلم - فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُ. فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَاللَّهِ مَا رَقَيْتُ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ. فَتَبَسَّمَ وَقَالَ « وَمَا أَدْرَاكَ أَنَّهَا رُقِيَةٌ ». ثُمَّ قَالَ « خُذُوا مِنْهُمْ وَاصْرِبُوا لِي بِسَهْمٍ مَعَكُمْ »¹.

ترجمه: از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت است که چند نفر از اصحاب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - طی سفری، نزد طایفه ای از طوایف عرب، توقف کردند و درخواست پذیرایی، نمودند. اما مردم، از پذیرایی آنها، سر باز زدند. از قضا، عقربی، سردار طایفه آنها را نیش زد. آنها برای مداوای او، سعی و تلاش زیادی کردند، اما سودی نداشت. بعضی گفتند: نزد این کاروان، بروید. شاید در میان آنان، کسی باشد که علاجه بداند. آنان، نزد قافله آمدند و گفتند: عقربی، سردار طایفه ما را نیش زده است. و ما هرچه سعی کرده ایم، سودی نداشته است. آیا نزد شما راه علاجه وجود دارد؟ یکی از آنان، گفت: بلی، بخدا سوگند، من دم کردن را یاد دارم. ولی چون از ما پذیرایی نکردید، حاضر نیستم بدون اجر، این کار را انجام دهم. سرانجام، در مقابل پرداخت تعدادی گوسفند، توافق کردند. آنگاه، آن شخص، با آنان رفت و سوره فاتحه را خواند و بر بیمار، فوت کرد. و بیمار نیز مانند جانوری که از قید آزاد شده باشد، بهبود یافت و خوشحال و بدون کوچکترین ناراحتی، به راه افتاد. راوی می گوید: آنگاه، آنها گوسفندان مورد توافق را به صحابه رضوان الله علیهم، تقدیم نمودند. برخی از صحابه گفتند: آنها را میان خود، تقسیم کنیم. ولی شخصی که دم کرده بود، گفت: چنین نکنید تا نزد رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - برویم و ایشان را در جریان، قرار دهیم و ببینیم که چه دستور می دهند. سپس، نزد رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - رفتند و ایشان را از ماجرا، آگاه ساختند. آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «از کجا دانستی که سوره فاتحه، چنین تاثیری دارد؟» و افزود: «کار خوبی کرده اید. آنها را بین خود، تقسیم کنید». و در حالی که می خندید، فرمود: «سهم مرا نیز بگذارید».

۱۵ - باب استحباب وضع یدہ علی موضع الألم مع الدعاء: عَنْ عُمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ الثَّقَفِيِّ أَنَّهُ شَكَاَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- وَجَعًا يَجِدُهُ فِي جَسَدِهِ مُنْذُ أُسْلِمَ. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- « ضَعْ يَدَكَ عَلَى الَّذِي تَأَلَّمَ مِنْ جَسَدِكَ وَقُلْ بِاسْمِ اللَّهِ. ثَلَاثًا. وَقُلْ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأَحَازِرُ »².

¹ - همان مصدر/ج: ۷/ص: ۱۹

² - همان مصدر/ج: ۷/ص: ۲۰

ترجمه: از ابو عبدالله بن ابوالعاص - رضی الله عنه - روایت شده است که او دردی را که در جسم خود داشت، نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان (و از ایشان چاره جویی) کرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمودند: "دستت را بر روی موضعی از بدنت که درد دارد، بگذار و سه مرتبه بگو: بسم الله و هفت مرتبه بگو: **أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَحْدُ وَأُحَاذِرُ**: از شر آنچه که حس میکنم و در خود می یابم و از شر چیزی که از آن میترسم، به عظمت و قدرت خدا پناه می برم".

وچنین ابواب را در منابع دیگر حدیث مانند: سنن، جوامع، موطآت، مصنفات، مستخرجات، نیز میتوان دریافت نمود که این همه دلالتی است که دلالت بر مشروعیت رقیه شرعی مینماید.

مطلب چهارم اقوال علماء واجماع امت

دلیل دیگر جواز دم و تعویذ مشروع اجماع علمای امت اسلامی است، طوریکه حافظ ابن حجر عسقلانی گفته است: "وقد أجمع العلماء على جواز الرقي عند اجتماع ثلاثة شروط أن يكون بكلام الله تعالى أو بأسمائه وصفاته وباللسان العربي أو بما يعرف معناه من غيره وأن يعتقد أن الرقية لا تؤثر بذاتها بل بذات الله تعالى".¹

یعنی علماء در موجودیت سه شرط به جواز رقیه مشروع اجماع نموده اند: شرط اول: اینکه دم و دعاء توسط کلام الله متعال (قرآن کریم) و یا توسط اسماء و صفات وی صورت گیرد، شرط دوم: اینکه به زبان عربی باشد و یا به زبان دیگر معنایش قابل فهم باشد، شرط سوم: اینکه باور داشته باشد که رقیه به ذات خود مؤثر نیست بلکه مؤثر الله تعالی میباشد. همچنان صاحب عون المعبود در ادامه تعریف رقیه گفته است: "ما يقرأ من الدعاء لطلب الشفاء وهي جائزة بالقرآن والأسماء الإلهية ما في معناها بالاتفاق وبما عداها حرام لا سيما بما لا يفهم"²

ترجمه: یعنی رقیه عبارت از دعا های است که به غرض حصول شفا خوانده میشود، و آن دعا ها توسط قرآن کریم و اسمای الهی و یا آنچه که در حکم و معنای اسمای الهی باشد به اتفاق همه جواز دارد، و در غیر آن حرام میباشد، مخصوصاً زمانی که مفهوم و معنای آن کلمات قابل درک نباشد.

¹-فتح الباري /ابن حجر /باب:قول الرقي/ج:10/ص:195 -

²-عون المعبود شرح سنن أبي داود المؤلف : محمد شمس الحق العظيم آبادي أبو الطيب/باب:الرقي/ج:10/ص:264-

همچنان امام خطابی رحمه الله¹ گفته است: قد رقی ورقی وأمر بها وأجازها فإذا كانت بالقرآن أو باسماء الله تعالى فهي مباحة أو مأمور بها وإنما جاءت الكراهية والمنع فيما كان منها بغير لسان العرب فإنه ربما كان كفرا أو قولاً يدخله الشرك قال ويحتمل أن يكون الذي يكره من ذلك ما كان على مذاهب الجاهلية التي يتعاطونها وأنها تدفع عنهم الآفات ويعتقدون ذلك من قبل الجن ومعوتهم.²

یعنی پیامبر صلی الله علیه وسلم خودش آن دم انداختند و برخود آنها نیز دم انداخته شد، همچنان به دم ورقیه امر نموده و آن را اجازه دادند، پس اگر دم ورقیه توسط قرآن کریم، نامهای الله متعال باشد پس آن دم یک عمل مباح بلکه مأمور به است، کراهیت و ممانعتی که در دم و تعویذ آمده است مخصوص آن دم های است که به غیر زبان عربی باشد، زیرا که چنین دم ها گاهی به کفر میرسد، یا قول و گفتاری باشد که در آن شرک دخیل باشد، و این احتمال نیز وجود دارد که در آن شرک دخیل باشد، و این احتمال نیز وجود دارد که کراهیت مخصوص آن دم ها و تعویذهای باشد که مطابق شیوه و روش اهل جاهلیت صورت گیرد، طوریکه آنها به این باور بودند که دم و تعویذها به کمک جن ها صورت میگیرد و هر نوع آفت هارا از ایشان دور میکند.

امام بغوی³ در شرح السنة گفته است که: والمنهي من الرقي ما كان فيه شرك، أو كان يذكر مردة الشياطين، أو ما كان منها بغير لسان العرب، ولا يدرى ما هو، ولعله يدخله سحر، أو كفر، فأما ما كان بالقرآن، وبذكر الله عز وجل، فإنه جائز مستحب.⁴

دم ها ورقیه های منهی عنه آن دم هایی اند که در آنها شرک وجود داشته باشد، و یا اینکه آمیخته با ذکر شیطان های سرکش باشد، یا به غیر زبان عربی باشد، و فهمیده نشود که آن چگونه دم ورقیه است؟ و شاید که سحر و جادو و یا کلمات کفری در آن دخیل باشد، اما آنچه که توسط قرآن و اذکار نبوی باشد پس نه تنها جائز بوده بلکه یک امر مستحب به شمار میرود؛ زیرا که پیامبر صلی الله علیه وسلم توسط معوذات خودش را دم مینمود و به کسیکه

1- الإمام العلامة، الحافظ اللغوي أبو سليمان، حمد بن محمد بن إبراهيم بن خطاب البستي، دارای تصانیف زیادی بوده که ی 300 و چند هج تولد شده و فقه را از مذهب امام شافعی رحمه الله آموخت و از همسن و سالهایش ابو عبدالله حاکم میباشند. (سیر أعلام النبلاء: الطبقة الثانية والعشرون)

2- تیسیر العزیز الحمید فی شرح کتاب التوحید المؤلف: سلیمان بن عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب/باب: ما جاء في الرقي والتمايم/ج: 1/ص: 135

3- أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفداء البغوي ركن الدين مشهور به به لقب زنده کننده سنت که بغوی نسبت اش بسوی بلاد خراسان است در سال ۴۳۳ هج تولد و در سال ۵۱۶ هج وفات نموده است امام بغوی از جمله امامان اهل سنت و الجماعت حساب میشود که از خود کتب متعددی را به جا گذاشته از آن جمله: الصحيح بين الصحيحين و شرح السنة است. (گرفته شده از islamweb.net).

توسط خواندن سوره فاتحه سردار یکی از قبائل را دم انداختند گفتند: " وما یدریک أنها رقیة؟ " ثم قال: " أصبتم اقساموا واضربوا لی معکم بسهم"¹

از کجا دانستی که سوره فاتحه چنین تاثیری دارد؟ و افزود کار خوبی کرده اید آنها را بین خود تقسیم کنید و فرمودند سهم مرا نیز بگذارید .

از دلایل فوق و اقوال علماء واضح گردید که اگر دم ورقیه که توسط آیات قرآنی، اذکار و ادعیه نبوی صورت گیرد نه تنها جایز بوده بلکه یک امر مستحب بشمار میرود.

مبحث دوم انواع تعویذ ورقیه های مشروع

در این مبحث انواع تعویذ ورقیه های مشروع طی دو مطلب بیان میگردد.

مطلب اول: تعویذ ورقیه مشروع توسط آیات و سوره های قرآن

در مورد انتخاب و اختیار آیات یک نکته را باید متذکر شوم که آیات که در تحت این عنوان آورده ام غالباً معتمد بر کدام نص صحیح نیست و احادیث صحیح اینکه در فضیلت بعضی آنان آمده است بسیار کم و محدود میباشد و آنچه آیات اینکه در مورد فضیلت آن کدام حدیث صحیح وجود ندارد در انتخاب او آیات با استفاده از استنباطات علمای ربانی که آنان بر بعضی امراض آن آیات را خوانده و یا نوشته کرده اند، و یا امر به خواندن آن نموده اند زیرا قرآن همه اش شفاء است و در انتخاب بعضی آیات دیگر نظر به نیت راقی (دم کننده) است که راقی انتخاب میکند که از نگاه معنی مناسب میباشد برای علاج مرض و یا علت اینکه درسد تدای آن است، و یا اینکه کدام سری نهفته میباشد و یاب اساس تجربه، و یا اینکه عمل صحابی است که اجتهاد و استنباط کرده مثلیکه: صحابی ی بنابر روایت که گذشت سوره فاتحه را برگزدم گزیده میخواند، و او را دم مینماید که در نتیجه مریض صحت یاب میشود .

¹- صحیح البخاری/ج:5/ص:12169

آیات قرآن کریم:

- سوره فاتحه:

{ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (1) الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ (2) الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (3) مَا لِكِ یَوْمِ الدِّیْنِ (4) اِیَّاكَ نَعْبُدُ
وَ اِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ (5) اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ (6) صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالِّیْنَ
(7) }¹

ترجمه: ستایش الله راست که پروردگار همه جهانیان است (۱) بخشاینده، مهربان (۲) پادشاه روز جزا است (۳)
تنها تورا میپرستیم، و تنها از تو مدد میخواهیم (۴)
بنما مارا راه راست (۵) راه آنانیکه انعام کرده ای برایشان، نه راه آنانیکه برشان خشم کرده شده است، و نه
گمراهان (۶-۷)

بیهقی² گفته است در فضیلت هیچ سوره ای بیشتر از فضیلت سوره فاتحه حدیث صحیح روایت نشده است،
و دارای نامهای زیادی میباشد که از جمله آن یکی از نامهایش رقیه میباشد، چون در حدیث قدسی از ابوسعید
خدري رضي الله عنه آمده است که هنگامیکه صحابه پیغمبر صلی الله علیه وسلم خبر دادند که مردی از ما
بر شخص مار گزیده ای فاتحه الكتاب را خواند، و او شفاء یافت پیامبر صلی الله علیه وسلم به آن صحابی
گفتند: (وَمَا يُدْرِيكَ أَنَّهَا رُقِيَّةٌ؟)³ از چه دانستی که این سوره برای دم کردن است .

{ الم (1) ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (2) الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
يُنْفِقُونَ (3) وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (4) أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ
وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (5) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (6) خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ
قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (7) }⁴ (البقرة: 1-7)

¹-سوره الفاتحة آیت: (۱-۷)

²- حافظ علامه فقیه شیخ الإسلام ابوبکر احمد بن حسن بن علی بن موسی الخسر وجردي خراسانی و بیهقی: که یکی از قریه های نیشاپور که دو روز راه است فاصله میان آن
قریه و نیشاپور در سال ۳۸۴ در ماه شعبان تولد شده و به استماع حدیث شروع کرده در سن ۱۵ سالگی از ابی الحسن محمد بن الحسین العلوی و عده ای دیگر محدثین مثل:
اسفراینی و در علمش برکات زیادی را الله متعال انداخته بود و تصنیف های پر منفعت زیادی را از خود به جا گذاشته است و عالم و فقیه بود در حفظ در زمان خود بی جوره بود
تالیفات زیادی دارد از جمله: السنن والآثار در چهار جلد الأسماء وصفات در دو جلد.....(سیر أعلام النبلاء: الطبقة الرابعة والعشرون ص: ۱۶۳)

³-صحیح البخاری، کتاب الإجارة، باب: ما يعطي في الرقية.....

⁴-سوره البقرة آیت: (۱-۷)

ترجمه

- ۱- الف لام میم (از حروف مقطعات است، ذکرش در آغاز برخی از سوره ها نمایانگر اعجاز قرآن است.
- ۲- این کتابی است که در آن هیچ شبهه ای نیست، راهنمای پرهیزگاران است.
- ۳- پرهیزگاران آنانی اند که ایمان میآورند به غیب، و نماز را به گونه ای شایسته می خوانند و آنچه که ایشان را روزی داده ایم خرج میکنند.
- ۴- و آنانی اند که ایمان می آورند به آنچه فرو فرستاده شده است به سوی تو و به آنچه فرو فرستاده شده است پیش از تو، و ایشان به آخرت یقین دارند.

۵- این چنین کسانی هدایت و رهنمود پروردگار خویش را دریافت کرده و حتماً رستگارند.

۶- شکی نیست آنانیکه کافر اند، برابر است برای ایشان که آنان را بیم دهی، یا ایشان را بیم ندهی، ایمان نمی آورند

۷- الله بردلها وگوش های آنان مهنهاده است و برچشمهایشان پرده ای است و آنان را عذاب بزرگی است.

۳- (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ

بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ^۱)

ترجمه: هیچ الله دیگری بجز الله وجود ندارد و او زنده ی پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا می گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد). از آن اوست آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است (و در ملک کائنات، او را انبازی نیست). کیست آنکه در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه او؟

می داند آنچه را که او در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است، و مطلع بر گذشته و حال و آینده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه ی زمان ها و مکان ها در پیشگاه علم او یکسان است. مردمان چیزی از علم او را فراچنگ نمی آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. (علم و دانش محدود دیگران،

^۱ - سوره البقرة آیت: ۲۵۵

پرتوی از علم بی‌پایان و بی‌کران او است) فرماندهی و فرمانروایی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته است، و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را درمانده نمی‌سازد و او بلند مرتبه و سترگ است.

۴- (لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّواْ مَا فِيْ اَنْفُسِكُمْ اَوْ تَخَفُوْهُ يَحٰسِبِكُمْ بِهٖ اللّٰهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ (۲۸۴) ؕ اَمَنْ الرَّسُوْلُ بِمَاۤ اُنزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَّبِّهٖ ۙ وَالْمُؤْمِنُوْنَ كُلُّۙ ؕ اَمَنْ بِاللّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهٖ ۙ وَكُتُبِهٖ ۙ وَرُسُلِهٖ ۙ لَا نَفْرَقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهٖ ۗ وَقَالُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ (۲۸۵) لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اَكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَّسِينَاۙ اَوْ اَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًاۙ كَمَا حَمَلْتَهُۥ عَلٰى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهٖ ۗ وَاَعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَاَرْحَمْنَاۙ اَنْتَ مَوْلٰنَا فَاَنْصُرْنَا عَلٰى الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ (۲۸۶)^۱

ترجمه:

۲۸۴- آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است، از آن خدا است، و (لذا) اگر آنچه را که در دل دارید آشکار سازید یا پنهان دارید، خداوند شما را طبق آن محاسبه می‌کند، سپس هر که را بخواهد (و شایستگی داشته باشد) می‌بخشد و هر کس را بخواهد (و مستحق باشد) عذاب می‌کند، و خدا بر هر چیزی توانا است.

۲۸۵- فرستاده‌ی (الله) (محمد) معتقد است بدانچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است (و شکی در رسالت آسمانی خود ندارد) و مومنان (نیز) بدان باور دارند. همگی به الله و فرشتگان او و کتاب‌های وی و پیغمبرانش ایمان داشته (و می‌گویند): میان هیچ یک از پیغمبران او فرق نمی‌گذاریم (و سرچشمه‌ی رسالت ایشان را یکی می‌داریم). و می‌گویند: (اوامر و نواهی ربانی را توسط محمد) شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را خواهیم. و بازگشت به سوی تو است.

۲۸۶- الله (سبحان) به هیچ کس جز به اندازه‌ی توانائی اش تکلیف نمی‌کند (و هیچ گاه بالاتر از میزان قدرت شخص از او وظایف و تکالیف نمی‌خواهد). (انسان) هر کار (نیکی که) انجام دهد برای خود انجام داده و هر کار (بدی که) بکند به زیان خود کرده است. پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را (بدان) مگیر (و مورد مواخذه و پرس و جو قرار مده)، پروردگارا! بار سنگین (تکالیف دشوار) را بر (دوش) ما مگذار آن را که یاری آن را نداریم بر ما بار مکن (و ما را به بلاها و محنت‌ها گرفتار مساز) و از ما درگذر و (قلم عفو بر گناهانمان کش) و ما را ببخشای و به ما رحم فرمای. تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.

^۱ - سورة البقرة آیت: ۲۸۴-۲۸۶

۵- (فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَأَوْهَوُّ أَرْحَمًا الرَّحِيمِينَ (۶۴))^۱ ترجمه: «... و خدا بهترین حافظ و نگهدار است و از همه‌ی مهربانان مهربان‌تر است. (او مرا و فرزند مرا کافی است).»

۶- (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱) لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲) وَلَا أَنْتُمْ عِبُدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳) وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ (۴) وَلَا أَنْتُمْ عِبُدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵) لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶))^۲
ترجمه:

۱- بگو: ای کافران!

۲- آنچه را که شما (بجز الله) می‌پرستید من نمی‌پرستم.

۳- و شما نیز نمی‌پرستید آنچه را که من می‌پرستم.

۴- همچنین نه من بگونه‌ی شما پرستش را انجام می‌دهم.

۵- و نه شما بگونه‌ی من پرستش را انجام می‌دهید.

۶- آئین خودتان برای خودتان، و آئین خودم برای خودم!

۷- (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴))^۳ ترجمه:

۱- بگو: الله، یگانه‌ی یکتا است.

۲- الله، سُرُورِ والای برآورنده‌ی امیدها و برطرف کننده‌ی نیازمندی‌ها است.

۳- نزاده است و زاده نشده است.

۴- و کسی هم‌تا و هم‌گون او نمی‌باشد.

۸- (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲) وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳) وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثِ فِي الْعُقَدِ (۴) وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵))^۴

ترجمه:

۱- بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم.

۲- از شر هر آنچه الله آفریده است.

۳- و از شر شب بدانگاه که کاملاً فرا می‌رسد (و جهان را به زیر تاریکی خود می‌گیرد).

۱- سوره یوسف آیت: ۶۴

۲- سوره کافرون آیت: ۶-۱

۳- سوره إخلاص آیت: ۴-۱

۴- سوره الفلق آیت: ۵-۱

۴- و از شر کسانی که در گره‌ها می‌دهند (و با نیرنگ سازی و حقه بازی خود، اراده‌ها، ایمان‌ها، عقیده‌ها، محبت‌ها، و پیوندها را سست می‌نمایند و فساد و تباهی می‌کنند).

۵- و از شر حسود بدانگاه که حسد می‌ورزد.

۹- (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱) مَلِكِ النَّاسِ (۲) إِلَهِ النَّاسِ (۳) مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶))^۱

ترجمه: ۱- بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردمان.

۲- به مالک و حاکم (واقعی) مردمان.

۳- به معبود (به حق) مردمان.

۴- از شر وسوسه‌گری که واپس می‌رود (اگر برای چیره شدن بر او، از الله کمک بخواهی و خویشتن را در پناهِش داری).

۵- وسوسه‌گری است که در سینه‌های مردمان به وسوسه می‌پردازد (و ایشان را به سوی زشتی و گناه و ترک خوبی‌ها و واجبات می‌خواند).

۶- (در سینه‌های مردمانی) از جنی‌ها و انسان‌ها.

۱۰- (وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّ تَرْنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالٌ وَوَلَدٌ^۲(۳۹)

ترجمه:

۳۹- کاش وقتی که وارد باغ می‌شدی می‌گفتی ماشاء الله، هیچ قوت و قدرتی جز از ناحیه‌ی خدا نیست (و اگر مدد و توفیق او نباشد توانایی عبادت و پرستش را نخواهیم داشت ای رفیق ناسپاس) اگر می‌بینی که از نظر اموال و اولاد از تو کم‌ترم (اما....).

۱۱- (وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^۳(۱۰۷)

^۱ - سوره الناس آیت: ۱-۶

^۲ - سوره الکهف آیت: ۳۹

^۳ - سوره یونس آیت: ۱۰۷

ترجمه:

۱۰۷- اگرالله زیانی به تو برساند، هیچ کسی جز او نمی تواند آن را برطرف گرداند، و اگر بخواهد خیری به تو برساند، هیچ کسی نمی تواند فضل و لطف او را از تو برگرداند. الله متعال فضل و لطف خود را شامل هر کسی از بندگانش که بخواهد می کند و او دارای مغفرت و مهر فراوان است.

۱۲- (شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَدَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۸)¹

ترجمه: ۱۸- الله گواهی می دهد اینکه معبودی جز او نیست، و اینکه او دادگری می کند، و فرشتگان و صاحبان دانش گواهی می دهند جز او معبودی نیست که هم توانا است و هم حکیم.

۱۳- (وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَنَ ۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَنُ وَلَكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ ۖ وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هُرُوتَ وَمُرُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ ۖ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۚ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۚ وَلَقَدْ عَلَّمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ ۚ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۱۰۲)²

ترجمه:

۱۰۲- و (گروهی از یهود) به آنچه شیاطین صفتان و گناه پیشگان دربارهی سلطنت سلیمان می خوانند، باور داشتند و از آن پیروی نمودند. و حال آنکه سلیمان هرگز کفر نورزیده است. و بلکه شیاطین صفتان گناه پیشه، کفر ورزیده اند جادو و آنچه در بابل بر دو فرشته هاروت و ماروت نازل گردیده بود می آموزند. و به هیچ کس چیزی نمی آموختند، مگر اینکه پیشاپیش بدو می گفتند: ما وسیلهی آزمایش هستیم کافر نشو. از ایشان چیزهایی آموختند که با آن میان مرد و همسرش جدایی می افکندند. و حال آنکه با چنین جادویی نمی توانند به کسی زیان برسانند مگر اینکه با اجازه و خواست خدا باشد. و آنان قسمت هایی را فرا می گرفتند که برایشان زیان داشت و بدیشان سودی نمی رساند. و مسلماً می دانستند هر کسی خریدار اینگونه متاع باشد، بهره ای در آخرت نخواهد داشت و چه زشت و ناپسند است آنچه خود را بدان فروخته اگر می دانستند.

۱۰۳- و اگر آنان ایمان می آورند و پرهیزگاری می کردند. پاداشی که نزد الله است بهتر است اگر می دانستند.

¹- سوره آل عمران آیت: ۱۸

²- سوره البقرة آیت: ۱۰۲

۱۴- (فَلَمَّا أَتَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرَ إِنَّ اللَّهَ سَيَبْطِلُهُ - إِنَّ اللَّهَ لَا يُصَلِّحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ۸۱ وَيُحَقِّقُ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ ۚ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ۸۲)^۱

۸۱- هنگامی که (ریسمان‌ها و عصاهای خود را) انداختند، موسی گفت: آنچه ارائه داده اید واقعاً جادو است. قطعاً الله آن را پوچ و نابود خواهد کرد و الله متعال کار تبهکاران را شایسته و سودمند نمی‌گرداند- الله با سخنان خود حق را پایدار و ماندگار می‌گرداند، هرچند که گناهکاران و بزهکاران نپسندند. به همین شکل آیات زیاد دیگری نیز در قرآن وجود دارد که بخاطر رقیه و دم خوانده میشوند که به ذکر بعضی آن آیات می‌پردازیم.

سورة البقرة از آیات: ۱۱۷ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۶۳ ۱۶۴ ۲۵۴ الی ۲۵۷ ۲۸۴ الی ۲۸۶

سورة آل عمران: از آیت ۱ الی ۱۰ از ۱۸ الی ۲۰ و آیه ای ۸۵.

سورة النساء: آیت ۳۲ و ۵۴ و ۷۳ و ۵۶ و ۱۶۷ الی ۱۶۸.

سورة التوبة: آیه ۷۴

سورة الأعراف: آیه: ۵۴ الی ۵۶ و ۱۹۸

سورة روم: ۱۷ الی ۲۴

سورة غافر: ۱ الی ۳ و ۶۵

سورة فصلت: آیه ۳۶

سورة الجاثیه: آیه ۳۶ الی ۳۷

سورة الحديد: آیه ۱ الی ۶ سورة يوسف: آیه ۶۷ سورة الحجر: از آیه سورة كهف: آیه ۳۹ و آیه ۲۹ سورة نور: آیه

۴۳ الی ۴۴ سورة يس: آیه ۱ الی ۱۲ سورة الصافات: آیه ۱ الی ۱۱ سورة الملك: از آیه ۱ الی ۴ سورة نازعات: از

آیه ۶ الی ۱۴ و ۴۶ سورة القلم: آیه ۵۱ الی ۵۲

سورة الحاقة: آیه ۳۸ الی ۴۰ سورة الجن: ۱ الی ۹ سورة طه: ۶۵ الی ۷۰^۲

وآیات دیگری از قرآن کریم نیز وجود دارد که در وقت رقیه یا دم خوانده میشوند که ما به ذکر همینقدر اکتفا

مینماییم..

^۱- سورة يونس آیت: ۸۱-۸۲

^۲- مختصر الرقية الشرعية / مؤلف: أبي العالية محمد بن يوسف الجوراني / ص: 29-42 / الرقية الشرعية نبيل العوضي / ص: 3-20

مطلب دوم: تعویذ ورقیه مشروع توسط ادعیه واذکار مأثور

احادیث صحیح زیادی وجود دارد در مورد رقیه شرعی که به ذکر بعضی آنها در این جا می پردازیم:

۱- «لا إله إلا الله العظيم الحليم، لا إله إلا الله رب العرش العظيم، لا إله إلا الله رب السموات ورب الأرض ورب العرش الكريم».¹

«هیچ معبودی جز الله بزرگ و بردبار وجود ندارد. هیچ معبودی جز الله که پروردگار عرش عظیم است وجود ندارد. هیچ معبودی جز الله که پروردگار آسمان و زمین و پروردگار عرش با عظمت و بزرگ است وجود ندارد».

۲- «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْنَاكَ مِنْهُ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَعَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».²

«بار الهی! هر آنچه از خیر را که نبی (بزرگوارت) محمد ﷺ ازت مطالبه کرده از تو مسالت می داریم و از آنچه که نبی تو محمد (مصطفی) از شر آن به تو پناه برده، به درگاه تو پناه می جوئیم و (بی شک) تو ذاتی مددگار هستی (که انسان ها از تو مدد می خواهند)».

۳- «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، مِنْ هَمْزَةٍ وَنَفْخَةٍ».³

«پناه می برم به پروردگار شنوای دانا از (شر) شیطان رانده شده و از (شر) وساوس و کبر و شعر (و سحر و ساحری) او».

۴- «بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ».⁴
«به نام الله آنچه (از ارواح پلید و غیره که) موجبات اذیت و آزار تو (بیمار) را فراهم می کنند از تو دور می سازم و از گزند هر نفس (سرکش) یا چشم زخم حسودی می رهانمت. (بی تردید) این الله است که تو را شفا می دهد (و من (تنها) با نام و یاد او به مداوایت می پردازم) و به نام الله تو را دم می کنم».

۵- «بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ إِسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».⁵

1- صحیح بخاری (6346)، کتاب الدعوات و مسلم (2730)، کتاب الذکر. راوی این حدیث ابن عباس است و حدیث (متفق علیه) است.

2- سنن ترمذی (3521)، کتاب الدعوات. راوی این حدیث ابومامه ﷺ است و ابوعیسی (ترمذی) آن را (حسن غریب) دانسته است.

3- ابوداود (775)، کتاب الصلاة و ترمذی (246)، کتاب الصلاة. راوی این حدیث ابوسعید خدری است و البته ترمذی ذیل شماره‌ی (764) همین حدیث را به نقل از جبیر بن مطعم نقل کرده است.

4- صحیح مسلم (2186)، کتاب السلام، باب الطب و المرض و الرقی، راوی حدیث ابوسعید خدری ﷺ است.

5- سنن ابوداود (5088)، کتاب الادب، راوی این حدیث عثمان بن عفان ﷺ می باشد. (البانی: حدیث حسن غریب صحیح).

«به نام پروردگاری که هیچ چیز را در زمین و آسمان یارای ضرر رسانیدن به گوینده‌ی نام او (که نام مبارکش ورد خویش ساخته و کارهایش را با نام او آغاز می‌کند) نیست و او شنوای داناست». این دعا بایستی سه مرتبه تکرار شود.

۶- «بِسْمِ اللَّهِ يُبْرِيكَ وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشْفِيكَ وَمِنْ شَرِّ ۖ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ وَشَرِّ كُلِّ ذِي عَيْنٍ».¹

«با نام و یاد الله از او می‌خواهم که تو را (از آنچه بدان مبتلایی) رهایی بخشد و از هر درد و بلائی شفا داده از شر هر حسود آنگاه که حسد ورزد و شر هر چشم زخم زنده‌ای در امان بدارد».

۷- «بِسْمِ اللَّهِ (ثلاثاً)، أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ، مِنْ شَرِّ مَا أَحَدٌ وَأَحَاذِرُ».² (سبع مرات)

«به نام الله، پناه می‌برم به الله و قدرت (لا یزالش) از گزند آنچه (هم اکنون) با آن مواجه هستم و آنچه ترس دارم (بدان مبتلا گردم)». (در این تعویذ باید سه بار (بسم الله) و هفت بار باقی تعویذ تکرار گردد).

۸- «اللَّهُمَّ اشْفِ عَبْدَكَ وَصَدِّقَ رَسُولِكَ (ﷺ)».³

«بارالهی! (این) بنده‌ی خویش را شفا (و عافیت) عنایت کن و رسول گرامی خود ﷺ را تصدیق (و باور) فرما».

۹- «اللَّهُمَّ اشْفِ عَبْدَكَ يَنْكَأ⁴ لَكَ عَدُوًّا وَيَمْشِي لَكَ إِلَى الصَّلَاةِ».⁵

«بارالهی! بنده‌ی خویش را که برای رضای تو (به میدان نبرد می‌رود تا) دمار از روزگار دشمنت برآورد و صرفاً برای جلب رضایت تو به سوی نماز می‌شتابد شفا (کامل) عنایت فرما».

۱۰- «اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَيْهِ وَأَذْهِبْ عَنْهُ حَرَّ الْعَيْنِ وَبَرِّدْهَا وَوَصِّبْهَا».⁶

«بار الاهی به وی برکت عنایت کن و حرارت (تب) و سرد شدن بدن و همچنین سستی و کسالت حاصل از چشم زخم را از وی زایل کن».

¹- صحیح مسلم (2185)، کتاب السلام، باب الطب و... راوی این حدیث عایشه صدیقہ رضی الله عنها می‌باشد. (الالبانی: اسناد صحیح علی شرط مسلم)

²- همان (2202)، کتاب السلام، باب استحباب وضع یدہ علی موضع الالم. راوی این حدیث از انس رضی الله عنه روایت کرده است. (ترمذی: حسن غیرب)

³- سنن ترمذی (2084)، کتاب الطب، باب کیفیة تبرید الحمی بالماء. راوی حدیث ثوبان رضی الله عنه است.

⁴- ینکا به معنی غلبه یافتن بردشمن و شکست اومی باشد. فیومی: نکات فی العدو نکنا (از باب نفع). نکایه باکسر (ن) به معنی کشتن است.؛ المصباح المنیر (نک ۶).

⁵- سنن ابوداود (3107)، کتاب الجنائز، باب الدعاء للمریض... و راوی حدیث عبداللہ بن عمرو بن عاص رضی الله عنه می‌باشد.

⁶- مسند احمد (447/13) حدیث ش (15700)، مسند مکین و راوی حدیث عبدالله بن عامر است. این حدیث با الفاظی چون (فلیبرکه) نیز وارد شده که حاکم نیز آن را صحیح دانسته و ذہبی هم با او موافقت کرده است.

۱۱- «رَبَّنَا اللَّهُ الَّذِي فِي السَّمَاءِ، تَقَدَّسَ أَسْمُكَ، أَمْرُكَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، كَمَا رَحِمْتِكَ فِي السَّمَاءِ فَأَجْعَلْ رَحْمَتَكَ فِي الْأَرْضِ، إِغْفِرْ لَنَا حُوبَنَا وَخَطَايَانَا، أَنْتَ رَبُّ الطَّيِّبِينَ، أَنْزِلْ رَحْمَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَشِفَاءً مِنْ شِفَائِكَ عَلَيَّ هَذَا الْوَجَعِ، فَيَبْرَأُ».¹ (ثلاث مرات).

«پروردگارا! ای الله که در آسمان ماوی گرفته ای. نام تو پاک و مقدس است و فرمان تو آسمان و زمین را احاطه کرده (و همه مخلوقات تحت سیطره و فرمان تواند). (الهی!) از تو می خواهیم که همانگونه که (دریای) رحمت را در آسمان (بر اهل آن) ارزانی داشته ای همچنان (اهل) زمین را نیز از آن برخوردار نمایی و از گناهان و لغزشهای ما درگذری، همانا تو پروردگار پاکان هستی. (پس) گوشه ای از (دریای) رحمت و شفای خویش را بر این بیمار دردمند سرازیر کن تا از این دردمندی رهایی یابد. (این دعا باید سه مرتبه خوانده شود)».

۱۲- «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَأَمَّةٍ».²

«پناه می برم به کلمات تامه‌ی الهی از گزند شیطان و هر جنبنده‌ی مضر (وزیانبخش) و هر (کسی که دارای) چشم بد (چشم زخم زنده باشد)».

۱۳- «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ».³

«از گزند مخلوقات الله به کلمات تامه‌ی او پناه می برم».

۱۴- «أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ وَبِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ اللَّاتِي لَا يَجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَشَرِّ مَا يَعْرَجُ فِيهَا وَشَرِّ مَا ذَرَا فِي الْأَرْضِ وَشَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ فِتَنِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمَنُ».⁴

«پناه می برم به ذات کریم الهی و به کلمات تامه‌ی او که هیچ کس چه فاجر و چه نیکوکار از آن مستغنی نیست از شر هر آنچه (از زیان و ضرر) که از آسمان فرود آید یا بدان عروج نماید. و (همچنین) از شر آنچه که در زمین

¹- سنن ابوداود (3892)، کتاب الطب، باب کیف الرقی و مسند احمد (21/6) حدیث ش (23957). ابوداود این حدیث را به نقل از ابودرداء و احمد آن را از فضاله بن عبید روایت کرده‌اند.

تذکر: راقی موظف است پس از خواندن این دعا (سه مرتبه) معوذتین (سوره‌ی فلق و ناس) را نیز بلافاصله سه مرتبه قرائت کند و در میان دعا که تقاضای رحمت و شفا از الله می‌کند نام مریض را نیز ببرد و مستقیم برای او طلب بهبودی نماید. این تذکر مبتنی بر روایت منقول توسط امام احمد حنبل بود و ابن قیم این تعویذ را تعویذ الهیه نامیده است.

²- صحیح بخاری (3371)، کتاب احادیث الانبیاء، باب (10). راوی حدیث ابن عباس است.

³- صحیح مسلم (2708)، کتاب الذکر، باب فی العوذ.... راوی حدیث خولنیت حکیم السلمیه است.

⁴- موطا، مالک، (10)، کتاب الشعر، باب ما یومر به من تعوذ و مسند احمد (419/3) حدیث ش (15460) مالک این حدیث را به صورت مرسل روایت کرده و راوی این حدیث در مسند احمد، عبدالرحمن بن جیش است.

خلق شده و شر آنچه از آن برآید و از شر فتنه‌ها و حوادث ناخوشایندی که در شب و روز حادث می‌شود به ذات خداوند و کلمات تامه‌ی او پناه می‌برم. ای خداوند رحمان! (من را یاری کن)»

۱۵- «بِسْمِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونِ».¹

«با نام و یاد الله، از خشم و عذاب الهی و از شر بندگان وی و از شر وساوس و اغواگری‌های شیاطین و از اینکه با آنان (شیاطین) مواجه شوم به کلمات تامه‌ی الهی پناه می‌برم».

۱۶- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَنَّانُ، بَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ».² «بار الهی! (تنها) خواسته‌هایم را نزد تو مطرح می‌کنم، چرا که حمد و ستایش را تنها تو سزایی و جز تو الله ای وجود ندارد. تو آن بخشاینده‌ای هستی که آسمان و زمین را پدید آورده‌ای (و همانا) تو صاحب عظمت و بزرگی هستی ای زنده‌ی پاینده!»

۱۷- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».³

«بار الهی! (تنها) خواسته‌هایم را نزد تو مطرح می‌کنم. همانا گواهی می‌دهم که بی‌تردید تو آن ذاتی هستی که (معبودی) جز تو وجود ندارد. تو یگانه‌ی برآورنده‌ی امیدها و برطرف‌کننده‌ی نیازمندی‌ها هستی که نزاده‌ای و زاده نشده‌ای و همتا و همگونی (نیز) نداری».

۱۸- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ(أَعُوذُ) بِمَعَاذِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا اثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ».⁴

«پروردگارا! از خشم و غضبت به رضا (و خشنود) به تو پناه می‌برم و از عذاب تو به بخشش (و رحمت لایتناهی) به تو پناهنده می‌شوم. (الهی) از (ترس) تو به تو پناه می‌برم. (چرا که این حقیر) نتوانم ثنای تو را آنگونه که شایسته‌ی توست بازگو کنم و (راستی که) تو آنگونه هستی که خود (توصیف و) ثنای خویش گفته‌ای».

۱۹- «بِسْمِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونِ».⁵

¹- سنن ابوداود (3893)، کتاب الطب، بابا: کیف الرقی، راوی حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنه است و نک مسند احمد (181/2) حدیث ش (6696).

²- مسند احمد (158/3) حدیث ش (12638). راوی این حدیث انس بن مالک رضی الله عنه می‌باشد.

³- همان (350/5) حدیث ش (22965) و صحیح ابن حبان (891). ابن حبان این حدیث را از بریده نقل نموده است.

⁴- صحیح مسلم (486)، کتاب الصلاة و ترمذی (3566)، کتاب الدعوات. راوی این حدیث دو صحیح مسلم عایشه و در ترمذی علی رضی الله عنه می‌باشد.

⁵- سنن ابوداود (3893)، کتاب الطب، بابا: کیف الرقی، راوی حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنه است مسند احمد (181/2) حدیث ش (6696).

«با نام و یاد الله، از خشم و عذاب الهی و از شر بندگان وی و از شر وساوس و اغواگری‌های شیاطین و از اینکه با آنان (شیاطین) مواجه شوم به کلمات تامه‌ی الهی پناه می‌برم».

۲۰- «حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ».¹ (سبع مرات)

«الله ذاتی است که هیچ معبودی جز او نیست مرا بسنده است. بر او توکل می‌کنم که او پروردگار عرش عظیم است».
(این دعا باید هفت مرتبه خوانده شود).

۲۱- «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ إِسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي وَنُورَ صَدْرِي وَجَلَاءَ حُزْنِي وَذَهَابَ هَمِّي».²

«بارالهی! من و پدر و مادرم نیز بنده‌ی توایم، سرنوشتم بدست توست و هرآنچه در مورد من حکم کرده‌ای قطعی است (و تحقیق خواهد یافت) و قضاوت و داوری تو در مورد من مبتنی بر عدل (و انصاف) است. (بارالهی!) با تمام اسمای (حسنای) تو و آنچه خود خویش را بدان مسمی نموده‌ای و آنچه از اسماء که (بطور خصوص) به بنده‌ای از بندگان خود آموخته‌ای و اسمای (مبارکی) که در کتاب (جاوید) خویش ذکر نموده یا به عنوان راز آن را جزو علم غیب خویش قرار داده‌ای (اسم غیب) تو را می‌خوانم و از تو می‌خواهم که قرآن را بهار دل و نور سینه‌ام قرار دهی و حزن و اندوه را از من بزدایی».

۲۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ، وَأَهْلِي وَمَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَابِي وَأَمِنْ رُوعَاتِي، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي».³

«بارالهی! در دنیا و آخرت عافیت را نصیبم کن، پروردگارا! از تو عفو (لذت) و عافیت را در مورد (امور) دین و دنیا و اهل و مالم مسالت می‌دارم، الهی! عیوبم ببوشان و آرامش نصیبم کن. الهی مرا (بطور کامل) از جلو و عقب و راست و چپ و از بالا و پایین (از گزند حوادث) حفاظت کن و از اینکه به بلایی ناگهانی مبتلا شوم (خسف شوم) به عظمت تو پناه می‌برم».

¹ - سنن ابوداود (5081)، کتاب الادب، باب ما يقول اذا اصبح. راوی حدیث ابودرداء می‌باشد.

² - مسند أحمد (391/1) حدیث ش (3712) راوی حدیث ابن مسعود رضی الله عنه است. در پایان این حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله به ضرورت یادگیری این دعا تاکید کرده است.

³ - سنن ابوداود (5074) کتاب الادب، باب ما يقول اذا اصبح. راوی حدیث ابن عمر رضی الله عنهما است.

۲۳ - «اللَّهُمَّ بَرِّدْ قَلْبِي بِالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ وَالْمَاءِ الْبَارِدِ، اللَّهُمَّ نَقِّ قَلْبِي مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ».¹

«الهي! دلم را با برف و تگرگ و آب سردخنک گردان، بار الهي قلبم را آنچنان که پارچه‌ی سفید را از آلودگی تطهیر نموده‌ای پاک و مطهر گردان».

۲۴ - «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».²

«بار الهي! بر محمد و آل محمد درود فرست آنگونه که بر ابراهیم و آل او درود فرستادی. همانا تو (پروردگار) ستوده و عالی مرتبه هستی، بار الهي! محمد و آل محمد را بزرگی و کرامت عنایت کن آنگونه که (در میان جهانیان) ابراهیم و آل ابراهیم را (برکت و بزرگی) عنایت فرمودی. همانا تو (پروردگار) ستوده و عالی مقام هستی».

مبحث سوم: احکام و آداب تعویذ و رقیه های مشروع

در این مبحث احکام و آداب تعویذ و رقیه های مشروع طی چهار مطلب بیان می گردد:

مطلب اول: حکم اجرت گرفتن در برابر رقیه و تعویذ

جمهور فقهاء اتفاق به جواز گرفتن اجرت در برابر تعویذ و دم های مشروع دارند، از آنجمله عطاء، وأبوقلابه³، وأبو ثور⁴، وإسحاق⁵، اند که استدلال به حدیث ابوسعید خدری (رضی الله عنه) مینماید که حدیث چنین است

¹ - سنن ترمذی (3547)، کتاب الدعوات، باب دعاء (اللهم برد قلبی ...) راوی این حدیث عبدالله بن ابی اوفی است و ترمذی حدیث مذکور را (حسن صحیح و غریب) دانسته است.

² - بخاری (3370)، کتاب احادیث الانبیاء، باب (10) و مسلم (406) کتاب الصلاة، باب الصلاة علی النبی ﷺ بعد التشهد. راوی این حدیث کعب بن عجره است.

³ - عبدالله بن زید بن عمرو یا عامر بن نائل بن مالک امام شیخ الاسلام، ابوقلابه الجرمی البصری در بصره تولد شده از ضحاک و انس و مالک بن الحویرث و از حذیفه در سنن ابی داوود روایت کرده است ابن سعد در موردش میگوید که ابوقلابه یک شخص ثقه و بود و زیاد احادیث روایت کرده بود علماء در موردش میگویند زمانیکه وفات کرد کتب زیادی را از خود بجا گذاشت دانا ترین شخص در مساله قضاوت بود و لکن بسیار زیاد فرار میکرد از قضاوت بلاخره در سال ۴۰۰ وفات نمود در خلافت عمر بن عبد العزیز. (سیر اعلام النبلاء ج: 4 / ص: 468-469)

⁴ - ابراهیم بن خالد امام حافظ مجتهد مفتی عراق کتبه اش ابو ثور کلیبی بغدادی فقیه و کتبه دیگرش ابو عبدالله است در سال ۱۷۰ تولد شده از سفیان بن عیینه و عبیده بن حمید و وکیع بن جراح و ابی عبدالله شافعی حدیث شنیده و بیشتر از ۷۰ سال و یا زیادتر در سال ۲۴۰ وفات نموده است. (سیر اعلام النبلاء طبقه سیزده هم) ص: ۷۳

⁵ - محمد بن اسحاق بن یسار بن خیار ابو عبدالله قرشی مطلبی صاحب سیرت النبی ابن اسحاق در سال ۸۰ تولد شده و با انس بن مالک در مدینه ملاقات نموده و با سعید ابن مسیب ملاقات نموده و او اولین کسی است ککه علم را در مدینه تدوین کرده است امام شافعی رحمه الله میفرماید: کسیکه میخواهد بحر علم را فرا بگیرد او از ابن اسحاق میتواند فرا بگیرد در مغازی از حافظ ترین مردمان بود در مغازی علامه بود و ابن اسحاق مردی بود که بزرگان اهل علم از و آموخته اند. (سیر اعلام النبلاء طبقه ششم / ص: 34)

: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ أَنَّ نَاسًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- كَانُوا فِي سَفَرٍ فَمَرُّوا بِحَيٍّ مِنْ أَحْيَاءِ الْعَرَبِ فَاسْتَضَافُوهُمْ فَلَمْ يُضَيِّفُوهُمْ. فَقَالُوا لَهُمْ هَلْ فِيكُمْ رَاقٍ فَإِنَّ سَيِّدَ الْحَيِّ لَدَيْغٍ أَوْ مُصَابٍ. فَقَالَ رَجُلٌ مِنْهُمْ نَعَمْ فَأَتَاهُ فَرَاقَاهُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَبَرَأَ الرَّجُلُ فَأَعْطَى قَطِيعًا مِنْ غَنَمِ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا. وَقَالَ حَتَّى أَذْكَرَ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ -صلى الله عليه وسلم-. فَأَتَى النَّبِيَّ -صلى الله عليه وسلم- فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُ. فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَاللَّهِ مَا رَقَيْتُ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ. فَتَبَسَّمَ وَقَالَ « وَمَا أَذْرَاكَ أَنَّهَا رُقِيَّةٌ ». ثُمَّ قَالَ « خُذُوا مِنْهُمْ وَاصْرِبُوا لِي بِسَهْمٍ مَعَكُمْ ».¹

ترجمه: مردمی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم در یک قریه ای از قریه های عرب آمدند مردم آن قریه آنها را اکرام و مهمانی ندادند که در همین وقت گزدمی ملک قوم را گزید و آنها نزد اصحاب کرام آمدند و گفتند آیا باشما دوا یا دم کننده ای است * شخصی از یاران پیامبر گفت: بلی، پس رفت و ملک قوم را توسط سوره فاتحه دم نمود، و آن شخص صحتمند شد سپس آنها یک رمه ای از گوسفند را آوردند ولی آنها امتناع ورزیدند از گرفتن آن مگر اینکه از پیامبر اجازه بگیرند، بعدا صحابه کرام آمدند و این مسأله را نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم یاد آوری کردند و ایشان فرمودند: از کجا دانستی که سوره فاتحه چنین تاثیری دارد؟ و افزود کار خوبی کرده اید آنها را بین خود تقسیم کنید در حالیکه میخندید فرمودند سهم مرا نیز بگذارید .

قطیع عبارت از مجموعه ای از حیوانات است که به تعداد بین ده الی چهل میباشد و یا بین پانزده الی بیست و پنج میباشد و مراد از آن در حدیث سی گوسفند است .

اما در این قول رسول الله صلی الله علیه وسلم (وَمَا أَذْرَاكَ أَنَّهَا رُقِيَّةٌ) در این جا تصریح است به این که سوره فاتحه رقیه است بناء مستحب است که برای دفع امراض خوانده شود .

و در این قسمت از قول رسول الله صلی الله علیه وسلم (خُذُوا مِنْهُمْ وَاصْرِبُوا لِي بِسَهْمٍ مَعَكُمْ) و در این قسمت حدیث تصریح است به جواز گرفتن اجرت در مقابل رقیه و دم انداختن، پس نظر به این حدیث اجرت گرفتن در مقابل دم حلال است ، و کدام کراهیت در آن وجود ندارد، به همین شکل تعلیم قرآن هم جواز دارد.² امام شافعی امام مالک و امام احمد بن حنبل رحمهم الله همه ایشان به همین نظر اند. مگر امام ابوحنیفه رحمه الله که در تعلیم قرآن اجرت را منع کرده است اما در رقیه و دم جواز داده است.³

اما با تأسف بعضی باید گفت که از متأخرین کسانی که دم میاندازد این مسأله را وسیع تر ساخته اند که حتی هدف بعضی ها از این کار فقط بدست آوردن پول شده، و تمام هم و غم ایشان پول است به همین سبب است که

¹- صحیح مسلم/ج:7/ص:19/

²- عمدة القاري شرح صحيح البخاري المؤلف: بدر الدين العيني الحنفی/باب: الشرط في الرقية بقطيع من الغنم/31: ص:360

³- الرقية من الجان ومن عين الإنسان مؤلف: عادل محيي الدين نصار/ص:35-37/

دم های بسیاری از دم کننده گان تاثیری ندارد وفایده برآن مرتب نمی شود، اما اگر دم شونده خودش چیزی میدهد علماء درگرفتن آن مشکل نمی بینند، قسمیکه درحدیث فوق به نظر می خورد .

وامام طحاوی¹ استدلال مینمایند به جواز گرفتن اجرت درمقابل دم ورقیه چراکه هرکس نمیتواند یکی دیگر خود را دم نمایند، از سوی دیگر رقیه شرعی وسیله ی برای تبلیغ دین ودعوت به آن نیز میباشد، وامام زهری رحمه الله گرفتن اجرت را مطلقا مکروه میدانند برابر است که درمقابل تعلیم قرآن باشد ویا دربرابر دم ودعاء وتعویذ.²

مطلب دوم: حکم کتابت و آویختن تعویذ ورقیه های مشروع

دین مبین اسلام به هدف حفظ سلامتی عقیده و اندیشه مسلمانان وتحکیم روابط شان با الله همواره به توکل واعتماد برالله تاکید نموده، و همواره توصیه نموده تا هنگام احساس خطر، و یا نگران شدن درمورد چیزی تنها به ذات واحد و یکتا، پروردگار قادر و توانا رجوع والتجأ نموده، خالصانه، و مخلصانه به ذات وی روی آورند، چنانچه الله متعال درخطاب به پیامبرش فرموده است: { وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ }³

ترجمه: اگر الله متعال برای امتحان برای امتحان یا کیفر گناه زیانی به توراوند هیچکس جز او آن را برطرف نمی سازد، و اگر اراده خیری برتو کند هیچ کسی مانع فضل او شده نمیتواند، آن را به هرکس ازبنده گانش بخواهد میرساند و او غفور ورحیم است .

ورسول الله صلی الله علیه وسلم درخطاب به پسر کاکایش عبد الله بن عباس رضی الله عنهما درضمن یک توصیه بسیارمهم وجامع فرمودند: "إذا سألت فاسأل الله وإذا استعنت فاستعن بالله"⁴
ترجمه: اگر چیزی میخواهی از الله بخواه، و اگر یاری میخواهی از الله بجو .

¹ - امام طحاوی یکی از جمله علمای اهل سنت وجماعت است که ایشان بیشتر باکتاب ارزشمند ومشهور شان "عقیده طحاویة" شهرت دارند ، منسوب به طحاء روستایی از روستا های صعيد مصر است، از بزرگترین قبایل عرب ومشهورترین آنها میباشد طحاوی درخانواده علم وفصل بزرگ شده که درسال ۳۲۱ قمری وفات نموده است . (سایت اسلام سوال وجواب)

² - الموسوعة الفقهية الكويتية/ج:13/ص:23/

³ -سورة یونس آیت:۱۰۷

⁴ - الجامع الصحیح سنن الترمذی المؤلف : محمد بن عیسی أبو عیسی الترمذی المسلمی / ج:۴/ص: ۶۶۷/آلبانی : این حدیث را صحیح دانسته است . الناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت تحقیق : أحمد محمد شاکر وآخرون

در مورد کتابت و آویختن تعویذ در موسوعه فقهی هم چنین بیان شده است، اگر چیز آویخته شده مهره، و یا تار، و یا استخوان و یا امثال آن باشد پس آن حرام است نظر به این قول رسول الله صلی الله علیه وسلم که فرمودند: " مَنْ تَعَلَّقَ شَيْئًا وَكُلَّ إِلَيْهِ " ¹

ترجمه: کسیکه آویزان کرد بر خود چیزی را بر همان چیز سپرده میشود. همچنان چیز آویخته شده اگر در آن چیزهای مجهول و الفاظ ممنوعه باشد آن هم حرام است.

نظر به این قول رسول الله صلی الله علیه وسلم که فرمودند: " مَنْ تَعَلَّقَ تَمِيمَةً فَلَا أْتَمَّ اللَّهُ لَهُ ، وَمَنْ تَعَلَّقَ وَدَعَةً فَلَا وَدَعَ اللَّهُ لَهُ " ²

ترجمه: کسیکه چیزی را به غرض تمام شدن کارش آویزان کند الله کارش را تمام نکند. اما آنچه که آویخته میشود اگر در آن دعاها قرآنی و دعاهاي مأثوره نوشته شده باشد پس در مورد جواز آن علماء اختلاف دارند.

تعدادی از علماء نظرشان اینست که چنین تعویذها که از دعا های قرآنی و دعاهاييکه در سنت نبوي ذکر شده است، ترتیب و برآن مشمول باشد جواز دارد، و در این زمینه به قول عبدالله بن عمرو بن العاص، و روایت عائشه رضي الله عنها، به حدیث که در آن نهی از تمائم آمده است استدلال میکنند و همچنان این نظر ابو جعفر ³ و یک روایت از امام احمد رحمه الله نیز است.

وظائف دیگری از علماء میگویند: نوشتن دعا های قرآنی و دعاهاييکه در احادیث نبوي هم ثابت است جواز ندارد، و این نظر حذیفه و عقبه بن عامر و بن حکیم رضي الله عنهم اجمعین است و همچنان جمعی از تابعین هم مانند: اصحاب عبدالله ابن مسعود رضي الله عنه و ابراهیم نخعی ⁴ میگویند: که اصحاب ابن مسعود رضي الله عنه نوشتن تعویذ و تومار را به هر نوع ایکه باشد ولو اینکه از قرآن باشد، و یا غیر از آن مکروه میدانستند، و امام احمد

¹ - حدیث: " من تعلق شینا وکل إليه " تخریج کرده امام أحمد (310 / 4 ط المیمیة) از حدیث عبد الله بن حکیم رضي الله عنه به شکل مرسل . و تخریج کرده النسائي (7 / 112 ط المكتبة التجارية) از حدیث أبي هريرة رضي الله عنه ، و اسناد هر دو آنان یکی دیگرش را قوی میکند. و ابن مفلح في الآداب الشرعية (78 / 3 ط المنار) این حدیث را حسن گفته است . .

² - مسند امام أحمد / ج: 4 / ص: 154 /

³ - ابو جعفر محمد بن علی بن حسن بن علی علوی فاطمی مدنی پسر زین العابدین در سال ۹۵ تولد شده در زنده گی عایشه و ابی هریره نظر به تاریخ ایکه احمد بن البرقی ذکر کرده است امام مفسر مجتهد و زیاد تلاوت کننده کتاب الله بود در علم داشتن به قرآن و در فقه به درجه ابی زناد، و این امام سالم و دور از آنچه بود که اهل تشیع امروزی به آن معتقدند، حتی بعضی علماء او را از فقهای تابعین در مدینه شمرده اند. (سیر الأعلام النبلاء الطبقة الثانية / ج: ۴ / ص: ۴۰۲)

⁴ - امام حافظ و فقیه عراق ابو عمران ابراهیم بن یزید بن قیس بن الأسود بن عمرو بن ربیع بن ذهل بن سعد بن مالک النخعی یمنی و کوفی و در طفولیت عائشه رضي الله عنها رادیده ولی از حدیث نشنیده است، مفتی اهل کوفه بود او و شعبی در زمان خود و یک مرد صالح و فقیه و باتقوا بود و مرجئه را زیاد بد میدید و در سن ۴۹ ساله گی وفات کرد. (سیر الأعلام النبلاء الطبقة الثانية)

رحمه الله هم آنرا مکروه دانسته است، و در یک روایتی از ایشان آمده است که بسیاری از اصحاب اش آنرا ترجیح میدهند و متاخرین به صراحت بیان نموده اند، و برعموم نهی تعویذ و تومار عمل میکنند بخاطر سد زرائع بخاطریکه تعلیق و آویزان کردن دعاها ورقیه های قرآنی و احادیث نبوی سبب این میشود که دیگر دعاهای غیر آن نیز نوشته و آویخته شود، زیرا زمانیکه آویخته شد پس لازم است که شخص ایکه آنرا آویخته است اهتمام و توجه زیاد به آن و برحمل آن در وقت رفتن به قضای حاجت و وقت استنجاء و مانند آن بکند و مواظب آن باشد پس نظر به آراء علماء ترک آویزان نمودن تعویذ، ولوکه در آن آیات و احادیث نوشته شده باشد بهتر است، و بهتر و راجح تر اینست که این آیات بالای مریض خوانده و دم کرده شود.

اما عده ای از علماء دیگر که جواز میدهند آویزان کردن تعویذ را به اساس مراعات شروط ذیل جواز میدهند:

۱- أَنْ يَكُونَ فِي قَصَبَةٍ أَوْ رُقْعَةٍ يُحْرَزُ فِيهَا . واینکه درکدام تخته و یا چوب چیزی نوشته شده باشد و یا در ورق ایکه در آن حکاکی شده باشد و یا درکدام چیز نقش شده باشد .

۲- اینکه آنچه نوشته شده است از آیات قرآن و دعاهای مأثور باشد.

۳- اینکه در هنگام رفتن برقضای حاجت و یا هنگام جماع نمودن باید این نوشته را از خود دور نماید.

۴- اجتناب از آویختن آن قبل از وقوع بلا و مصیبت و بخاطر دفع بلا، و نه اینکه بخاطر دفع چشم زده گی قبل از مصاب شدن به آن از عائشة رضی الله عنها روایت است که فرمودند: "مَا تَعَلَّقَ بَعْدَ نَزُولِ الْبَلَاءِ فَلَيْسَ مِنَ التَّمَائِمِ"¹

ترجمه: آنچه که آویزان کرده میشود بعد از وقوع مصیبت پس او از جمله تائم نیست.²

پس با در نظر داشت آیت وحدیث و نظریات علماء که در بالا ذکر شد پناه بردن و روی آوردن به هرگونه حلقه های فلزی، و معدنی، و یا چهل بندها، و بازو بندها که مشابهت به اهل هنود دارد، هم چنان آویزان نمودن مهره ها، و خر مهره ها درخانه، و موتر، و یا در دست و بازو با بینش عقیده توحیدی در تضاد کامل قرار داشته و شرعا حرام پنداشته میشود؛ زیراکه الله متعال آنها را برای دور کردن بیماری بعد از وقوعش، و یا وقایه از بیماری

¹- تفسیر القرطبی 10 / 319 ، 320 ، 258 / 20 .

²- الدین الخاص لصدیق حسن خان 2 / 236 مطبعة المدنی بالقاهرة

قبل از وقوعش، وضع و معرفی ننموده است پس با توجه به اضرار و مفسد روی آوردن به این خرافات می‌خواهم چند دلیلی از دلایل حرمت این اعمال و خرافات را بیان نمایم که قرار ذیل :

۱- تضاد و رو آوردن به این خرافات با آیات قرآنی

دلیل اول حرمت روی آوردن به این خرافات همانا تضاد آنها با آیات صریح قرآنی است، طوریکه الله متعال در آیات متعدد قرآنی برطرف کننده هر نوع ضرر و زیان، و دور کننده هر نوع رنج و مشقت، و برآورده سازنده هر نوع خواست و حاجت تنها ذات خودش را معرفی نموده فرموده است: { وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ }¹

ترجمه: اگر الله زبانی به تو برساند هیچکس جز او نمیتواند آن را برطرف سازد و اگر خیری به تو برساند او بر همه چیز تواناست .

و نیز فرموده است: { وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ }²

ترجمه: اگر الله متعال برای امتحان برای امتحان یا کیفر گناه زبانی به تو برساند هیچکس جز او آن را برطرف نمی سازد، و اگر اراده خیری بر تو کند هیچ کسی مانع فضل او شده نمیتواند، آن را به هرکس از بنده گانش بخواهد میرساند او غفور و رحیم است .

و نیز فرموده است: { وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجَاوَزُونَ }³

ترجمه: آنچه از نعمت ها دارید همه از جانب الله است سپس هنگامی که ناراحتیها به شما می رسد او را می خوانید .

آیات مبارکه فوق صراحت دارد بر اینکه هر نوع ضرر و زیان را تنها الله متعال برطرف می سازد، و تنها الله متعال ذاتی است که به غرض کسب و استحصال هر نوع خیر و برکت و دفع هر نوع ضرر به وی باید رجوع شود چون الله متعال قادر و توانا بر هر چیز است، لذا با سبب و یا بدون سبب هر مشکل را برطرف و هر حاجت را بر آورده میسازد

۲- امر به قطع و بریدن هر نوع تار و حلقه های مخصوص

دلیل دوم حرمت بست و آویزان نمودن این حلقه ها همانا توصیه پیامبر صلی الله علیه و سلم به قطع و بریدن آن تار ها، و حلقه هایی است که برخی ها در گذشته از ترس نظر بد و یا کدام مرض و دفع مشکل دیگر در دست و

1- سوره نحل آیت: ۱۷

2- سوره یونس آیت: ۱۰۷

3- سوره نحل آیت: ۵۳

بازوی خویش و یا گردنهای حیوانات آویزان می نمودند چنانچه در حدیث عمران بن حصین رضی الله عنه آمده است میگوید: **أَنَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبْصَرَ عَلَى عَضُدِ رَجُلٍ حَلَقَةً - أَرَاهُ قَالَ مِنْ صُفْرٍ - فَقَالَ : وَيْحَكَ مَا هَذِهِ ؟ قَالَ : مِنَ الْوَاهِنَةِ . قَالَ أَمَا إِنَّهَا لَا تَزِيدُكَ إِلَّا وَهْنًا ، أَنْبِذْهَا عَنْكَ فَإِنَّكَ لَوْ مِتَّ وَهِيَ عَلَيْكَ مَا أَفْلَحْتَ أَبَدًا.**¹

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه وسلم در بازوی یک مرد یک حلقه ای مسی را دید گفت: وای بر تو این چیست؟ گفت: بخاطر ضعف وسستی است، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: که این حلقه و یا تار برایت جز سستی چیزی را اضافه نمیکند از خود دورش کن اگر بمیری در حالیکه این به بازویت باشد هیچگاهی کامیاب نمیشوی.

این عثیمین رحمه الله در تفسیر " لا یزیدک إلا وهنا " میگوید: منظور از ضعف وسستی که در اثر آویزان نمودن اینگونه تارها بر آویزان کننده عارض میگردد، ضعف روحی و روانی است نه ضعف جسمی، اما ضعف جسمی را نیز نمیتوان رد کرد؛ زیرا زمانیکه تعلق و ارتباط انسان با اینگونه تارها قائم گردد نفس و روح انسان ضعیف گردیده و انسان زمانیکه اعتماد به چنین اسباب مینماید این خود سبب میشود که اعتماد انسان نسبت به الله ضعیف شده که در نتیجه گاهی ک انسان صحتمند و تندرست خود را مریض تصور نموده بلاخره مریض میشود؛ لذا دیده شده است که مبتلا شدن بعضی از اشخاص به امراض روانی همانا ضعف و ناتوانی نفسی آنهاست که خود را مریض گمان میکنند وهمین وهم وگمان به مرور زمان به حقیقت تبدیل میشود.²

۳- شرک بودن این اعمال

دلیل بر حرمت بستن و آویزان نمودن این گونه تارها احادیث متعددی است که در آنها این گونه اعمال شرک خوانده شده است، و بدون شک شرک با تمام انواع و اشکال آنچه اکبر باشد یا اصغر خفی باشد یا جلی یک عمل حرام و نامشروع است چنانچه در مسند امام احمد بن حنبل از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت شده که گفته است: **" أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أقبل إليه رهط فبايع تسعة وأمسك عن واحد فقالوا يا رسول الله بايعت تسعة وتركت هذا قال أن عليه تميمة فادخل يده فقطعها فبايعه وقال من علق تميمة فقد أشرك"**³

¹ - حدیث: " أنه صلى الله عليه وسلم أبصر على عضد رجل حلقة . . . " به تخریج أحمد (4 / 445 ط المیمنية) و ابن حجر در اسنادش علت بیان کرده در التهذیب (10 / 29 ط دائرة المعارف العثمانية) .

² - القول المفید علی کتاب التوحید المؤلف : محمد بن صالح العثیمین / ۱ / ۱۶۹

³ - مسند الإمام أحمد بن حنبل المؤلف : أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني / ج: ۴ / ص: ۱۵۶ الناشر : مؤسسة قرطبة - القاهرة عدد الأجزاء : 6

یعنی جمعی از مردم نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند که رسول الله صلی الله علیه وسلم با نه تن ایشان بیعت نمودن اما از بیعت با یکی از ابا و رزیدند ایشان سوال نموده گفتند ای رسول الله علت چیست؟ که با نه تن بیعت نمودید و از بیعت نمودن با یکی ابا و رزیدید؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم در جواب فرمودن در بدن این یکی تمیمه بود آن شخص دستس را داخل نموده آن تمیمه را قطع نموده همان بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم با وی بیعت نمود و فرمود کسیکه در طلب خیر و دفع ضرر له تمیمه (حرز، و طلسم) ایکه دل بندد او با الله شریک آورده است.

هم چنان در روایت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « إِنَّ الرُّقَى وَالتَّمَائِمَ وَالتَّوَلَةَ شِرْكٌ »¹

یعنی: رقیه (دم و دعا های جاهلی) تمانم و توله (تمار دلگرمی و محبت) شرک است. تمانم قسمیکه در تعریف اش گذشت عبارت از دانه ها و مهره های گوناگون است که از آنها تسبیح یا گردنبند میساختند.

از تعدادی اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است که به غرض انکار منکر به قطع و بریدن چنین تارها پرداخته اند و آن هارا نوعی از شرک دانسته اند.

۴- کثرت اضرار و مفسد چنین اعمال

دلیل چهارم حرمت آویزان نمودن چنین تارها و حلقه ها، کثرت اضرار و مفسد آنها است که نمونه های بارز آن در شماره بعد ذکر میشود.

۵- تضاد اعمال فوق با عقیده توکل:

دلیل دیگر حرمت اینگونه اعمال با عقیده توکل و اعتماد بر الله که یکی از مهمترین وسائل تقرب به الله متعال است در تضاد قرار دارد؛ زیرا توکل عارت از اعتماد کامل بر الله با بکار بردن اسباب جلب کننده خیر و دفع کننده شر و این تارها و حلقه ها نه اسباب شرعی انی و نه هم طبیعی، پس روی آوردن به اشیاء موهوم و خیالی با عقیده توکل هیچگونه سازگاری ندارد.

پس از دلایل فوق حقائق ذیل واضح میگردد:

¹ - سنن أبي داود المؤلف: أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني/ ج: ٤/ ص: ١١/ قال شعيب الأرنؤوط: رجاله ثقات رجال الصحيح الناشر: دار الكتاب العربي

۱- بستن و آویزان نمودن تارها و حلقه های مخصوص به غرض حصول شفاء و دفع امراض یک عمل حرام و نامشروع است .

۲- دلیل بارز حرمت اعمال فوق شرک بودن و یا به شرک کشیدن آنها بوده است، اما در مورد نوعیت این شرک باید گفت که اگر آویزان کننده آنها را مؤثر بالذات باور نماید پس این شرک اکبر است که سبب خروج انسان از دین میشود، و اگر مؤثر بالذات نداند که اکثریت مردم نیز در اثر جهل و نادانی آنرا مؤثر بالذات ندانسته بلکه سبب حصول شفاء میدانند پس این گونه اعمال شرک اصغر بوده به دلیل اینکه با عمل مشرکین مشابهت پیدا میکند .

۳- از احادیث و دلایل فوق واضح گردید که پیامبر اسلام به غرض توحید و حفاظت از عقاید مسلمانان نه تنها از شرک بلکه از اعمال و وسائل شرک نیز منع نموده است .¹

۴- آنچه را که عبد الله بن مسعود و حذیفه بن یمان رضی الله عنهما انجام دادند دلیل بارز بر قاطعیت اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم است که آنها در برابر منکر ولو که مرتکب آن نزدیک ترین فرد به آنها نیز باشد سکوت ننموده بلکه حکم شرعی را در مورد آن بصورت قاطع بیان می کردند.²

مطلب سوم: آداب رقیه کننده و تعویذ دهنده

این ارشادات و آداب عام است که رقیه کننده باید آنرا در وقت دم اداختن رعایت نماید:

۱- دم کننده و دم شونده هر دو باید بر طهارت کامل از حدث اکبر و اصغر باشند.

۲- در صورت امکان روبه قبله در وقت دم کردن بنشیند .

۳- لازم است که دم کننده و دم شونده بر آیات و نصوص رقیه هنگام قرائت و سماع آن تدبر و تفکر نمایند، پس دم کننده باید زمانیکه آیات را میخواند باید تفکر و تدبر در معانی آن داشته باشد، و به همین شکل دم شونده هم کوشش نماید که تدبر در معانی آیات نماید، و فایده اش هم اینست که سبب حضور قلبی هر دو در هنگام تلاوت و پی بردن به بزرگی الله سبحانه و پناه بردن به وی و طلب استعانت از الله متعال میشود .

1- التمانم في الميزان العقيدة مؤلف: د.علي بن نفيح العلياني /ص: 11-44) مصدر هذه المادّة الكتبيات الإسلامية /دار الوطن للنشر

2- حرمت بستن و آویزان نمودن تارها و حلقه ها و و جوب قطع آنها مؤلف دكتور عبد الباري "حمیدی" ص/2-8

۴- در اثنای قرائت قرآن کریم دم یا چف نمودن بر مریض ضروری میباشد و اگر بعد از قرائت ترک هم نمود مشکل نیست اما در وقت قرائت نباید آنرا ترک نماید.

۵- بهتر است که دست راست در وقت قرائت برپیشانی مریض بگذارد، و یا در صورت امکان به جای درد گذاشته شود، با توجه به نظر داشت اینکه مس و لمس کردن زنان نامحرم جواز ندارد .

۶- و همچنان بهتر است که قرائت به صدای معتدل درگوش راست و یا چپ مریض صورت گیرد.

۷- هنگام قرائت آیات رقیه بر مریض بعضی اثرات مشاهده میشود پس میتواند آن آیات را سه یا پنج یا هفت بار تکرار کند، و یابیشتر ازین عدد نظر به حاجت که در زمینه احساس میشود، چونکه کثرت دعاء و ذکر سبب رحمت و فضل بیشتر الله متعال میگردد .

۸- اینکه دم کننده به نیت نفع رساندن به برادر مسلمانش و محبت ایمانی با او چنین کاری نماید به این امید که الله سبحانه به واسطه همین دم و دعاء مریض را شفا بدهد، و یا علی الاقل مرض اش تخفیف یابد، و به امید هدایت یافتن وی به راه راست و شرعی تاز از شر شیطان نجات پیدا کند چون شیطان همیشه تلاش دارد که مسلمان را از راه راست، تقوی و استقامت دور نماید، و به فساد اعتقادی بکشاند، و این یک مسأله بسیار مهم است، به این اساس به دم کننده لازم است که توجه به چنین مسائل داشته باشد، اینکه رسالت اساسی مسلمان دعوت به سوی الله میباشد که الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم چنین میفرماید: { قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي }^۱

ترجمه: بگو این راه من است که من (مردمان را) با آگاهی و بینش بسوی الله میخوانم و پیروان من هم (چنین میباشند).

به این اساس مسلمان در حقیقت دعوتگر میباشد، پس بهتر و اولی همین است زمانیکه دم ورقیه را شروع میکند در قلبش با این دو نیت آغاز کند، شفا و هدایت، و همچنان کوشش به آزار و اذیت جن ایکه در وجود مریض قرار گرفته است نکند، مگر در صورتیکه سرکشی می کرد و مریضی را ترک نمی کرد^۲.

^۱ - سوره یوسف آیت: ۱۰۸

^۲ - الرقية الشرعية دراسة تحليلية مؤلف: رميته عبدالحميد / ص: ۴۰

۹- با در نظر داشت ورعایت لفظ مناسب رقيه ودم در وقت دم انداختن وقرائت نمودن مثلاً: بگويد (أرقى نفسي) خودم را دم مينمايم ويا (أرقيك) دم ات ميناندازم ويا (أرقيك) دم ميناندازم ويا (أرقيكم)، وبه همين قسم مطابق به حال متكلم، مذكر، مؤنث، جمع، وغيره .

۱۰- دوام دادن رقيه به مدت يك هفته كامل، يا كمتر ويا بيشتتر به همين شكل مطابق حال مريض ووضيعت اش براي علاج تا اينكه شفاء كامل بدهد الله متعال برايش .

۱۱- به قدر امكان دم كننده بايد دعا ها ورقيه ها را مختصر كند قسميكه آيات معين را انتخاب كند كه مناسب حالت مريض باشد، ويا اينكه آيات شفا را به مراحل متعدد تقسيم نموده دم نمايد تاكه مريض شفای كامل بيايد.

۱۲- وهمچنان به قدر امكان دم كننده كوشش كند كه توسط آيات قرآنی دم نمايد ويا توسط مأثورات ولكن بهتر اينست كه بين هردو جمع كند .

۱۳- وبه قدر امكان كوشش كند كه ادعیه و مأثورات را جهرا و با صدای بلند بخواند و همچنان ميتواند با سری و خفيه بخواند، اما به صورت جهري و صدای بلند بهتر واولی میباشد بخاطر اينكه دم شونده زمانيكه ميشنود در حضور قرار ميگيرد و تاثير دم ورقيه و نفع گرفتن از آن زيادتر ميشود.¹

مطلب چهارم: شروط ي راکه بیمار باید مراعات نماید

چندی از عواملی هستند كه اگر بیمار بدان التزام داشته باشد به اذن الهی به اسرع وقت درمان می یابند، كه ميتوان آنها را قرار ذیل توضیح داد:

۱- پابندی بر ادای عبادات در سر وقت و شركت در نمازهای جماعت بويژه نمازهای صبح كه رسول الله صلى الله عليه وسلم پيرامون آن فرموده است: «من صَلَّى الصبح فهو في ذمة الله»² «هر آنكس كه نماز صبح را بخواند در ذمه ی الهی خواهد بود (و الله متعال خود حفاظت از او را به عهده خواهد گرفت).» همچنين رسول الله صلى الله عليه وسلم فرموده است: «من صَلَّى الصبح في جماعة فكأنما صَلَّى الليل كُلَّهُ»³ «هر كس نماز صبح با جماعت بخواند گویی تمام شب را نماز خوانده است.»

¹ - ارق نفسك وأهلك بنفسك مؤلف: د. خالد بن عبدالرحمن الجريسي /تقديم العلامة الشيخ د. عبدالله بن عبدالرحمن الجبرين/ص: 39_43

² - صحيح مسلم (657)، كتاب المساجد، باب فضل صلاة العشاء الصبح في الجماعة. اين حديث را جندب بن عبدالله القسري روايت کرده است.

³ - صحيح مسلم (656). اين حديث را عثمان بن عفان رضي الله عنه روايت کرده است.

۲- اینکه ابتدا شخص بیمار خود از رقیه (تعویذ) شرعی برای علاج بیماری خویش کارگیرد. چراکه تعویذ یک شخص بیش از تعویذی که توسط دیگران برای او کار گرفته می‌شود برای او مفید است و بر او اثر می‌گذارد زیرا رقیه دعا است و دعای یک شخص برای خودش بیش از دعای دیگران برای وی مورد قبول (درگاه الهی) قرار می‌گیرد. بخصوص در عصر حاضر که بسیار افراد کم مخلص وجود دارند که به تعویذ و رقیه می‌پردازند.

۳- اگر بیمار به علت وخیم بودن حالت خود توانایی رقیه کردن خویش را نداشته باشد یا قبلاً بطور مختصر به رقیه‌ی خویش همت گمارده باشد و اکنون دوست داشته باشد بر آیات و اورادی که برای رقیه‌ی خویش خوانده است بیفزاید ضروری است که رقاتی مخلص را که دارای عقایدی راسخ و در میان مردم به صلاح و نیکوکاری مشهور و معروف اند انتخاب نماید و شدیداً از دنباله روی ساحرین و شعبده بازان پرهیز کند بدون شک الله سبحانه و تعالی (که درد را آفریده) درمان را (نیز) برای بندگان خویش خلق نموده اما بدون شک شفای آن‌ها را در آنچه بر ایشان حرام گردانیده قرار نداده است. بنابراین چون سحر و شعبده بازی در شرع حرام قرار داده شده پس درمان و علاجی نیز در آن وجود ندارد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ شِفَاءَكُمْ فِي حَرَامٍ»¹

ترجمه: الله متعال شفا (و درمان) شما را در چیزهای حرام قرار نداده است.

۴- اینکه رقیه (تعویذ) شرعی توسط افرادی نیکو سیرت و پر استقامت در دین که خویشان را از محرمات دور داشته است انجام گیرد. ضمن اینکه شخص راقی باید یقین داشته باشد که الله متعال است که شفا می‌دهد و شفا دادن تنها در صلاحیت ذات اوست. چنانچه قبلاً نیز متذکر شدیم رقیه از جنس دعاست و زمانی که راقی آیات یا ادعیه‌ای را برای درمان خویش یا دیگری می‌خواند ضروری است که اعتقاد راسخ داشته باشد که درمان و شفای مریض تنها با خواست الهی انجام می‌گیرد، به این معنی که شخص راقی شفا و علاج را فقط نتیجه‌ی تجربیات و تخصص خویش نپندارد. چنانچه راقی (فریفته‌ی تجربه‌ی خویش گردد یا) در نتیجه دادن و کارآمد بودن رقیه شک کند که در این صورت رقیه شرعی نتیجه نتیجه‌ی مطلوبی نخواهد داشت.

۵- اینکه با تاسی و اقتدا از رسول الله صلی الله علیه وسلم مصرانه و عاجزانه² خواسته‌ی خویش را در محضر الهی مطرح کند و یقین داشته باشد که الله دعای وی را اجابت خواهد کرد، چرا که خود در کلام جاوید خویش

1- این حدیث را ابن حبان شماره‌ی (1391) نقل کرده است. راوی این حدیث ام سلمه است.

2- صحیح بخاری (6391)، کتاب الدعوات و مسلم (2189)، کتاب السلام، باب السحر.

فرموده است: (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ لِلَّهِ أَقَلُّ مَعَ اللَّهِ قَلِيلٌ ۗ مَا تَذَكَّرُونَ ۖ) (۶۲) ^۱.

ترجمه: «(آیا بت‌ها بهترند) یا کسی که به فریاد در مانده می‌رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می‌کند هرگاه او را به کمک طلبد و شما (انسان‌ها) را جانشین (یکدیگر در) زمین می‌سازد. آیا معبودی با الله هست؟! واقعاً شما بسیار کم اندرز می‌گیرید.»

همچنین شایسته است دعا و (تعویذ) در اوقاتی خاص که اجابت دعا در آن زودتر و بهتر صورت می‌گیرد انجام گیرد. مناسب‌ترین اوقات برای دعا کردن عبارتند از:

۱- ثلث اخیر شب ^۲ (پس از نیمه شب).

۲- ساعت‌های پایانی روز جمعه ^۳ (کمی قبل از غروب آفتاب).

۳- در هنگام سجود ^۴ و غیره.

۶- پایبندی بر اینکه کسب (و درآمد) او از راه حلال باشد. رسول کریم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«أَطْبَ مَطْعَمَكَ تَكُنْ مُسْتَجَابَ الدَّعْوَةِ» ^۵ از راه پاک و حلال ارتزاق کن تا دعایت مستجاب شود (و مستجاب الدعوة گردی). همچنین رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا

^۱ - سورة النمل آیت: ۶۲

۲- روایت شده که رسول کریم ﷺ فرموده است: «الله متعال هر شب به آسمان دنیا می‌آید و وقتی ثلث اخیر شب فرا می‌رسد ندا می‌کند؛ آیا کسی هست که دعایی کند و من دعایش را اجابت نمایم؟ آیا کسی هست که از من مطالبه‌ی چیزی کند و من (مطلوب وی را) به او عطا کنم؟ آیا کسی هست که طلب مغفرت کند تا من گناهان وی را ببامرزم؟» صحیح بخاری (1145)، کتاب التهجید باب الدعاء و الصلاة من آخر الليل و مسلم (758)، کتاب صلاة المسافرين و قصرها، باب الترغیب فی الدعاء... این حدیث متفق علیه است.

۳- نقل شده که رسول الله ﷺ فرموده است: «در روز جمعه ساعتی وجود دارد که چنانچه بنده‌ی مسلمان در این ساعت (توفیق پیدا کند) در حال نماز باشد و در همان حال از الله متعال چیزی را مطالبه کند هر آینه الله خواسته‌ی وی اجابت خواهد کرد». صحیح بخاری (935)، کتاب الجمعة، باب الساعة التي في يوم الجمعة و مسلم (852)، کتاب الجمعة، باب في الساعة التي في يوم الجمعة. اینکه در متن اشاره شد که آخرین ساعت روز جمعه که بعد از عصر و کمی قبل از غروب آفتاب می‌باشد از ساعات اختصاص داده شده برای اجابت دعا می‌باشد در واقع راجح‌ترین قولی است که از بسیاری از سلف صالح نقل شده است. اکثر احادیث نیز حاکی از همین قول است. نک؛ زادالمعاد، ابن قیم، (131/1).

۴- الله متعال می‌فرماید: (كَلَّا لَا تَتَّعَمَّرُهَا وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۝۱۹) [العلق، 19] «هرگز! هرگز! از او اطاعت مکن و سجده بپوش (و بدین وسیله به الله) نزدیک شو». همچنین نقل شده که رسول الله ﷺ فرموده است: «انسان مومن وقتی در سجده است در واقع بیش از هر وقت به پروردگار خویش نزدیک است. لذا در این موقعیت بر دعاهای خویش بیفزائید (و تا می‌توانید در این حالت دعا کنید)». مسلم (482)، کتاب الصلاة، باب ما يقال فی الركوع و السجود. راوی این حدیث ابوهریره (رضی الله عنه) می‌باشد.

۵- المعجم الأوسط، طبرانی (255/7)، حدیث شماره‌ی (6491). مسلم نیز حدیثی مشابه با آن روایت کرده است.

طَيِّبًا... ثم ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ، أَشَعَثَ أُغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ: يَا رَبِّ، يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ وَغُدِّي بِالْحَرَامِ فَأَنِّي يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ؟!»¹. «هان ای مردم! همانا الله پاک (و مطهر) است و جز پاکی را نمی پذیرد.... سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم ادامه داد؛ چه بسا اتفاق می افتد فردی در یک سفر طولانی با موهای ژولیده و در حالی که غبار سفر بر بدنش هویداست دست‌ها را به سوی آسمان دراز کرد و دعا می کند؛ پروردگارا! پروردگارا! (اما هرچه دعا می کند الله دعایش را اجابت نمی کند) چنین کسی که از راه حرام ارتزاق نموده و لباس او حرام و غذایی که خورده نیز حرام است چگونه (انتظار دارد) دعایش اجابت شود.».

۷- پایبندی بر تلاوت سوره‌ی مبارکه‌ی بقره. بی تردید این سوره تعویذی عظیم است، چرا که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «اقرووا سورة البقرة؛ فإن أخذها بركة وتركها حسرة ولا تستطيعها البطلة».² «سوره‌ی بقره را تلاوت کنید، همانا (پایبندی به) تلاوت آن برکت و ترک تلاوتش موجب (خسران و) حسرت است. (از جمله ویژگی‌های این سوره آن است که) ساحران (جادوگران) در مقابل آن عاجزند (و نمی توانند قدرت نمایی کنند).» از دیگر برکات و فواید این سوره‌ی مبارکه آن است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم فرموده است: «إن الشيطان ينفر من البيت الذي تقرأ فيه سورة البقرة».³ «همانا شیطان از خانه‌ای که سوره‌ی بقره در آن تلاوت شود فرار میکند.» (استفاده بردن از سوره‌ی بقره به عنوان یک تعویذ شرعی بسیار آسان است). شخص مریض خود می تواند این سوره را بخواند یا (تقاضا کند) شخصی دیگر این سوره را بر او تلاوت کند. همچنین اگر تلاوت این سوره‌ی مبارکه بوسیله‌ی ضبط صوت انجام گیرد و در طول هر شب یا روز تلاوت تمام این سوره در خانه طنین انداز شود بی تردید به اذن الهی عاملی عظیم برای سلامتی و معافات اهل خانواده خواهد بود و به برکت این سوره آن خانواده از گزند شیاطین در امان خواهند ماند.

۸- ذکر الله را ورد خویش ساختن، پایبندی به تلاوت قرآن و ملازمت در طلب استغفار ضروری است شخص مسلمان اذکار مشروع و ماثور را ورد خویش سازد و از بکاربردن اذکاری که جنبه‌ی شرعی ندارد خودداری کند در بخش‌های آتی مجموعه‌ای از مشروع اذکار (ماثور) را متذکر خواهیم شد.

1- صحیح مسلم (1015)، کتاب الزکاة، باب قبول الصدقة من کسب الطیب و تریبتها. راوی حدیث ابوهریره رضی الله عنه می باشد.

2- صحیح مسلم (804) کتاب صلاة المسافرين و قصرها، باب: فضل قراءة القرآن و سورة البقرة. این حدیث را ابوامامه‌ی باهلی روایت کرده است. البته در متن تنها جزئی از حدیث ذکر شده است.

3- صحیح مسلم (780)، کتاب صلاة المسافرين و قصرها، باب استحباب صلاة النافلة. راوی حدیث ابوهریره رضی الله عنه می باشد.

۹- نوشیدن و غسل کردن با آبی پاک که تعویذ شرعی بر آن خوانده شده باشد، بخصوص آب زمزم که به تنهایی خود شفای دردهاست.^۱ البته چنانچه بر آب زمزم تعویذ (رقیه‌ی) شرعی خوانده شود بهتر خواهد بود و نتیجه‌ی بهتری نیز در درمان بیماری خواهد داشت.^۲ همچنین اگر برگ سدر (درخت کنار) به آب زمزم یا هر آب پاک که بر آن تعویذ شرعی خوانده شده افزوده گردد یا برگ‌هایی را که آیاتی از قرآن با جوهری پاک (وقابل خوردن) مثل زعفران و غیره بر آن نوشته شده در آب مذکور مخلوط گردد همه و همه با اذن و اراده‌ی الهی نقش بسزایی در درمان و شفای امراض خواهد داشت.^۳

۱۰- خوردن روغن زیتون و آغشته کردن بدن با آن. رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «کلوا الزيت وأدهنوا به، فإنه من شجرة مباركة».^۴ «روغن زیتون بخورید و پوست بدن‌های خویش را بدان آغشته سازید، همانا این روغن از درختی مبارک حاصل شده است. در مورد (سیاه دانه) نیز توصیه‌های فوق ارائه شده است.» رسول الله صلی الله علیه وسلم پیرامون این گیاه نیز می‌فرماید: «فی الحبة السوداء شفاء من كل داء إلا السام»^۵ «سیاه دانه هر مرضی را جز مرگ دواست». چنانچه بر روغن زیتون و سیاه دانه آیاتی از قرآن نیز خوانده شود بر شفابخشی آن‌ها خواهد افزود.

۱۱- خوردن عسل. بنا به فرموده‌ی الله متعال عسل برای بیماری‌های مردم شفاست و چنانچه آیاتی چند از کلام الهی بر آن خوانده شود بر خاصیت شفابخشی آن خواهد افزود، زیرا در این صورت آیات قرآن و عسل که الله تداوی و استشفاء با آن را مشروع قرار داده مجموعه‌ای را تشکیل خواهد داد که تاثیر بیشتری در درمان بیماری‌ها خواهند داشت.

۱۲- حجامت کردن در صورت نیاز در این مورد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «الشفاء فی ثلاثة فی شرطه محجم أو شربة عسل أو کیه بنار وأنا أنهي أمتي عن الکی».^۶ الله تعالی شفا را در سه چیز قرار

۱- نقل شده که رسول الله ﷺ فرموده است: «إنها مباركة؛ إنها طعام طعم (وشفاء سقم)» «آب زمزم مبارک است. همانا آن طعامی است که سیری می‌آورد (ودوایی است که) شفابخش است». مسلم (2473) کتاب فضائل الصحابة.

۲- هم قرآن شفاست و هم آب زمزم و وقتی شخص راقی بر آب زمزم قرآن بخواند مسلماً بین دو دارو جمع کرده و نتیجه‌ی بهتری از آن خواهد گرفت..

۳- المنتقى من فتاوى الفوزان (145/2).

۴- ترمذی (1851) کتاب الاطعمة، باب ما جاء فی اكل الزيت راوی این حدیث عمرؓ است. مثل همین حدیث را ترمذی ذیل شماره‌ی (1852) از ابی اسید ساعدی نقل کرده است. البانی این حدیث را صحیح‌گفته است.

۵- صحیح بخاری (5688)، کتاب الطب، باب الحبة السوداء و مسلم (2215)، کتاب السلام، باب التداوی با الحبة السوداء.

۶- صحیح بخاری (5681)، کتاب الطب. راوی حدیث ابن عباس می‌باشد.

داده است و آن‌ها عبارتند از؛ 1- شکاف محل حجامت (حجامت کردن) 2- خوردن عسل 3- داغ کردن. (اما بدانید) من امتیانم را از (تداوی با) داغ کردن نهی می‌کنم.¹

۱۳- خوردن هفت خرماى عَجْوَه (درون چسبیده) به هنگام صبح. رسول الله صلى الله عليه وسلم می‌فرماید: «من تصبح - كل يوم - سبع تمرات عجوه لم يضره في ذلك اليوم سم ولا سحر».² «هر کس صبحگاهان در هر روز هفت خرماى عَجْوَه³ بخورد در آن روز هیچ جادو و سُمى (زهر) نخواهد توانست به وی آسیبی برساند.⁴

پس با توفیر و تکمیل شدن این شروط نفع گرفتن و انتفاع از رقیه شرعی بشکل تام و کامل صورت گرفته می‌تواند والله اعلم .

این شروطی بود که هر دو جنبه را در بر دارد هم جنبه رقیه مشروع که شروط آن چیست و همچنان شروط خود دم کننده و دم شونده که دارای کدام شروط باشند.

مبحث چهارم: آثار و فواید، و شروط تعویذ و رقیه های مشروع :

در این مبحث بعضی آثار و فواید و شروط تعویذ و رقیه های مشروع طی دو مطلب بیان می‌گردد.

مطلب اول آثار و فواید رقیه های مشروع :

از بررسی دلایل و شروط دم و دعا های مشروع این حقیقت نیز روشن می‌گردد که دم و تعویذ شرعی نه تنها حقیقت دارد بلکه فواید و مصالح متعددی را نیز در قبال دارد که مهمترین آنها عبارت انداز:

۱- سبب زیادت تقرب به الله متعال و توکل بروی میشود زیرا که صرف دعا و طلب از الله سبحانه و تعالی انسان رابه الله مقرب میسازد.

1- حاشیه الصاوي على الشرح الصغير/ المؤلف: أبو البركات أحمد بن محمد بن أحمد الدردير/ أحمد بن حمد الصاوي المالكي / 11 ص: 298 مصدر الكتاب : موقع الإسلام <http://www.al-islam.com> (المكتبة الشاملة)

2- صحيح مسلم (2047)، كتاب الأثرية، باب فضل تمر المدينة. راوی این حدیث در مسلم سعد بن ابی وقاص می‌باشد.

3- خرماى عَجْوَه نوعی خرماى مرغوب است که درون آن به هم چسبیده و متراکم است. این نوع خرما در مدینه بسیار است.

4- ارق نفسك وأهلك بنفسك مؤلف: د. خالد بن عبدالرحمن الجريسي / تقديم العلامة الشيخ د. عبدالله بن عبدالرحمن الجبرين (ص: 25-33)

۲- رقیه شرعی بهترین علاج بخاطر حل مشکلات امروزی مانند: پریشانی، وغمگین بودن، وحسد.. وامثال این ها است طوریکه سبب زیادت سکینه و آرامش نفسی شده،

و آرامش قلبی انسان را فراهم میسازد .

۳- استفاده از رقیه شرعی متابعت از سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده که سبب سعادت و نیک بختی دنیا و آخرت انسان میشود.

۴- رقیه شرعی بلاها و مصیبت هارا قبل از وقوع آن دفع و جلوگیری می نماید .

۵- رقیه شرعی انسان مسلمان را از شر شیطان ها وگزند آنها حفاظت می نماید .

۶- رقیه شرعی یک روند توحیدی بوده که انسان را از خرافات وشرکیات دور میدارد.

۷- رقیه ودعا های شرعی مانع راه بردی های ساحران و فال بینان شده، و جلو دروغ بافی های ایشان را میگیرد، و همچنان وقایه ی کامل درمقابل سحر آوری ایشان است.

۸- رقیه شرعی تاثیرات چشم زده گی را دفع می نماید، و نیز قبل از رسیدن آن سبب

وقایه میگردد .

۹- درحقیقت علاج توسط رقیه مشروع سبب متحقق شدن دعاء و طلب نمودن حاجت مسلمان صرف از الله سبحانه و تعالی میشود.

۱۰- با این همه دم ودعا بردیگران یکی از شیوه های رسانیدن نفع به آنهاست که اسلام همواره پیروانش را به آن تشویق وترغیب نموده است¹.

¹ - الأحكام الفقهية في الرقية الشرعية تأليف: محمد بن صالح الجواص: ۶۲-۶۵ الطبعة الأولى 1427 هج 2006 م دار الأندلس للنشر والتوزيع .

مطلب دوم شروط تعویذ ورقیه های مشروع:

از لابلای اقوال علماء در مورد مشروعیت دم و تعویذ واضح گردید که اتفاق همه ای علما امت بر این است که دم و تعویذ جواز دارد در صورتیکه شروط سه گانه ذیل در آن جمع شود، چنانچه که ابن حجر عسقلانی گفته است: وقد أجمع العلماء على جواز الرقي عند اجتماع ثلاثة شروط أن يكون بكلام الله تعالى أو بأسمائه وصفاته وباللسان العربي أو بما يعرف معناه من غيره وأن يعتقد أن الرقية لا تؤثر بذاتها بل بذات الله تعالى.¹ علماء اتفاق بر جواز رقیه و دم شرعی دارند در صورتیکه سه شرط ذیل در آن جمع شود.

اول: دم و دعا توسط آیات و سوره های قرآنی اسماء و صفات الله متعال اذکار و ادعیه ماثور نبوی باشد .

دوم: به زبان عربی باشد، و یا توسط آن دعا هاییکه معنایش واضح باشد، به الفاظ مجهول و طلسم ها دعا های مجهول که ساحران و دجالان به شکل خفیه نزد خود میخوانند نباشد.

سوم: اعتقاد و باور به این داشته باشد که رقیه شرعی به ذات خود تاثیر ندارد مگر اینکه الله سبحانه و تعالی بخواهد و دم کننده هم کاری کرده نمیتواند مگر اینکه الله خواسته باشد یعنی مؤثر حقیقی الله متعال را بداند نه اذکار و اوراد را.

امام نووی - رحمه الله -² در مورد شروط رقیه مشروع میگوید: " وأما الرقي بآيات القرآن وبالأذكار المعروفة، فلا نهي فيها، بل هو سنة"³.

یعنی که دم انداختن توسط آیات قرآن و ادعیه و اذکار معروف و صحیح نه تنها اینکه از آن نهی نشده است بلکه سنت است . .

و همچنان صاحب عون المعبود در ادامه تعریف رقیه گفته است: " ما يقرأ من الدعاء لطلب الشفاء وهي جائزة بالقرآن والأسماء الإلهية وما في معناها بالاتفاق وبما عداها حرام لا سيما بما لا يفهم"⁴

1- فتح الباري شرح صحيح البخاري المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي/ج:10/ص:195

2- امام عالم عادل زاهد و متقی محی الدین بن شرف بن مری بن حسن بن حسین بن حزام نووی رحمه الله که از جمله علمای شافعی مذهب بود کنیه اش ابو زکریا است که در سال ۶۳۱ هجری در ماه محرم تولد شد است و بعضی کتب را در حدیث مانند: شرح صحیح مسلم و بعضی کتب را در فقه و بعضی کتب را در لغت فقهاء و مانند این علوم شرح نموده است که از ۴۵ سال زیاد تر زنده گی نکرده ولی از خود آثار علمی زیادی را به جا گذاشته است و آموختن علم اهتمام بیشتر داشت. (مکتبه شامله قسم الرجال والطبقات الإمام النووي).

3- المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج المؤلف: أبو زكريا يحيى بن شرف بن مري النووي (169/14)

4- عون المعبود شرح سنن أبي داود المؤلف: محمد شمس الحق العظيم آبادي أبو الطيب/ج:10/ص:264 الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت

یعنی رقیه عبارت از دعا های است که به غرض حصول شفا خوانده میشود، پس اگر آن دعا ها توسط قرآن کریم و اسمای الهی و یا آنچه که در حکم و معنای اسمای الهی باشد به اتفاق همه جواز دارد، و در غیر آن حرام میباشد، مخصوصاً زمانی که مفهوم و معنای آن کلمات قابل درک نباشد.

و شیخ الإسلام ابن تیمیہ رحمہ اللہ در این مورد میگوید: " نهی علماء الاسلام عن الرُّقي التي لا يُفقه معناها؛ لأنها مَظَنَّةُ الشُّركِ ، وإنْ لَمْ يَعْرِفِ الرَّاقِي أَنَّهَا شُرْكٌ " ¹

یعنی علماء اسلام نهی کرده اند از دم و دعا هایی که معنای آنها قابل فهم نیست، زیرا که در آن دعا ها گمان شرک می رود و لو اینکه دم کننده خودش نفهمد که آنها الفاظ شرکی اند. ²

دکتر ابراهیم بن محمد البریکان حفظه الله ³ بعضی شروط دیگر را نیز ذکر نموده است بر رقیه مباح و مشروع که قرار ذیل است :

- ۱- کلام الله و به اسماء و صفات الله و یا به ادعیه نبوی مأثوره باشد .
- ۲- اینکه به زبان عربی باشد.
- ۳- مفهوم و معنایش واضح باشد .
- ۴- چیزی غیر مباح در او شامل نباشد مثل: طلب کمک از غیر الله و دعاء خواستن از غیر الله ، و یا بواسطه نام جنیات، و غیره .
- ۵- و اعتمادش فقط بر رقیه نباشد.
- ۶- و اعتقاد و یقین به این داشته باشد که رقیه به ذات خود مؤثر نیست بلکه به اذن الله مؤثر واقع میشود، و کسیکه اثر میاندازد در رقیه او الله سبحانه بوده، و شفاء دهنده اصلی الله متعال است.

1- مجموع الفتاوى المؤلف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی / ج: 19 / ص: 13 المحقق: أنور الباز - عامر الجزار الناشر: دار الوفاء الطبعة: الثالثة، 1426 هـ / 2005

2- مختصر الرقية الشرعية من الكتاب والسنة النبوية تأليف: أبي العالیة محمّد بن یوسف الجوزانی / ج: 1 / ص: 6/

3- شیخ ابراهیم بن محمد البریکان استاد در بخش تعلیمات اسلامی در پوهنتون دمام این شیخ بزرگوار فعالیت های دعوتی زیادی را انجام داده است در نشر علم و تدریس و عطف و نصیحت و تقریرهای زیادی از خود به جا گذاشته است همین قسم در بخش تالیف کتب نیز دست والا داشت و از جمله مهمترین کتب اش کتاب (المدخل للدراسة العقيدة الإسلامية علي مذهب أهل السنة والجماعة) و در روز پنجشنبه سال ۱۴۲۹ هجری وفات نمود

واگر یکی ازین شروط موجود نباشد پس او شامل رقیه حرام میشود.¹ البته باید تذکر داد که سه شرط ذکر شده تنها شرطهای عمده دم و دعا است؛ بر علاوه در دعا شرط های دیگری نیز وجود دارد، همچنان در مورد دم کننده شرطهای است که باید آنها را در وقت دم کردن مد نظر داشته باشد به ذکر بعضی آنها در این جا میپردازیم:

شروط ای را که دم کننده در هنگام دم نمودن مد نظر داشته باشد:

۱- از دعا های مشروع قرآنی مانند: سوره های فاتحه، اخلاص، فلق، ناس، آیه الکرسی، آخر سوره بقره را در وقت دم کردن استفاده نماید، و شناخت و علم کافی در مورد آیات قرآنی داشته باشد، بخصوص در مورد آیاتی که مناسبت با دم و دعا و سحر دارد.

۲- با اذکار و اوراد و ادعیه های نبوی باید کاملاً آشنایی داشته باشد، که در وقت خواندن آن اذکار و اوراد مفهوم و معنای آنها نیز در ذهنش متصور شود

۳- دم کننده هنگام دم نمودن با زن نامحرم بشکل تنها ننشیند، و همچنان به عذر اینکه دم میاندازد کدام عضو زن نامحرم را مساس نکند، زیرا که دم کننده هیچگاهی نمیتواند مانند داکتر عمل کند؛ زیرا که داکتر به غرض تشخیص بیشتر نیاز دارد تا به عضو دردمند مریض دست بکشد اما کار دم کننده فقط خواندن است نه چیز دیگری.

۴- راقی یا دم کننده باید که از اهل خیر و تقوی و استقامت باشد.² با رعایت این شروط بعضی شروط دیگری است که دم شونده یا مریض باید آنرا مد نظر داشته باشد قسمیکه قبلاً در مورد آن تذکر داده شد.

1- فتح الحق المبين في أحكام رقى الصرع والسحر والعين المؤلف: أسامة بن ياسين المعاني أبو البراء /ص: ٢٧١ الناشر: دارالمعالي - عمان سنة النشر: 1421 - 2000.

2- الأحكام الفقهية في الرقى الشرعية، ص: 83

فصل سوم تعویذ ورقیه های غیر مشروع انواع احکام و اضرار آن

این فصل مشتمل بر سه مبحث است که عبارت اند از:

مبحث اول: انواع تعویذ ورقیه های غیر مشروع

مبحث دوم: اضرار و پیامدهای تعویذ ورقیه های غیر مشروع

مبحث سوم: حکم تعلم تعویذ ورقیه های غیر مشروع و حکم رفتن به نزد ساحران و تعویذ
دهنده گان حرفوی

فصل سوم

تعویذ ورقیه های غیر مشروع انواع احکام واضرار آن

بدون شک قسمیکه میدانیم عداوت و دشمنی شیطان با ما ازلی و قدیمی بوده، که همیشه درسد اغواء و گمراهی و هلاکت انسان میباشد، به همین دلیل الله سبحانه بنده هارا ازوی بر حذر میدارد، و امر نموده که شیطان را دشمن خود بدانید طوریکه الله متعال درقرآن کریم میفرماید: {إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا} ¹

ترجمه: بی گمان شیطان دشمن شماست، پس شما هم او را دشمن بدانید .

به همین اساس از زمانیکه شیطان بر بنی آدم تسلط پیدا کرده و درپی آزار واذیت انسان ها باشد و درزمینه کار کرد مختلف را درنظر گرفته پیشه نمود، و همچنان این موضوع برهیچ انسان عالم و عاقلی مخفی نبوده که تعهد و همکاری مستحکم بین شیاطین و جنیات و بعضی انسان ها به یک سلسله روابط خاص وجود دارد که الله سبحانه و تعالی چنین میفرماید: {يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا} ²

ترجمه: گروهی از آنها سخنان فریبنده و بی اساسی را نهانی به گروه دیگری پیام می داده اند، تا ایشان را (با یاوه سرانیهایی رنگین و وسوسه ای دروغین بفریبند.

که چقدر انسان های ذکی و هوشیار بدست این دجال ها و ساحران که همکاران شیاطین اند هلاک شده اند، اگرچه بعضی علماء از وجود جن و همچنان از سحر منکراند، و از طرف دیگر بعضی ها دراین موضوع مبالغه نموده این هارا بیشتر از حجم شان بر مردم معرفی مینمایند که ازین طرق در دل مردم یک نوع خوف را نسبت به این ساحران و دجالان ایجاد میکنند و درعین وقت بر ما مسلمانان لازم است که تسلیم قضاء و قدر الهی باشیم و ایمان به آنچه که درکتاب (قرآن) و سنت آمده است داشته باشیم، و از طرف دیگر برای ازبین بردن چنین بدعت ها و خرافات از جامعه اسلامی سعی و تلاش نماییم و مفهومی درست توکل و یقین به الله سبحانه و تعالی را درقلب

¹ - سوره فاطر آیه : ۶

² - سوره انعام آیه : ۱۱۲

مردم ترسیخ نموده تاباشد که در چنین حالات واقعا مسلمانان به الله پناه ببرند که این کار یک وسیله یا یک سلاح مستحکم ای است که مومن به ضد این ها استفاده مینماید ومومن در عنایت وحفاظت الله قرار دارد از شر شیاطین و جن وانسان های شیطان صفت، و تا زمانیکه مومن ذکر و یاد الله متعال را مینماید و از شر دسائس آنان به الله پناه میبرد، در پناه الله بوده اما زمانیکه مومن از یاد الله غافل ومشغول به انجام بدعت ها و خرافات شود در این صورت است که به آسانی شیاطین جنی وانسی میتوانند بروی تسلط یابند که در این صورت دور شدن از مصیبت های آنان سخت است مگر اینکه الله متعال بالای بنده اش رحم نماید و وی را نجات بدهد¹.

به همین اساس اشد ضرورت است بر وسعت دادن دایره انتفاع وعلاج بوسیله رقیه های شرعی که در رقیه شرعی علاج و شفاء بسیاری از امراض نفسی وغیر آن ثابت شده است که علاج آن امراض بر طب جدید مشکل میباشد مانند: صرع ومس (جن زده گی) وعین (چشم) وسحر.

با استفاده از این فرصت وحاجت شدید مردم، بعضی از استفاده جویان شروع به علاج وتداوی چنین امراض نموده وبعضی ادویه ای را تجویز مینمایند که کدام دلیل که عقل ونقل آنرا تایید نماید ندارند، وهمین قسم آنانیکه واقعا صادق هستن وتوسط قرآن وسنت رقیه مینمایند ضرور است که میدان را نگذارند وبه مردم به اساس رقیه شرعی رسیده گی نمایند.²

مبحث اول: انواع تعویذ ورقیه های غیر مشروع

دم ودعاء تعویذ وافسون هایغیر مشروع آنست که در آن معیارها ویا شرطی از شروط صحت دم ودعاء های مشروع نباشد، واین نوع رامیتوان به دوبخش تقسیم نمود.

در این مبحث انواع تعویذ ورقیه های غیر مشروع طی دو مطلب بیان میگردد:

¹ - الرقية من الجن ومن عين الإنسان / مؤلف: عادل محيي الدين نصار / ص: 6-8

² - الرقى وأحكامها صالح عبد العزيز آل الشيخ / ص: 15

مطلب اول: تعویذ ورقیه های شرکی

منظور از تعویذ ورقیه های شرکی عبارت از همان دمی است که در آن از غیرالله استعانت و کمک خواسته شود، و یا در آن به غیر الله سوگند یاد کرده شود مانند: دم ودعا هاییکه در آن نام جنها ملایک و پیامبران، وسایر صالحین گرفته شود، پس در این گونه دم و تعویذ دعاء و استعانت از غیر الله وجود دارد که شرك اکبر به شمار میرود، طوریکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: " مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ ، فَقَدْ كَفَرَ أَوْ أَشْرَكَ " ¹ کسیکه بنام غیرالله قسم یاد کند به تحقیق کافر و مشرک شد.

شیخ الإسلام ابن تیمیة رحمه الله گفته است: " أكثر الرقى الأعجمية تتضمن أسماء رجال من الجن، ويدعون ويستغاث بهم ويقسم بمن يعظمونه فتطيعهم الشياطين بسبب ذلك في بعض الأمور وهذا من جنس السحر والشرك " ²

یعنی در اکثریت دم و دعا هاییکه توسط مردمان عجم صورت میگیرد نام جنها دیده میشود که مردم حوایج خویش را از آنها طلب میکنند، و به آنها روی میآورند، و به نامهای آنان قسم یاد میکنند که در نتیجه شیاطین از آنها در بعضی موارد اطاعت میکنند و این عمل بدون شک از جنس سحر و شرک به شمار میرود.

و همچنان کسیکه مهره ای از مهره هارا و یا دانه ای از دانه ها، و یا کدام تار و حلقه و یا پارچه آهنی را در گردن و بازو و یا بدنش بر این باور آویزان نماید که آن مهره و یا خر مهره و یا تار و حلقه در ذات خود میتواند بلا و مصیبت را از وی دفع نماید، شکی نیست که این گونه باور از نوع شرک در ربوبیت و عبودیت به شمار رفته، و در نهایت شرک اکبر به شمار میرود، و اکثریت کسانی که چنین اشیاء و خر مهره هارا آویزان میکنند، در حقیقت بر همین اشیاء توکل و اعتماد نموده دور شدن ضرر و رسیدن خیر و نفع را به همین چیزها مربوط دانسته میگویند: اگر این چیزها را آویزان نکنند بلا و مصیبتی سر آنها میآید، و یا اینکه به نظر بد و زخم چشم مبتلاء میشوند پس بدون شک همه اینها از نوع شرک به شمار میرود، و دین مقدس اسلام همانطوریکه پیروانش را از شرک و کفر بر حذر میدارد و همچنان از حرکات و کارهای ایکه منتج به شرک شود نیز بر حذر داشته، و آن اعمال و حرکات را باطل قرار داده است، که برخی دلایل بطلان آنها در ذیل بیان میگردد:

¹ - سنن أبي داود / باب في كراهية الحلف بالأبواء / ج: 3 / ص: 217 سنن الترمذي / باب: كراهية الحلف بغير الله / ج: 4 / ص: 110. (ألباني در سلسلة الصحيحة این حدیث را صحیح گفته است)

² - مجموع الفتاوى المؤلف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحراني (المتوفى: 728هـ) / ج: 1 / ص: 361

از عقبه بن عامر جهني رضي الله عنه روايت است كه گفته است " أَقْبَلَ إِلَيْهِ رَهْطٌ فَبَايَعَ تِسْعَةً وَأَمْسَكَ عَنْ وَاحِدٍ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ بَايَعْتَ تِسْعَةً وَتَرَكْتَ هَذَا؟ قَالَ: إِنَّ عَلَيْهِ تَمِيمَةً فَأَدْخَلَ يَدَهُ فَقَطَعَهَا فَبَايَعَهُ وَقَالَ مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً فَقَدْ أَشْرَكَ"¹

يعني گروه ای از مردم نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند، پیامبر صلی الله علیه وسلم بانه تن ایشان دست بیعت داد، واز بیعت نمودن با یک آنها ابا ورزید، آنها گفتند ای رسول الله شما با نه نفر بیعت نمودید و با یک نفر بیعت ننمودید؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: بر بدن این یکی تمیمه (مهره) وجود دارد، آن مرد دستش را داخل نمود و آن مهره را کنده و دور انداخت، همین بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم با وی نیز بیعت کردند، و فرمودند: کسی^۹ که مهره را آویزان کند به الله شرک ورزیده است .

از عقبه بن عامر رضي الله عنه روايت است كه گفت: " سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ تَعَلَّقَ تَمِيمَةً فَلَا أْتَمَّ اللَّهُ لَهُ وَمَنْ تَعَلَّقَ وَدَعَا فَلَا وَدَعَ اللَّهُ لَهُ."²

كسیكه چیزی را به غرض تمام شدن كارش آویزان كند الله كارش را تمام نكند، وكسیكه مهره ای را به غرض سكون وراحت آویزان كند الله برایش سكون ندهد.

از عبد الله بن مسعود رضي الله عنه روايت است كه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: " إن الرقى والتمايم والتولة شرك"³ یعنی طلسم ها و آنچه كه برگردن اطفال بسته میشود شرک است.

احادیث سه گانه فوق دلالت واضحي دارد بر حرمت آویزان نمودن تائم (مهره ها) به شكل عام وهمچنان دليل است بر حرمت تعویذ های دوره تاريك جاهليت كه از آن ها بنام توله ودعه یاد میكردند، و علت ممانعت شریعت هم از همچو اشیاء متضمن بودن آنها بر شرک كه با توحيد در منافات قرار دارد میباشد .

مطلب دوم: تعویذ ورقیه های حرام

علاقه وارتباط بین این نوع از رقیه و تعویذ های ممنوع و بین تعویذ ورقیه های قبلی علاقه عموم و خصوص مطلق است زیرا كه دم ودعا های شرکی بدون شك شرک میباشد،

اما دم ودعا عای حرام شده میتواند كه حرام باشد اما به حد شرک نرسد.

1- مسند الإمام أحمد بن حنبل / ص: 637 / مستدرک حاکم (219/4) و شیخ آلبنانی در صحیحہ اش (492) آن را صحیح دانسته است.

2- مسند الإمام أحمد بن حنبل (154/4) مستدرک حاکم: (156/4) و منذری در ترغیب و ترهیب (306/4) سندش را جید خوانده است -

3- حدیث را امام احمد در مسند (381/1) و امام ابوداؤد در سنن اش کتاب طب، باب فی تعلیق التمايم (5877) و ابن ماجه در سنن اش (116/2) حاکم در مستدرک (418/4) روایت نموده گفته است، صحیح الإسناد علی شرط الشیخین ، و ابن حبان در صحیح اش (1412) روایت نموده، و آلبنانی در سلسله صحیحہ

(584/1) آن را صحیح گفته است.

منظور از تعویذ ورقیه های حرام اینست که به زبان عربی نباشد و یا توسط جملات و یا کلمات ای صورت گیرد که معنایش قابل فهم نباشد، زیرا در این گونه دم و دعا ها امکان دارد که شرک راه پیدا نماید، اما فهمیده نشود پس این نوع دم و دعا ها شرعا حرام است .

این دم و دعا های حرام صورت های مختلف دارد که مشهورترین آنها قرآنی است :

الف: نوشتن آیات و سوره ها و تکرار بار بار آنها به اشکال مختلف، طوری که اول سوره را آخر و آخر سوره را اول یعنی معکوس قرار داده شود، و گاهی سوره و یا آیات را قطعه قطعه میسازند به چنین باور دارند که نوشتن آیات به این شیوه خصوصیت خاص خود را دارد، و گاهی در این گونه ترتیب حالات ستاره گان را در نظر می گیرند. در حرمت این نوع دم و تعویذ نباید شک کرد ولو که توسط آیات قرآن کریم صورت گیرد، زیرا ترتیب قرآن را در این گونه دم و دعا ها در نظر گرفته نشده است، و نیز حالات و حرکت ستاره گان در آن در نظر گرفته شده است.

ب: بستن تار و انداختن حلقه:

روی آوردن و پناه بردن به حلقه و تار، حلقه های فلزی (چهل بند و غیره) که کاملا با توحید و عقیده یکتا پرستی منافات دارد ، زیرا الله متعال آن هارا برای دور کردن بیماری بعد از وقوعش و یا وقایه قبل از وقوعش وضع نکرده است، و همه ای اینها حرام است .

دلیل حرمت اینگونه اعمال :

۱- امام احمد از عمران بن حصین (رضی الله عنه) روایت میکند که پیامبر صلی الله علیه وسلم در بازوی مردی حلقه را دید و فرمود: وای بر تو این چیست؟ آن مرد گفت: (من الواهنة) بخاطر دور کردن (قلنج) ضعف و سستی است پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: "أَمَّا إِنَّهَا لَا تَزِيدُكَ إِلَّا وَهْنًا انْبُدْهَا عَنْكَ فَإِنَّكَ لَوَمِتَّ وَهِيَ عَلَيْكَ مَا أَفْلَحَتْ أَبَدًا"¹ یعنی آگاه باش که ای زیاد نمیکند بر تو مگر ضعف و سستی را دور بیاورد آنرا؛ زیرا اگر

تو بمیری و این در بازوی تو باشد هرگز رستگار نخواهی شد.

--حذیفه رضی الله عنه از جمله همراهان پیامبر صلی الله علیه وسلم بود که لست منافقین را مینوشت روزی به عیادت مریض رفت و در بازوی او بازو بندی را دید که از چرم بود، و یا پوست درخت و یا رشته، و یا تار بود که

¹ - مسند الإمام أحمد بن حنبل/ج:33/ص:204

عقیده داشتن بواسطه آن تب دور میشود، حذیفه رضی الله عنه بی درنگ آن را برید و آیه ذیل را تلاوت کرد: { وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ }¹ ترجمه: اکثر ایشان ایمان نمیآورند به الله مگر درحالیکه باوی شریک نیز میگردانند.

۴- در اثری از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که روزی درگردن همسرش زینب رشته را دید پرسید این چیست؟ زینب گفت: رشته ای است که وُده و افسون کرده شده است برای من از جهت دور کردن تب، عبدالله (رضی الله عنه) آن را کش کرده و پاره نمود و دور انداخت سپس گفت: خانواده عبدالله از شرک بی نیاز است من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ام که فرمود: "إِنَّ الرُّقَى وَالْتَّمَائِمَ وَالتَّوَلَةَ شِرْكٌ"² یعنی: بدرستی که افسون ها، تعویذها، و توله شرک است.

ج: تعویذ و تمائم قرآنی که در دست و بازوی افراد و اشخاص آویزان میگردد، اگرچه برخی این عمل را جایز میدانند اما به قول راجح این عمل نیز حرام است، و دلیل حرمت آن سه چیز است:

۱- عموم احادیث وارده پیرامون نهی از تعلیق و آویزان نمودن تمائم که هیچ مخصوصی نیز ندارد.

۲- رعایت اصل سد ذریعه، زیرا آویزان نمودن تعویذهای قرآنی سبب میشود تا مردم با دیدن و مشاهده نمودن آن غیر از قرآن تار و مهره و اشیای حرام دیگر را درگردن و بازوی خود آویزان کنند.

۳- آویزان نمودن آیات قرآنی موجب بی حرمتی قرآن میگردد؛ زیرا که شخص با آن تعویذ وارد بیت الخلاء و اماکن قضای حاجت میگردد که این بی حرمتی بس بزرگی است.

همین حرمت و عدم جواز نظر جمعی از اصحاب مانند: عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، حذیفه بن الیمان، عقبه بن عامر، ابن عکیم، و از تابعین: ابراهیم نخعی، و از ائمه نظرامام احمد، و علمای دیگر میباشد.³

1- سورة يوسف آیه: ۱۰۶

2- حدیث را امام درمسند (381/1) امام ابو داوود درسننش، کتاب الطب، باب فی تعلیق التمام (3877) ابن ماجه درسنن (116/2) حاکم درمسند (418/4) روایت نموده گفته است: صحیح الأسناد علی شرط الشیخین وابن حبان درصحیح اش (1412) روایت نموده و آلبانی درسلسله (584/1) آن را صحیح گفته است.

3- رجوع شود به مصنف بن ابی شیبہ (۳۵/۵)، الآداب الشرعیة از ابن مفلح (۸۱/۳) عارضة الأحوذی (۲۲۲/۸) تیسیر العزیز الحمید (ص: ۱۶۸، ۱۷۴) الأحكام الفقهية في الرقية الشرعية (ص: ۱۶۹، ۴۲۲، ۴۳۵)

مبحث دوم: اضرار و پیامدهای تعویذ ورقیه های غیرمشروع

اضرار و پیامدهای تعویذ ورقیه غیرمشروع در جامعه امروزی ما مشکلات زیادی را به بار آورده که از جمله اضرار دینی و اعتقادی اضرار دنیوی و اضرار اخروی آن را تحت دو مطلب بیان مینماییم.

مطلب اول: اضرار دینی اعتقادی و اخروی تعویذهای غیرمشروع

اضرار و مفسدات دینی و عقیدوی این تعویذها زیاد بوده که ما به چند نکته مهم آن در این مطلب در پرتو قرآن و سنت اشاره خواهیم نمود:

اول: سقوط در دامن شرک: بزرگترین ضرر و مفسده آویختن تارها و حلقه ها، دانه ها، و مهره های یاد شده این است که پیامبر صلی الله علیه و سلم روی آوردن به این خرافه هارا شرک معرفی نموده اند طوریکه در روایت عقبه بن عامر رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: "مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً فَقَدْ أَشْرَكَ"¹ یعنی کسیکه در طلب خیر و دفع ضرر به تمیمه (حرز و طلسمی) دل بندد او با الله شریک آورده است.

همچنان در روایت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «إِنَّ الرُّقَى وَالْتَّمَائِمَ وَالْتَّوَلَةَ شِرْكٌ»²

یعنی: رقیه (دم و دعا های جاهلی) تمایم و توله (تمار دلگرمی) شرک است.

دوم - زوال و یا ضعف ایمان و عقیده :

ضرر دیگر روی آوردن به اینگونه تارها و حلقه ها، و تعویذها اینست که اعتماد نمودن بر آنها و مؤثر دانستن آنها در دفع مرض و خطر و کسب نفع و برکت سبب زوال ایمان و از دست دادن عقیده توحیدی و یا ضعف و سست شدن آن میگردد؛ زیرا هرگاه آویزان کننده اینگونه تارها و حلقه ها را موجب حصول شفاء و دفع امراض باور نماید.

پس این باور به شرک اکبر می انجامد که سبب خروج از دین و ملت میگردد، و اگر حصول شفاء و دفع مرض را از جانب الله بداند اما از این تارها و حلقه ها به عنوان اسباب و وسائل استفاده نماید پس این شرک اصغر به شمار می رود، که باز هم در ردیف گناهان کبائر قرار میگیرد.

1- مسند أحمد بن حنبل / ج: ۴ / ص: ۱۵۶ به تعلیق شعيب الأرنؤوط سند این حدیث قوی است.

2- سنن أبي داود / ج: ۴ / ص: ۳۸۸۵ / صحیح ابن حبان / ج: ۱۳ / ص: ۴۵۶ شعيب الأرنؤوط میگوید: رجال این حدیث همه اش ثقات و حدیث صحیح است.

و در مورد اسباب باید یاد آور شد که اسباب بردونوع است .

الف: اسباب معنوی : اسباب ای اند که بر سبب بودن آن ها دلیل شرعی موجود باشد مانند: اذکار، و دعا های مخصوص، خواندن برخی سوره های قرآنی به غرض دست یافتن به شفاء که سبب بودن آنها در قرآن و احادیث ذکر شده است، پس فرد مسلمان با استفاده از این اسباب به ذاتی روی می آورند که او این اسباب را معرفی نموده، و تاثیراتی را در آنها نهاده است، اما در عین زمان او میتواند تاثیر موجود در آنها را سلب کند، پس تارها و حلقه ها و تعویذها یاد شده سبب شرعی شده نمیتوانند؛ زیرا که الله و پیامبرش نه تنها این اشیاء را سبب قرار نداده بلکه طوریکه گذشت به قطع نمودن آنها امر نموده و در حق کسی که به این اسباب روی بیارد دعای بد نموده است .

ب: اسباب مادی: که میان سبب و مسبب چنان مناسبت واضحی باشد که در واقع محسوس گردد یا توسط عقل قابل درک باشد، مانند: اینکه نوشیدن آب سبب رفع تشنگی میگردد، و یا استفاده از لباس های گرم سبب نجات از مشکل سردی میگردد و یا ادویه که از مواد خاصی ساخته میشوند که سبب نابودی جراثیم و میکروبها میگردد که موجب امراض گوناگون می شوند اما این تمائم و تارها و دانه ها و اشیای دیگر همه جماد محض بوده که هیچ علاقه ی به شفاء یا بی ندارند.

سوم: زیاد شدن ضعف و مرض: آنانیکه هنگام مرض و سستی درد و پریشانی به تعویذ و تومار و سائر تارها و مهرها روی میآورند باید بدانند که این تعویذ ها نه تنها ضعف و مرض آنها را درمان نمی کند بلکه سبب افزایش مرض، درد، و پریشانی آنها میگردد .

چنانچه در حدیث عمران بن حصین رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در بازوی مردی تار و حلقه ای را دیدند و فرمودند: "وَيَحْكُ مَا هَذِهِ؟" وای بر تو این چییست؟ آن مرد گفت: "من الواهنة" یعنی بخاطر دور کردن (قلنج) ضعف و سستی است یعنی پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: "أَمَا إِنَّهَا لَا تَزِيدُكَ إِلَّا وَهْنًا أَنْبُذَهَا عَنْكَ فَإِنَّكَ لَوْ مِتَّ وَهِيَ عَلَيْكَ مَا أَفْلَحْتَ أَبَدًا"¹ یعنی آگاه باش که این زیاد نمیکند بر تو مگر ضعف سستی ات را دور بیاورد آن را زیرا اگر تو بمیری و این در بازوی تو باشد هرگز رستگار نخواهی شد.

ازین حدیث شریف به صراحت دانسته شد که بستن این حلقه ها تارها و مهره ها قبل از خساره و زیان اخروی خساره و زیان دنیوی را نیز در پی دارد که در این جمله حدیث أَمَا إِنَّهَا لَا تَزِيدُكَ إِلَّا وَهْنًا آمده است .

1-مسند الإمام أحمد بن حنبل /ج:33/ص:204/ الناشر : مؤسسة الرسالة الطبعة مصدر الكتاب : موقع الإسلام.

چهارم: محروم شدن از فلاح و کامیابی

خساره و ضرر دیگر روی آوردن به این تعویذها و تارها و حلقه‌ها همانا محروم شدن از فلاح و کامیابی است، که در همان حدیث فوق تذکر رفته است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: " فَإِنَّكَ لَوْ مِتَّ وَهِيَ عَلَيْكَ مَا أَفْلَحْتَ أَبَدًا" یعنی اگر تو بمیری و این در بازوی تو باشد هرگز رستگار نخواهی شد.

پنجم: بد دعای پیامبر صلی الله علیه وسلم در حق چنین اشخاص

ضرر دیگر رو آوردن به چنین خرافات و تعویذ و تارهای یاد شده این است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در حق چنین افراد و اشخاص دعای بد نمودند، " فَإِنَّكَ لَوْ مِتَّ وَهِيَ عَلَيْكَ مَا أَفْلَحْتَ أَبَدًا" یعنی اگر تو بمیری و این در بازوی تو باشد هرگز رستگار نخواهی شد و بدون شک که دعای پیامبر صلی الله علیه وسلم چه خوب باشد یا بد مستجاب خواهد شد.¹

ششم: ضعف توکل و اعتماد بر الله متعال

ضرر و زیان دیگر بستن و آویزان نمودن تارها و حلقه‌های یاد شده این است که روی آوردن به آنها سبب ضعف توکل میگردد، توکلی که انسان به وسیله آن به الله متعال نزدیک میشود، و چون شرع و عقل سبب بودن این اشیاء را تایید نمی کند پس اعتماد نمودن بر آنها اعتماد بر امور وهمی و خیالی بوده که با عقیده توکل تضاد دارد.²

مطلب دوم: اضرار دنیوی تعویذهای غیر شرعی

متأسفانه ما در جامعه ای زنده گی مینماییم که این مشکلات زیاد وجود دارد به این اساس در این مطلب اضرار دنیوی و فردی و اجتماعی تعویذهای غیر شرعی بحث خواهیم نمود.

الف: اضرار اجتماعی استفاده از تعویذهای غیر شرعی سبب اضرار اجتماعی در بین انسان ها میگردد، و میتوان بطور خلاصه به آن توضیح داد:

- به اساس تعویذهای غیر مشروع اضطراب و مفساد اجتماعی بوجود می آید

¹ - رساله اضرار و مفساد تعویذ و رقیه های غیر شرعی مولف: دکتر عبدالباری "حمیدی"

² - الأحكام الفقهية في الرقية الشرعية تأليف: محمد بن صالح / ص: 162-169) الجزء الطبعة الأولى 1427 هج 2006 م دار الأندلس للنشر والتوزيع.

مردم ازین طریق در دامن ساحران و جادوگران قرار می گیرند، و در حق یکدیگر ظلم میکنند، منازعات و اختلافات در بین شان گسترده میشود، و یکی بر جان دیگری می افتند و بلاخره این روند باعث از بین رفتن امنیت در اجتماع میشود، و مصونیت اخلاق از اجتماع رخت می بندد، و مردم مجبور میشود که نوع اجتماع را ترک کنند به این صورت شیرازه اجتماعی منطقه ازهم میریزد .

- از طرف دیگر بخاطر بدست آوردن این نوع تعویذات، فرصت، و زمان که از آن باید برای انجام کار و انکشاف زنده گی استفاده شود از دست انسان خارج میشود، و انسان مضطر و مجبور است که تمام اوقات خود را بدون فایده عقب جستجوی تعویذ گران از دست بدهد، که بلاخره بر آن هیچ فایده ای مرتب نمی گردد، با اینکه میدانیم اسلام عزیز از انجام امور لغو و ضیاع اوقات منع نموده است .

- همچنان بکار گیری تعویذات غیر مشروع یک مفسده بزرگ اجتماعی دیگر را نیز باعث میگردد، که عبارت از ایجاد نفاق و شقاق فامیلی میباشد .

تعویذات غیر مشروع شیرازه اکثر فامیل هارا ویران کرده است، و اعتماد زنا شوهری را در بین ایشان از بین برده است، و فرزندان را از مهر و محبت پدری و مادری محروم نموده، و پدران و مادران را در مورد فرزندان ایشان بی توجه ساخته است .

- قبلا گفته شد که این روند بلاخره به سرحد سحر و جادو می رسد، و شما میدانید که سحر و جادو در طول تاریخ انسان ها را سرگردان کرده است، و نظام خانواده گی انسان هارا متزلزل ساخته، رفاء و آسایش انسان را از بین برده است .

بسیاری انسان هاییکه بخاطر خانواده گی ایشان را فضاي بی اعتمادی و عدم همکاری احاطه کرده است .

- این جاست که دین اسلام بشریت را رهنمایی می نماید، و بخاطر استحکام نظام اجتماعی، خانواده گی و سایر بخش های زنده گی ایشان را از ورطه یی کار بردی تعویذات غیر مشروع منع می نماید.

ب : اضرار اقتصادی

البته ضرر اقتصادی این روند، که تعویذ گران، و ساحران و جادو گردان پول های مردم را به فریب و تدلیس می گیرند، به هیچ کس پوشیده نیست .

بدون شک اگر این مقدار پول ها در زنده گی در مسیر کار و تجارت مدیریت شود، یک منطقه را از بهران اقتصادی بیرون می کند، و اگر بر ساکنین صدقه گردد مشکل فقر از اجتماع زدوده میشود، اما متأسفانه به جیب يك تعداد فریبکاران رفته حیف و میل میگردد.

ج: اضرار روانی

جای تردید نیست که کار بردی تعویذات غیر مشروع بر علاوه از ضرر های اجتماعی، خانواده گی، و اقتصادی، مفسده ی روانی، و روحی را در بر دارد که سبب محرومیت از سکون و اطمینان راحت و آسایش میگردد.

بسیاری از انسان ها دیده میشود که با استفاده از این زمینه امروز چون دیوانه، چورتی، معشوق، سفیه، و حیران زنده گی می کنند.

بخاطریکه دروازه به دروازه تعویذ گران رفتند از آنان توجیحات مختلف را پیرامون تکالیف خویش شنیدند، تضاد و تقابل این توجیحات ایشان را روانی ساخته، و فعلا هیچ تصمیم ای اتخاذ نمیتوانند.

بسیاری از تعویذ گران قصدا بخاطر بدست آوردن پول مردم را در دام سحر قرار میدهند، تا ازین طریق حالت روحی و روانی متقاضی را به اضطراب بکشانند، و مردم بار بار به ایشان مراجعه نماید اینجاست که بعضی از ایشان از جادو و سحر کوتاه مدت استفاده مینمایند، و به مردم طوری وا نمود مینمایند که گویا شخص به طور متواتر ووقفه ای تحت کار برد سحر قرار دارد، و باید همیشه و جاری زیر نظارت تعویذ گر باشد، در غیر آن زنده گی برایش ناممکن است.

بسیاری از اشخاص دیده میشوند که با اولین برخورد و آشنایی با انسان از زنده گی و چگونگی حالت خود حکایت میکنند، و چنین مینمایند که مسحور هستند، و شکایت مینمایند که مرا ظالمی سحر و تعویذ نموده است صحتم خوب نیست روزگار و کار و بار ام معیاری نمیشود اهل و عیالم بامن نیستند آنها را از من فاصله داده اند .

پس باید دانست که اکثریت این تصورات حقیقت ندارد، و شخص مصاب بخاطر اینکه با تعویذگران نشست و برخاست دارد این نوع ذهنیت ها برایش بوجود آمده است .

پس واجب یک فرد مسلمان اینست که از الله ورسول آن اطاعت نماید، وبخاطر تکالیف وامراض خویش ودیگران به ادعیه وتعویذات ماثور مراجعه نموده، بر خود بدمد ویا از دم وعاء ای اشخاص بهره گیرد که آنان متشرع، ومتقی اند، تا باشد از شر تعویذگران مفسد، وتعویذات غیر مشروع درامان بماند¹.

مبحث سوم: حکم تعلم تعویذ ورقیه های غیر مشروع وحکم رفتن به نزد ساحران وتعویذ دهنده گان حرفوی

موضوع سحر یکی از موضوعات بسیار مهم بوده که در جامعه امروزی ما ساحرها شب و روز کار میکنند، با تاسف بسیار زیاد باید گفت که مردم ما در پهلوی مشکلات مختلف جنگ، ونا امنی، فقر، و بیکاری ظلم، و بی عدالتی، جهل و بی سوادگی با یک مشکل دیگر اعتقادی واجتماعی نیز دست و پنجه نرم مینمایند که همانا مشکل موجودیت ساحران، وجادوگران کف شناسان، وبخت دانان تعدادی از تعویذ دهنده گان، ودم اندازنده گان وغیره افراد استفاده جو می باشد، که در هر کوچه وبازار دیده میشوند که با برتن نمودن لباس وجامه عوام فریبانه روحانی گری، وبه غرض بدست آوردن متاع اندک دنیا روزانه هزاران مرد وزن مسلمان را نه تنها گمراه بلکه پول در دست داشته ایشان را نیز به تاراج برده ومهمتر از همه دین وایمان وعزت وشرف وعفت آنان را نیز به یغما میبرند.

دراین مبحث ما روی حکم تعلم تعویذ ورقیه های غیر مشروع وحکم رفتن به نزد ساحران وتعویذ دهنده گان حرفوی، وحکم ساحر وحکم حل سحر توسط سحر را تحت چهار مطلب بیان مینماییم.

مطلب اول: حکم تعلم تعویذ ورقیه های غیر مشروع از جمله سحر در اسلام

تعلیم وتعلم سحر حرام بوده دراین مورد هیچ اختلافی بین علماء وجود ندارد، فقط اختلاف دراین است که آیا تعلیم وتعلم سحر کفر است یاخیر؟ دراین مورد علماء چنین میفرمایند:

حافظ ابن حجر رحمه الله درمورد این قول الله متعال { إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ }

ترجمه: هرآینه ما وسیله آزمایش شما هستیم پس کار فر نشو (سحر نکنید). میگوید: که این آیت درحقیقت اشاره به اینست که تعلم سحر کفر است.²

¹-باحث

²-فتح الباری (۲۲۵/۱۰)

ابن قدامه¹ رحمه الله میگوید: تعلم (آموختن) سحر و تعلیم آن به دیگران حرام است که در این مورد هیچ خلاف بین اهل علم وجود ندارد.

حنابله ها هم به این نظراند که ساحر با آموختن و یاد گیری سحر کافر میگردد برابر است که اعتقاد به حرمت آن داشته باشد و یا خیر².

ابو عبدالله رازی³ میگوید: علم داشتن به سحر بد نیست و ممنوع هم نیست محققین به این نظر اتفاق دارند، به این دلیل که علم بشکل عموم به ذات خود شریف است نظر به قول الله تعالی { قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ }⁴ ترجمه: بگو آیا کسانی که (وظیفه خود را در قبال الله) میدانند با کسانی که (چنین چیزی) را نمیدانند آیا یکسان و برابر اند؟

زیرا اگر سحر دانسته نشود چگونه فرق بین سحر و معجزه صورت گیرد؟ و علم داشتن به چیز عاجز کننده واجب است، و تحصیل علم به سحر واجب است، و چیزی که واجب باشد چگونه حرام و قبیح باشد؟⁵

حافظ ابن کثیر رحمه الله نظر ابو عبدالله رازی را رد میکند از چند وجه:

اول: این سخن اش که گفته که آموختن سحر بد و قبیح نیست، توسط این آیت رد میشود شرعا الله تعالی میفرماید: { وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ }⁶ ترجمه: و گروهی از احبار یهود (به آنچه که شیاطین و گناه پیشگانشان درباره سلطنت سلیمان (به هم می یافتند و بر مردم) می خواندند باور داشتند

¹ - شیخ امام الگو علامه مجتهد موفق الدین ابو محمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامه بن نصر المقدسی دمشقی حنبلی در سال ۵۴۱ در ماه شعبان تولد شده و از اهل بیت و اقارب خود هجرت کرده در حالیکه ده ساله بوده و قرآن را حفظ نموده و از سن طفولیت به طلب علم مشغول بود و از جمله بحرهای علم و ادب و دنیا جهان بود اولین بار بطرف بغداد سفر کرده بر طلب علم چهار سال در آنجا بود که فقه و حدیث را آموخته بود و از تصنیفات وی المغنی است که در ده جلد میباشد، الکافی، المقنع، الرقة، در تفسیر و در فقه و در علم اختلاف و یک مقداری در میراث امام بود. (مکتبه الشاملة)

² - المغنی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی / المؤلف: عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسی أبو محمد / ج: ۱۰ / ص: ۱۰۴

³ - محمد بن عبد الله الرازی ابو محمد عبدالله بن محمد بن عبدالله بن عبدالرحمن رازی شعرانی حیری یکی از علماء اهل سنت و جماعت است و از جمله مشهورترین علماء تصوف است در قرن چهارم هجری ابو عبدالرحمن سلمی در موردش میگوید که از جمله بزرگترین مشایخ نیشاپور در وقتش بوده است و در علوم تصوف معلومات زیاد داشت و همچنین در حدیث عالم بود در نیشاپور تولد در سال ۳۵۳ وفات نموده است. (سیر اعلام النبلاء ج: 16، ص: 65-66)

⁴ - سورة الزمر آیت: ۹

⁵ - نقل از تفسیر القرآن العظیم المؤلف: أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی الدمشقی / (۱۴۵/۱) المحقق: سامی بن محمد سلامة الناشر: دار طيبة

للتنشر والتوزيع الطبعة: الثانية 1420هـ - 1999

⁶ - سورة البقرة آیت: ۱۰۲

واز آن پیروی نمودند (چه گمان می بردند که سلیمان علیه السلام پیغمبر نبوده بلکه جادو گر بوده) و حال آن که سلیمان هرگز (دست به نیالوده و) کفر نورزیده است.

در این آیت قباحت تعلم و آموختن سحر بیان شده است در حدیث صحیح هم رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: " مَنْ أَتَى عَرَاْفًا فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ"¹

ترجمه: کسیکه نزد ساحر و یا کاهن برود و از وی در مورد چیزی سوال نماید بدون شک کفر ورزیده است به آنچه که به محمد صلی الله علیه وسلم نازل شده است.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: " من عقد عقدة ونفث فيها فقد سحر ومن سحر فقد أشرك..."²

ترجمه: کسیکه گره بزند، و سپس در آن بدمد بدون شک سحر انجام داده و کسیکه سحر انجام دهد شرک ورزیده است.

و این قول اش که ممنوع و حرام به اساس اتفاق محققین در جواب میگوییم که چگونه محظور و ممنوع نباشد در حالیکه بر این مسأله باید از همه ائمه و علماء مسلمان نص برای ما بیان نماید که چنین چیزی بیان ننموده است، و اینکه آموختن سحر را بر عموم بودن این آیت { قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ }³ داخل نموده است که در حقیقت این آیت اشاره بر مدح علماء و بخصوص علماء علم می باشد.

واز جانب دیگر اگر آموختن این علم ضرورت میبود صحابه و تابعین و ائمه مسلمانان حریص به آموختن این علم میبودند.⁴

ابو حیان⁵ در البحر المحيط چنین میگوید: که حکم تعلم سحر و مانند آن که در آن تعظیم غیر الله و ستاره گان و شیاطین باشد، و بر علاوه الله متعال در مذمت آن صحبت کرده است کفر می باشد به اجماع همه علماء آموختن

¹ - صحیح مسلم / ج ۷ / ص: ۳۷ / مسند أحمد / ج: ۵ / ص: ۳۸۰ / مسند ابی یعلی / ج: ۹ / ص: ۲۸۰ و در روایت مسلم به لفظ (فصدقه لم تقبل له صلاة أربعين يوما) به اسناد حسنه روایت کرده اند.

² - السنن الكبرى للنسائي / ج: ۲ / ص: ۳۰۷

³ - سورة الزمر آیت: ۹

⁴ - تفسیر ابن کثیر (ج: ۱ / ص: ۱۴۵) ⁴

⁵ - ابو حیان اندلسی غرناطی از جمله بزرگترین علماء قرن هفتم هجری است علم را از بزرگترین علماء اندلس بعدش به مصر رفته از علماء آنجا علم آموخته از جمله علماء زبان عربی، و نحو، و صرف و شعر و همچنان دست والا در تفسیر و حدیث و تراجم رجال و قراءات قرآنی و ابو حیان تالیفات زیادی داشته از جمله آن کتاب تفسیر المحيط است. (موقع مقالات اسلام و وب)

و عمل نمودن به آن حلال نیست، و همچنان از نوع تخیل، و شعبده بازی، و تعلم آن برای یک شخص مسلمان مناسب و درست نبوده بریک مسلمان ولو که به هدف تفریح و سرگرمی مردم و این علم را بیاموزد این کار مکروه و ناپسند است.¹

مطلب دوم: حکم ساحر در اسلام

قسمیکه همه میدانیم شر ساحر بسیار زیاد بزرگ و فساد اش بزرگتر از او میباشد، و سبب بوجود آمدن مشکلات زیادی در بین افراد و در بین خانواده ها و حتی در بین اقوام میشود به این اساس علماء میگویند که بر حکام و ولایه امر واجب است برداشتن و دور نمودن ساحر از جوامع اسلامی و شخص مسلمان باید بر حذر باشد از سحر زیرا شری است که سبب فساد در دین میشود، در مورد ساحر علماء نظریات مختلف دارند که در این بحث میپردازیم به آراء بعضی علماء از جمله:

امام مالک رحمه الله میگوید: ساحر ای که سحر میکند او تحت این وعید الله متعال قرار میگیرد که میفرماید: { وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ }²

ترجمه: و مسلماً میدانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد بهره ای در آخرت نخواهد داشت.

نظر ورأی امام مالک رحمه الله اینست که ساحر به اساس سحر نمودن کافر میشود و وقتیکه سحر نمود بر مردم لازم است که او را بکشند.³

ابن قدامه رحمه الله میگوید: که حد ساحر قتل اوست، و این نظر عمرو، عثمان بن عفان، و ابن عمر، و حفصه، و جندب بن عبدالله، و جندب ابن کعب، و قیس بن سعد، و عمر بن عبدالعزیز و یک قول امام از ابوحنیفه رحمه الله و امام مالک رحمه الله است. قرطبی⁴ رحمه الله میگوید: فقهاء در مورد حکم ساحر مسلمان اختلاف دارند.

1- تفسیر البحر المحیط مؤلف: محمد بن یوسف الشهیر بأبی حیان الأندلسی/ج:1/ص:497 دار النشر: دار الکتب العلمیة - لبنان/ بیروت - 1422 هـ - 2001 م

2- سورة البقرة آیت: 102

3- المنتقی شرح الموطأ/باب: ماجاء فی الغیلة والسحر/ج:4/ص:242

4- ابو عبد الله محمد بن أحمد بن ابی بکر بن فرح أنصاری خزرجی اندلسی وقرطبی مفسر است صاحب تفسیر الجامع فی احکام القرآن است در قرطبه تولد شده در اندلس و در آنجا عربی و شعر را وقرآن و نحو و فقه و قراءات و بلاغت و علوم قرآن را آموخته است و بعداً به مصر آمده است و در آنجا سکونت کرده و در همانجا وفات کرده در شب دوشنبه نهم شوال سال ۶۷۱ هجری و قبراش در منیا در شرق نیل قرار دارد. (اسلام ویب)

امام مالک رحمه الله به این نظر اند که اگر مسلمان سحر نمود خودش به کلام ای که در او کفر باشد قتل میشود اصلاً از ش طلب توبه هم نشود و توبه او هم قابل قبول نیست چنانکه الله متعال سحر را کفر نامیده است: { وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ }¹

ترجمه: و به هیچ کس چیزی را نمی آموختند مگر اینکه پیشاپیش بدو میگفتند: ما وسیله آزمایش هستم کافر نشو.

و این قول امام احمد بن حنبل، و ابی ثور²، و اسحاق³ و امام شافعی و امام ابوحنیفه رحمه الله است و امام شافعی رحمه الله رأی اش اینست که فقط به سحر نمودن ساحر کشته نشود بلکه در صورتی کشته میشود که توسط سحر اش کسی بمیرد و بخاطر قصاص مسحور ساحر کشته میشود.⁴

و ابن منذر⁵ میگوید: که اگر ساحر اقرار کرد که او سحر کرده به الفاظ ای که در آن کفر باشد اگرچه توبه کرده باشد قتل او واجب است در صورت که با دلایل ثابت شده باشد که در الفاظ او کلمات کفری وجود دارد.

حافظ ابن کثیر رحمه الله با استدلال به این قول الله تعالی { وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ }⁶ ترجمه: اگر آنان ایمان می آوردند و پرهیزگاری میکردند (پروردگار پاداش نیکی به آنان میداد و چنین) پاداشی که نزد الله (محفوظ) است، بهتر از (افسانه ها و بد نهادیها) است، اگر (علم و دانشی می داشتند) (و) می دانستند.

1- سورة البقرة آیت: ۱۰۲

2- ابراهیم بن خالد امام حافظ مجتهد مفتی عراق کنیه اش ابو ثور کلیبی بغدادی فقیه و کنیه دیگرش ابو عبدالله است در سال ۱۷۰ تولد شده از سفیان بن عیینه و عبیده بن حمید و وکیع بن جراح و ابی عبدالله شافعی حدیث شنیده و بیشتر از ۷۰ سال و یا زیادتر در سال ۲۴۰ وفات نموده است. (سیر اعلام النبلاء طبقة سیزده هم) ص: ۷۳

3- محمد بن اسحاق بن یسار بن خیار ابو عبدالله قرشی مطلبی صاحب سیرت النبی ابن اسحاق در سال ۸۰ تولد شده و با انس بن مالک در مدینه ملاقات نموده و با سعید ابن مسیب ملاقات نموده و او اولین کسی است ککه علم را در مدینه تدوین کرده است امام شافعی رحمه الله میفرماید: کسیکه میخواهد بحر علم را فرا بگیرد او از ابن اسحاق میتواند فرا بگیرد در مغازی از حافظ ترین مردمان بود در مغازی علامه بود و ابن اسحاق مردی بود که بزرگان اهل علم از و آموخته اند. (سیر اعلام النبلاء طبقة ششم / ص: 34)

4- تفسیر قرطبی (ج: 2/ ص: 41-48)

5- امام حافظ علامه شیخ الاسلام ابوبکر محمد بن ابراهیم بن المنذر نیشاپوری و فقیه درمکه رفته و صاحب تصانیف زیادی میباشد از جمله کتاب "الإشراف في اختلاف العلماء" و کتاب "الإجماع ، والمبسوط" و تولد وی در زمانی صورت گرفته که در آن ایام امام احمد بن حنبل وفات کرده از جمله فقهای مذهب شافعی حساب میشود درمکه وفات نموده در سال ۳۰۹ و یا ۳۱۰ درمکه. (سیر اعلام النبلاء: طبقة هژده هم / ص: ۴۹۱)

6- سورة البقرة آیت ۱۰۳

کسانی است که ساحر را تکفیر میکنند مانند: روایت ایکه از امام احمد بن حنبل است و گروه دیگری از علماء سلف نظرشان اینست که ساحر صرف کافر نمیشود بلکه بالایش باید حد جاری شود و حد اش هم زدن گردن وی است.

واز امام شافعی و احمد بن حنبل نیز یک روایت است که میگویند: که سفیان پسر عیینه بر ما خبر داد که از عمرو بن دینار از بجله بن عبده شنیده که میگفت: عمر ابن خطاب رضی الله عنه نوشته کرد که هر ساحر و ساحره را بکشید پس ما سه ساحر را به قتل رسانیدیم¹.

امام احمد (رحمه الله) میفرماید: از سه نفر اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم قتل ساحر ثابت است.² حافظ ابن حجر عسقلانی میگوید: به نزد امام مالک رحمه الله حکم ساحر مانند زندیق است که توبه اش قبول نمیشود و کشته میشود که این قتل در حقیقت حد است، برش در صورتیکه ثابت شود که ساحر است و همین نظر را امام احمد بن حنبل رحمه الله هم دارد.

ولی امام شافعی رحمه الله نظر اش اینست که ساحر کشته نمیشود تا زمانی که اعتراف نکند و اینکه با سحر اش کسی را کشته باشد در این صورت کشته میشود نه در غیر آن.

این خودش قصاص است در مقابل قتل کسیکه بر اثر سحر این ساحر وفات کرده است.³

خلاصه اینکه چنانچه که گذشت جمهور علماء به این نظر اند که ساحر باید قتل شود بجز امام شافعی رحمه الله نظر اش اینست که ساحر قتل نشود مگر در صورتیکه توسط سحر اش کسی را کشته باشد در این صورت بخاطر قصاص قتل میشود.

مطلب سوم: آیا از بین بردن سحر از طریق سحر جواز دارد؟

حکم فک یا از بین بردن سحر از طریق سحر آنچه که در بین عوام معروف است اینست که سحر را جز خود ساحر کس دیگری نمیتواند باطل نماید این موضع کاملاً مخالف با شریعت اسلامی بوده و جواز ندارد ک مسلمان

1- امام بخاری رحمه الله این حدیث را تخریج نموده (۲۵۷/۶ فتح) بدون ذکر قصه ساحران.

2- تفسیر ابن کثیر (ج: 1/ص: 371-373)

3- فتح الباری (۲۳۶/۱۰)

نزد ساحر مراجعه نماید، انسان مسلمان بخاطر حفظ عقیده ودین خود از مراجعه نمودن به ساحر برحذر باشد
قسمیکه علماء در مورد چنین می گویند:

سعید بن مسیب رحمه الله¹ جواز داده است، قتاده میگوید که از سعید ابن مسیب سوال کردم در مورد حل سحر
ایکه در میان خانم وشوهر است آیا حل آن از طریق سحر جواز دارد؟ در جواب گفتن که مشکلی نیست در صورتیکه
به هدف اصلاح ونفع رسانیدن باشد از آن منع نشده است².

امام قرطبی رحمه الله میگوید: علماء در مورد اینکه از ساحر دفع سحر خواسته شود علماء اختلاف دارند.

امام شعبی³ رحمه الله هم مانند سعید ابن مسیب به این نظر است که نشره یعنی حل سحر توسط سحر مشکلی
ندارد، اما حسن بصری رحمه الله این عمل را ناروا و بد میدانست⁴.

ابن قدامه رحمه الله میگوید: اگر اربین بردن یا حل نمودن سحر توسط چیزی از قرآن باشد یا از اذکار و دعاها
صحیح پس در این صورت مشکلی نیست، واگر با سحر از بین برده شود در این صورت امام احمد حنبل سکوت
کرده است⁵.

حافظ ابن حجر در مورد قول رسول الله صلی الله علیه وسلم می گوید: "النُّشْرَةُ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ"⁶. یعنی:
نشره کار شیطان است. رسول الله صلی الله علیه وسلم اشاره به اصل آن نموده است، اما اگر کسی به نیت وهدف
نیک آن را به کار گیرد درست در غیر آن شر است. ونشره به دونوع است:

¹- سعید ابن مسیب ابن حزن بن ابی وهب بن عمرو بن عائد بن عمران ابن مخزوم بن یقظه عالم اهل مدینه بود وسردار تابعین بود در زمانش بعد از خلافت عمر دوسال بعد تولد
شده است عمر را دیده وازعلی وعثمان وزید بن ثابت وبسیار دیگری از صحابه حدیث شنیده عابد ومتقی با قناعت بود ونام اش بخاطر طاعت وعبادت زیاد سعید گفته میشد واز
اهل معاصی وجهالت به دور بود وبرمال ومنصب دنیا حلقات حدیث ومشغول بودن به حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم ترجیح داده بود. (سایت انترنتی صید الفوائد)

²- امام بخاری رحمه الله ایت حدیث را به همین شکل معلقا تخریج نموده(۲۳۲/۱۰فتح)

³- عامر بن شراحیل بن ذی کبار ابو عمرو همیانی وشعبی در خلافت عمر رضی الله عنه تولد شده وگفته شده که در سال ۲۱ تولد شده شعبی یک شخص لاغر
بود شیوخ اش: سعد ابن ابی وقاص وسعید بن زید وابو موسی اشعری وابو هریره.... وکثیر العلم بود ابن سیرین میگوید: که به کوفه آمدم ودیدیم که نزد شعبی
یک حلقه بزرگ از صحابه بود وهیچ کسی عالم تر از او در حدیث فرکوفه و بصره وحجاز نبود امام بود حافظ بود وفقیه بود. (تقریب تهذیب، وسیر اعلام النبلاء)

⁴- تفسیر قرطبی (ج:۲/ص: ۴۹)

⁵-المغنی مؤلف: عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسي أبو محمد (۱۱۴/۱۰)

⁶- سنن أبی داود (ج:۴/ص: ۵)

الف نشره جائز: عبارت از حل و ازبین بردن سحر توسط قرآن و ادعیه و اذکار مشروع . ب: **نشره حرام:** عبارت از حل و ازبین بردن سحر توسط سحر و کسانیکه استعانت و طلب کمک از شیاطین مینمایند و تقرب و نزدیکی با شیاطین و بدست آوردن رضایت آنان دارند.¹

و چگونه جواز داشته میتواند این نوع از نشره؟ در حالیکه رسول الله صلی الل علیه وسلم صریحا از آن منع نموده است حتی رفتن نزد ساحر را منع نموده و بیان نموده است: هر که ساحران و فال بینان را تصدق نماید در حقیقت به آنچه که به محمد صلی الله علیه وسلم نازل شده کفر ورزیده است. امام مسلم رحمه این حیث را با این الفاظ در کتاب خود روایت نموده است . که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند "مَنْ أَتَى عَرَّافًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً"² کسیکه نزد ساحر و یا کاهن برود و از وی در مورد چیزی سوال نماید نماز وی چهل شبانه روز قبول نمیشود.

ابن قیم رحمه الله حل و ازبین بردن سحر را از مسحور به دو نوع بیان نموده است .

الف: حل و از بین بردن سحر توسط سحر که این خود از عمل شیطان و ناجایز است، و سخن حسن بصری رحمه الله را نیز بر این حمل مینماید به اینکه کسیکه اربین میبرد و کسیکه خواستار ازبین بردن سحر توسط سحر است هر دو بر شیطان نزدیک میشوند تا اینکه شیطان از مسحور سحرش را ازبین میبرد .

ب: حل و ازبین بردن سحر توسط آیات قرآن ادعیه و اذکار مباح که این نوع حل جایز میباشد.³

به اساس تمام آیات و احادیث که ذکر شد به این نتیجه میرسیم که سحر و جادوگری شرک است، و کسی به آن نمی رسد مگر با عبادت جن و نزدیک شدن با آنان با انجام دادن اعمالی مانند: ذبح برای آنان و غیره پس همه میدانیم که عبادت کردن آنان یعنی شرک ورزیدن به الله سبحانه و تعالی بوده بنابر این هر کاهن و ساحر ایکه ادعا دانستن غیب را میکند در حقیقت به حرف های شیطان ها و جن ها گوش می دهند و تا زمانی شیاطین و جنیات کار آنان را پیش نمیرند که آنان کافر نشوند و هر آنچه چیزی که آنان برشان امر مینمایند انجام ندهند .

¹ - مراجعه شود به کتاب وقایع الإنسان من الجن والشیاطین مؤلف: وحید بن سلام البالی (ص: ۱۱۵) سال نشر: ۱۴۱۸ هج/ ۱۹۹۷ م مکتبه التابعین (القاهرة)

² - صحیح مسلم باب: تحریم الکهانة وإتیان الکهان / ج: ۷/ ص: ۳۷

³ - إعلام الموقعین عن رب العالمین المؤلف: محمد بن أبی بکر آیوب الزرعی أبو عبد الله / ج: ۴/ ص: ۳۹۶ الناشر: دار الجیل - بیروت، ۱۹۷۳ تحقیق: طه عبد

مطلب چهارم: حکم رفتن به نزد ساحر

در مطالب فوق در مورد ساحر و اعمال آنان بیان شد و حالا حکم کسی که نزد آنان برود و آنچه که آنان در مورد غیب می گویند باور و تصدیق بکند کفر است، به دلیل حدیث ایکه امام احمد رحمه الله و اصحاب کتب سنن از ابوهریره رضی الله عنه روایت میکنند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « مَنْ أَتَى عَرَّافًا أَوْ كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ¹ » کسی که نزد فالیین و یا ساحر و عراف برود و آنچه را که آنها میگویند تصدیق نماید پس به آنچه که به رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل شده کفر ورزیده است. و حدیث دیگری که امام مسلم رحمه الله با این الفاظ روایت نموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "مَنْ أَتَى عَرَّافًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً"² کسیکه نزد ساحر و یا کاهن برود و از او سوال بکند چهل شبانه روز نمازش قبول نمیشود.³

احادیث ای را که ذکر کردیم به طالب حق نشان میدهد که طالع بینی و سحر این همه از علوم دوران جاهلی بوده که الله متعال آن را حرام قرار داده است، و اسلام به بطلان و تحذیر از نزدیک شدن به آن و یا عدم تصدیق آن امر نموده است .

و نصیحت من به تمام کسانی که این افعال را انجام میدهند و یا نزد چنین ساحران میروند اینست که به سوی الله عزوجل توبه کنند و طلب استغفار و بخشش نمایند، و در تمام امور به الله متعال توکل نمایند، اما در کنار این از اسباب شرعی و مباح کار بگیرند که همانا علاج از طریق رقیه و دم و دعاهای مشروع میباشد که توسط آیات قرآن و ادعیه و اذکار ایکه در احادیث و آثار ثابت است، و از اعمال جاهلی دوری نمایند و نزد افراد ساحر، جادوگر تعویذگر، و مفسد نروند و از ایشان دوری جویند تا بتوانند از دین و عقیده خود محافظت نمایند و از غضب الله سبحانه و اسباب شرک دور باشند زیرا کسی که بر شرک بمیرد دنیا و آخرتش را از دست داده است الله سبحانه و تعالی میفرماید: { إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا }⁴ ترجمه: بیگمان الله هرگز شرک به خود را نمی بخشد، ولی گناهان جز آن را از هرکس که بخواهد می بخشد، و هرکه برای شریکی قاتل گردد، گناه بزرگی را مرتکب شده است .

¹ - سنن بیهقی / ج: ۸ / ص: ۱۳۵ مؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي الناشر: مكتبة دار الباز - مكة المكرمة، 1414 - 1994 مسند امام احمد و شيخ آلبنی رحمه الله آن را صحیح میدانند .

² - صحیح مسلم باب: تحريم الكهانة وإتيان الكهان / ج: ۷ / ص: ۳۷

³ - الصارم البتار في التصدي للسهرة الأشرار مؤلف: وحيد بن عبدالسلام بالي / ص: ۸۸-۸۹ دار الطبع: مكتبة الصحابة جدة - الشرقية / القاهرة حلمية الزيتون مكتبة التابعين.

⁴ - سورة نساء آيت: ۴۸

ضمائم بحث

اصل موضوع ای که روی آن بحث میشود رقیه و دم مشروع و غیر مشروع در پرتو قرآن و سنت است، و ما در جامعه ای زنده گی مینماییم که مردم آنقدر از دین و عقیده صحیح اسلامی به دور مانده اند زمانیکه سخن از این موضوعات برمیآید یک چیز نا آشنا و غریب به نظر میرسد، تا جاییکه ما مبینیم مردم بیشتر بخاطر حل مشکلات خود و یا بعضی ها بخاطر به چالش کشیدن زنده گی دیگران مراجعه مینمایند به ساحران بدون در نظر داشت اینکه در مورد حرمت این موضوع و وعید های که در احادیث در این مورد ذکر شده است باندیشند، پس از طرف دیگر متأسفانه ساحران با استفاده از این جهالت مردم بازار گرم ای دارند و در هر جا سرگرم فریب دادن مردم و بدست آوردن مالهای آنان به بهانه های مختلف میباشند، و مردم هم بیشتر مراجعه به آنان مینمایند نسبت به راقی شرعی، و اینکه امروز بخشی از موضوع مورد بحث مان سحر است نظر به اینکه مردم بیشتر به آنان مراجعه مینمایند و سبب بمیان آمدن بد بختی های زیادی در جامعه ما و در بین خانواده ها شده به این اساس خواستیم روی این موضوع بشکل مفصل و واضح صحبت نماییم با بیان حقایق این چنین دجال ها و همچنان چشم دید مردم و واقعات حقیقی ای که در بین مردم رخ داده است، که در مورد با اشخاص متخصص مصاحبه صورت گرفته است.

قسمیکه میدانیم سحر یک موضوع پوشیده است بناء ساحر به هیچ وجه نمیخواهد که هویتش آشکار شود و او را ساحر و یا جادو گر بنامند .

بناء همچون اشخاص در جامعه ما از نام های مانند: لشکری، ملا، سادات، مولوی، ایشان، آغا صاحب، پری گل استفاده غلط مینمایند.

بناء بر ما لازم است تا آن هارا شناسایی و برای مردم هویت اصلی آنها را بر ملا سازیم .

نشانه های ساحر چیست؟

جواب: اسم قاری فضل کریم خادم تحصیل: لیسانس وظیفه: راقی

۱- پرسیدن نام و نام مادر مریض .

۲- دادن اوراق بخاطر سوختاندن. مثل: دودی

۳- کشیدن رجایی که دارای علامات سحر باشد بالای مریض .

۴- دادن بعضی اشیاء بخاطر دفن کردن .

۵- آگاهی از بعضی حالات مریض که درگذشته واقع شده مثلا: میگوید چند خواهر و چند برادر دارد و از کدام منطقه آمده است .

۶- خواستن بعضی نشانی های مریض مثلا: میخواهد لباس وزیر پیراهنی و یا کلاه و چادر مریض را میخواهد.

۷- غیب گویی در مورد بعضی چیزهای که پیش بینی میکند در مورد آینده مثلا: در آینده با چگونه شخص ازدواج میکند و چند طفل میداشته باشد .

۸- منع کردن مریض از یکی از عبادت های خاص .

۹- منع نمودن از رفتن به بعضی جاها مانند: مرده خانه، خانه که در آن جدیدا طفل تولد شده باشد تا پوره شدن چهل روز، و عروسی، و منع نمودن از خوردن گوشت گاو .

یک شخص چطور ساحر میشود؟

جواب: اسم قاری فضل کریم خادم تحصیل: لیسانس وظیفه: راقی

الف: وقتی یک شخصی میخواهد ساحر شود مراجعه میکند بر ساحر بزرگ ازو تعلیم سحر میخواهد بعضا که خواست اش راقبول میکند بعدا یک سلسله اوراد شیطانی را براو یاد میدهد، و براو توصیه میکند که کسی آگاه

نشود اگر آگاه شود ضرر میبینی، وبعدها شاگرد اوراد شیطانی را گرفته به جای مخروبه رفته وآنجا آنرا میخواند، وچهل روز روزه و نماز راترک میکند بعدا یک جن شیطانی را نزد او فرستاده و ازو میپرسد که هدف شما چیست ؟ که این سختی هارا بخاطر چی تحمل میکنید؟ باز میگوید : که من میخواهم که سحر بیاموزم باز ابلیس چند جن را در اختیارش قرار میدهد، بعد از آنکه جن مطمئن شد این نفر او ساحر میباشد بعدا چند جنیات را در اختیارش قرار میدهد بواسطه آن سحر می کند، وبخاطر بلند بردن ظرفیت خود ساحر ضرورت دارد تایک جرم بزرگ انجام دهد مثل: زنا بامحارم لواط با محارم، نوشتن آیات قرآن با خون حیض پودر جور کردن اوراق قرآن و بعدا آن را میسوزاند، جور کردن قرآن بشکل چپلق ورفتن به تشناب با آن .

ویا اینکه قربانی ویا نذر کردن حیوانات بنام ابلیس و سجده کردن به ابلیس وادار کردن به محراب مسجد.

ازشاگردان ساحر ابلیس میخواهد امتحانش بگیرد تا که او روحش خبیث شود توسط این کارها تعیین میکند که این شخص روحش خبیث شده وبعدها میتواند که ساحر شود.

ب : طریقه دوم ساحر ساختن

بعضی اوقات بی توجهی ما در مقابل دعاهای ماثوره واذکار صبح وشام ودعاهای مخصوص بعضی حالات را مانند: داخل شدن بیت الخلا ، لباس پوشیدن، نخواندن این دعا ها باعث میشود که شیطان در وجود ما داخل شده و مارا مسخ میکند بعدازینکه جن جادوگر مارا مسخ کرد بعدش مارا وادار به سحر و جادو مینماید. مانند: بعضی پری زن ها

ج: طریقه سوم

وقتیکه یک خانم خفه وجگر خون میباشد مثلا: ازطرف خانواده مورد لت وکوب قرار گرفته باشد ویا یک ظلم در حق وی شده باشد وزمانیکه این خانم به گوشه نشینی آغاز میکند شیطان نزد وی آمده از گوشه نشینی وی استفاده نموده داخل جسم وی میشود وآنرا سحر میکند که بعدش او را امر به سحر نمودن مینماید.

بعضی سوالات که با مصاحبه نمودن با خواهران و برادران مسلمان مان جوابهای مختلف بدست آوردیم
با بیان سرگذشت زنده گی آنان.

سوال اول: چرا تعداد مردان ساحر بیشتر از زنان ساحره است؟

اسم: راضیه ولد: عبدالرحمن درجه تحصیل: لیسانس

جواب: چون وظایف ایکه یک ساحر به شاگردش میدهد به جا آوری آن وظایف بریک زن بالاتر از توانایی وی
است و نمیتواند به آن حد وظایف را انجام دهد.

سوال دوم: شما به نزد ساحر رفته اید درخواست چند پول را از شما نموده؟

جواب:

اسم: عباس ولد: امان الله درجه تحصیل: فارغ مکتب

بلی مارفته ایم واز ما بخاطر حل مشکل ما بیست هزار افغانی درخواست نمود.

اسم: خدیجه ولد: شیراحمد درجه تحصیل: فارغ دوازده

ازما ده هزار درخواست نموده.

اسم: رقیه ولد: عبدالمالک درجه تحصیل: محصل

ازما پنجاه هزار افغانی درخواست نموده بود

اسم: احمدالله ولد: عبدالرب درجه تحصیل: ماستر

ازما ۱۵ هزار افغانی درخواست نموده بود

اسم: زینب ولد: عبدالمنان درجه تحصیل: فارغ دارالعلوم

از ما هفت هزار افغانی درخواست نموده بود .

سوال سوم: آیا ساحر نام و نام مادر را میپرسد و چرا میپرسد دلیلش چیست؟

جواب: اسم قاری فضل کریم خادم تحصیل: لیسانس وظیفه: راقی

بلی میپرسد و این کار ایشان دو دلیل دارد .

الف: از طریق نام مادر میتواند یک کسی را پیدا کند به زودی چون طفل زیاد تر با مادر میباشد و خوی و بوی مادر را میداشته باشد.

ب: امکان دارد از عین پدر نباشد ولی از مادر یکی باشد و یا اینکه ولد زنا نباشد .

اسم : شایسته ولد : عبدالحکیم درجه تحصیل: متعلم صنف دوازده

جواب: بلی میپرسد .

سوال چهارم : آیا ساحر عبادت میکند؟

جواب: اسم: قاری فضل کریم خادم تحصیل: لیسانس وظیفه: راقی

بلی عبادت میکند ساحر دونوع عبادت میکند:

الف: بخاطر اینکه مردم بالایش شک نکنند در ظاهر روزه میگیرد و نماز میخواند .

ب: اما در باطن او یک وقت مشخص میداشته باشد و عبادت پنهانی اش را مینماید که در مورد یک ساحر بر ما

گفتن که او سجده بر شیاطین مینمود بشکل حیوان شیطان برش ظاهر میشد در یک وقت مشخص به او سجده

میکرد یا به شکل پشک و یا بشکل سگ ظاهر میشد شیطان تا که بروی سجده نموده و روح این ساحر

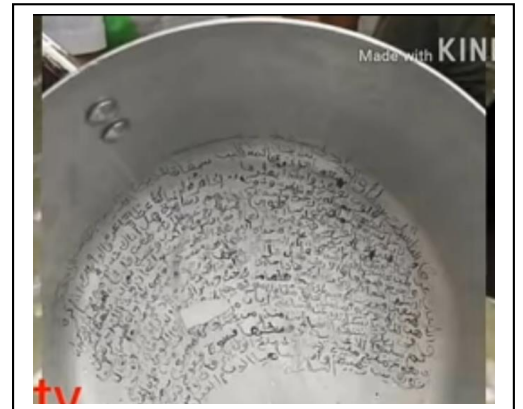
و تا زمانی که روح ساحر خبیث نشود شیطان برش کار نمیکند .



سوال آیا ساحر چیزی را بردود کردن داده بود برتان اگر داده بود اوچه بوده است؟

اسم: رابعه ولد: گل احمد درجه تحصیل: خانم خانه

جواب: بلی یکی دودی داده بود ویکی هم خس چهار راه را گفته بود جمع بکن ودود بکن وحتى بعضی اوقات توصیه میکنند که مرچ سرخ دود شود درخانه وازو بد تر اینکه درجریان تحقیق یکی از خواهران مان قصه حقیقی وچشم دید خودرا چنین بیان کرد: زن ایورم بسیار نزد ساحر مراجعه میکرد ودرخانه مشترک زنده گی میکردیم فکر میکرد که زن های ایور اش با او حسادت میکنند ودرحق اش سحر میکنند وخوشی هایش را دیده نمیتوانند پس روزی ازخانه مادرش برگشت به خانه آمد وبا خود بقه مرده خشک شده را آورده بود وآنرا دریک ظرف گذاشت بالای آتش ماند که بسیار بوی بدی ازو بلند زمانیکه سبب این کارش سوال کردند گفت که این همه تعویذات وسحرهاییکه به من شده اورا زایل میکند .



سوال پنجم: سبب مراجعه شما نزد جادو گر چه بوده است ؟

جواب: اسم: ناجیه ولد: محمد علم درجه تحصیل: خانم خانه

بخاطر بی اولادی.

اسم: صدیقه ولد: عبدالاحد درجه تحصیل: فارغ دوازده

بخاطر باز نمودن بخت



اسم: سودابه ولد: عبد الرحیم درجه تحصیل: لیسانس

- بخاطر اتفاق و آشتی دادن زن وشوهر

اسم: ریحانه ولد: محمد گل درجه تحصیل: خانم خانه یکی از اقارب ما نامزد شده بود به نامزد

خود علاقه ای نداشت به این اساس فامیل پسر نزد ساحر مراجعه نموده وساحر برشان بعضی دودی وتعویدها

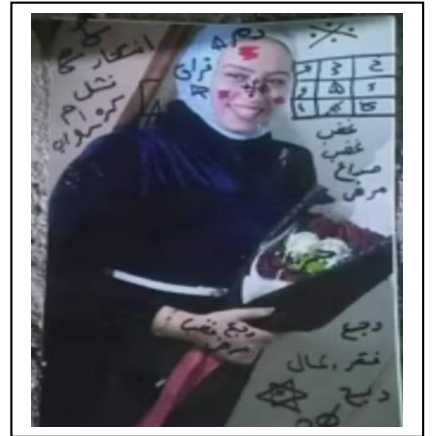
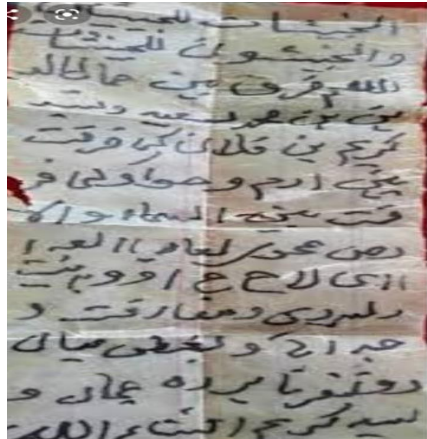
داد که بعدا ارتباط این پسر با نامزدش خوب شد وبه عروسی راضی شدند.



-بخاطر تفرقه بین دوشخص وکم شدن محبت ودوستی ایشان

اسم: رویدا ولد: عیدی محمد درجه تحصیل: خانم خانه

دختر یکی از اقارب ما به پسر کاکایم نامزد شد وهمه چیز بسیار خوب پیش میرفت که دفعتا دختر بعد از گذشتن چند روزی از تصمیم خود منصرف شد وبعدا خانواده پسر مراجعه به ساحر کرد بخاطر راضی ساختن وی ولی درحقیقت چنین نبود بدون اینکه همه بدانند خانم برادر بزرگ داماد تعویذ را بنام راضی ساختن دختر میآورد ظاهرا اما او تعویذ درحقیقت برعکس بوده که به جای راضی ساختن دختر ناراض ساختن وی بود واین که نامزدی فسخ شود که بالاخره این نامزدی به فسخ انجامید وکسی را که خانم برادر داماد میخواست به خواستگاری او رفته و او پسر را نامزد ساخت بعدا عروسی کرد اما سحر سبب این شد که هم پسر متنفر از نامزد قبلی شود و همین قسم دختر از نامزدش متنفر ساختن بواسطه سحر...



اسم: زرافشان ولد: گل آقا درجه تحصیل: خانم خانه

بخاطر کاریابی

اسم: رونا ولد: عبدالفتاح درجه تحصیل: لیسانس

بخاطریکه من فکر میکردم که سحر شده ام وسخت مریض بودم.

بخاطر ما جایی خواستگاری میرفتیم و اونا راضی نبودن به دادن دختر خود بخاطر راضی ساختن و بند نمودن زبان شان .

اسم : شیرین گل ولد : باز محمد درجه تحصیل : خانم خانه

بخاطر وظیفه گرفتن

اسم : رحمت الله ولد : فضل هادی درجه تحصیل : فارغ دوازده

بخاطر بند نمودن کار یک کسی .

اسم : لطیفه ولد : گل رحمن درجه تحصیل : خانم خانه

بخاطر بریدن زردی.

سوال ششم : وقتی بخاطر بی اولادی برساحر مراجعه نمودید شمارا چی توصیه کرد؟

اسم : زهرا ولد : عبدالله درجه تحصیل : خانم خانه

جواب: از رفتن به مجالس مانند: عروسی خانه که در آن جدیدا طفل متولد میشود وهمچنان خانه که در آن کسی وفات میکند من را ازین خانه ها برچهل روز منع نمود وهمچنان از خوردن گوشت گاو منع نمود .

وهمچنان مرا به آوردن یک حیوان توصیه کرد که باید او حیوان آورده و خون یعنی ذبح شود.



جواب ما :

بی اولادی دو دلیل میداشته باشد:

۱- **طبی** : که خانم مشکلات ای مانند: جاغور ویا امراض اتتانی ویا اینکه رحم اش سوی شکل میباشد، ویا اینکه نفیره ها بند میباشد امثال این مشکلات .

۲- **روحانی**:

الف: سحر عدم اولاد

کسی نزد ساحر مراجعه مینماید براو خانم سحر مینماید که او ساحر یک جن را موظف میکند که او جن آمده دراه تخمدان مینشیند ونمیگذارد که ای خانم حمل بگیرد به این شکل خانم نمیتواند صاحب اولاد شود.

ب: جن عاشق

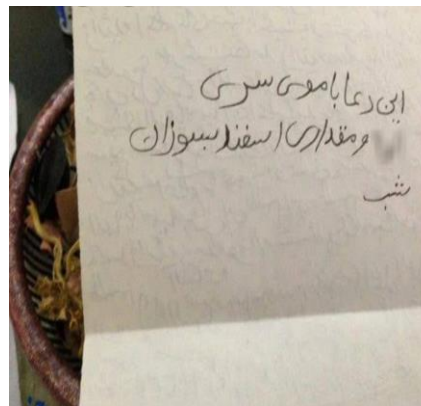
جن عاشق در رحم جای میگيرد زمانیکه نطفه خودرا بزرگ مینماید درماه دوم وسوم او جن نطفه را با لگد زده و اورا ازبین میبرد ، زمانیکه این خانم نزد ساحر مراجعه مینماید برش گفته میشود که شما صبیان دارید که بعدش ساحر ازو مریض میخواهد که یک مرغ بیاورد و آن مرغ را ذبح نموده خود ساحر آنرا نمیخورد بلکه آنرا برجای میاندازد که جنیات خبیثه آنرا میخورند وبعدا از جن میخواهند که ازونجا بیرون شود واو گپ شان را قبول نموده بیرون میشود ولی به جایش جن دیگری را موظف مینماید بعدا خانم میتواند حمل بگیرد .¹

¹ - الصارم البتار فی التصدی للسخرة الأشرار مؤلف: وحید بن عبدالسلام بالي / ص: 206 دار الطبع: مكتبة الصحابة جدة- الشرقية / القاهرة حلمية الزيتون مكتبة التابعين.

سوال هفتم: آیا شما تا حال بخاطر کاریابی بر ساحر مراجعه نموده اید چه توصیه کرده بر شما؟

اسم: قدیر ولد: عبدالله خان درجه تحصیل: فارغ دوازده

جواب: بلی مراجعه نموده ام زمانیکه نزد یک ملا رفتم اول کتاب راباز نمود بعدا بعضی دعا هارا میخواند بعدا از من سه چیز را خواست ۱- سپند ۲- آهن ربا ۳- بوره وزمانیکه اوناره برشان بردم دم انداخت وگفت اسپند را هفت جمعه دود کن درخانه وآهن ربا رانیز با یک تعویذ یکجا نموده برم داد وگفت که این آهن ربا دولت ودارایی رابرت کش میکند.



سوال هشتم : خرمهره چیست ؟

اسم : شایسته ولد : عبدالکریم درجه تحصیل : لیسانس

جواب : عبارت از یکنوع مهره ای است که اصلا این مهره بخاطر احمق ساختن یک شخص استفاده میشود که خصوصا بعضی از زنان بخاطر جلب توجه و محبت شوهر خود بطرف خود ازین وسیله استفاده مینمایند .

ویا بخاطر احمق ساختن هر شخص دیگری ازین مهره استفاده میشود قسمیکه این مهره هارا شخص گرفته و به نزد ساحر مراجعه میکند و او به قیمت بسیار گزاف دم میاندازد در جریان این تحقیق یکی از خواهران مان چشم دید خود برایم حکایت نمود وگفت که این

مهره ها را حتی به قیمت سی هزار افغانی چهل هزار افغانی وازوبیشتر یک ساحر دم مینماید وبعدا این مهره نزد شخص میباشد وبرایش ساحر میگوید : که این مهره ها نزدت باقی بماند و بادیدن شخص ای راکه بالایش سحر نموده این مهره را لمس نماید ویا

مالش نماید با انگشتان خود باز در این صورت است که این مهره ها تاثیرات خودرا میداشته باشد بالای شخص مسحور .



سوال نهم : و آیا شما تا حال بخاطر گرفتن خرمهره به ساحر مراجعه نموده اید؟

اسم: مینه بنت : تاج الدین درجه تحصیل: لیسانس

جواب: نخیر خودم مراجعه نمودیم اما یک قصه حقیقی ای که چشم دید خودم است برایتان بیان مینمایم یکی از اقارب مان باشوهرش در کشور ایران زنده گی میکردند بین خانم وشوهر مشکلات پیدا شد وشوهر تصمیم طلاق دادن گرفت ویک یا دو طلاق لفظ طلاق هم دریک مجلس برش استفاده کرده بود حتی بعضی ها میگفتند که سه طلاق دریک مجلس برخانم گفت بلاخره خانم شوهر از ایران آمدن افغانستان وهمه قوم واطرافیان شان خبرشدند بزرگان قوم دو طرف جمع شدند بخاطر حل ای مشکل بین خانم وشوهر ولی شوهر قبول نکرد ودرتصمیم خود جدی بود فامیل این خانم درپاکستان زنده گی میکرد وتصمیم براین شد که شوهر خانم خودرا به پاکستان برده وبه فامیلش تسلیم نماید وبرگردد خواهر دیگر این خانم هم درافغانستان بود به نزد ساحر مراجعه نموده وساحر برایشان خرمهره را داد واین بود که خرمهره را خانم مطلقه نزد خود گرفت وای شوهر وخانم حرکت کردند بطرف پاکستان که درنصف راه در جلال آباد دفعتا شوهر دوباره برگشت وازتصمیم خود منصرف شد باوجود جدیت بسیار زیاد که قبلا داشت ولی همین خرمهره سبب شد که شوهر را خاموش نماید وازتصمیم اش منصرف نماید .



سوال دهم: چشم مهره چیست؟

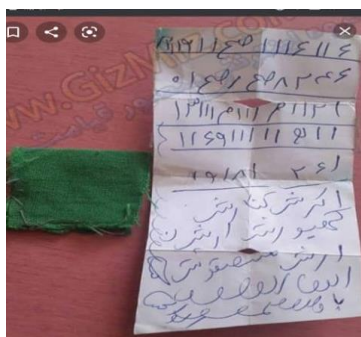
اسم: رمزيه ولد: محمد زمان درجه تحصیل: فارغ چهارده هم

جواب: یک نوع مهره ای است که در آن شکل چشم به یک شکلی حتما میباشد و از چشم مهره بخاطر حفاظت اطفال بزرگان وحتى بعضی اوقات در محل کار درخانه درموتراين مهره را آویزان مینمایند.



سوال یازده هم: تعویذ رد سحر چیست و آیا شما تاحال با این روبرو شده اید؟

جواب: ساحر یک تعویذ را نوشته در او را به مراجعه کننده خود میدهد و میگوید که این تازمانیکه نزدت باشد سحر سرات تاثیر نمیکند که بعضی اوقات این تعویذ پوش شده میباشد و در بازوی دست آنرا میندود و همیشه باوی میباشد.



سوال دوازده هم: دلیل اینکه ساحران مراجعه کننده و یا مریض را از خوردن گوشت گاو ه

جواب: اکثرا جنیات هندو میباشد و با گوشت گاو حساسیت میداشته باشند، و وقتی مریس - بر - - س خراب میشود.

سوال سیزده هم: جنیات کدام چیز هارا خوش دارند؟

جواب: جنیات سه چیز را بسیار خوش دارند ۱- گوشت ۲- برنج ۳- مرچ.

سوال چهارده هم: جنیات از کدام چیزها بدشان میآید؟

جواب: عسل، شیر، خرما، سیاه دانه، نمک، تسط بحری، این چیزها را جنیات خوش ندارند.

موارد استفاده سحر

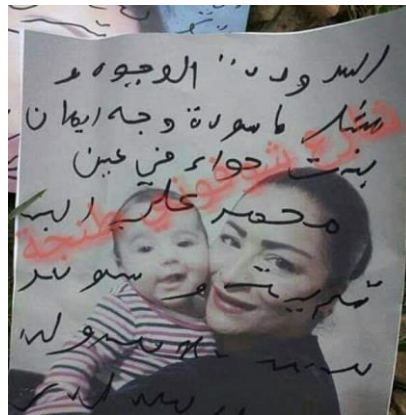
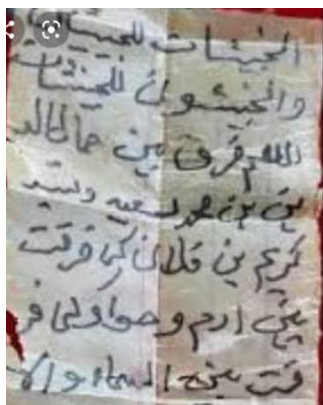
۱- سحر تفریق:

که این سحر بخاطر جدایی افگندن بین دو نفر صورت میگیرد اکثریت مراجعه کننده گان نزد ساحر کسانیه هستند که به سبب حسادت و یا هم چشمی ای که میداشته باشند در مورد زوجین مراجعه میکنند به نزد ساحر و سحر تفریق بین آنها را مینمایند .

با مثال های زنده این نوع سحر زیاد روبرو شده ام که از آن جمله به ذکر یک مثال آن در اینجا اکتفا مینماییم .

اسم : ساره بنت : عبد الاحد درجه تحصیلی : لیسانس

یکی از دوستانم بود با یک شخص متدین بعد از تحمل نمودن مشکلات بسیار زیاد نکاح نمود با وجود اینکه فامیل دختر راضی نبود با متقبل شدن مشکلات بسیار زیاد دختر فامیل خود را راضی ساخت و نکاح صورت گرفت بعد از گذشتن مدت کم از این نکاح کم کم رویه شوهر با خانم تغییر خورد و قیودات ناحق بالای خانم وضع نمود و بهانه های بی مورد تاجاییکه بعد از مشکلات این ها زیاد شد و فهمیدن که اینها سحر شده اند ولی اون از خانم بود و خانم بیچاره هم مریضی های بسیار سختی را سپری نمود و بلاخره طلاق بین شان صورت گرفت و بعد از معلوم شدن که این سحر توسط یکی از نزدیکان شوهر که خود خواستار آن مرد بود صورت گرفته بود . و بعد از جن که موکل و موظف به سحر در وجودش بود ظاهر شد که آن وقت دیر شده بود که شوهر بسیار متنفر شده بود از خانم و طلاق صورت گرفته بود تا اینکه بلاخره بعد از طلاق از طریق رقیه شرعی اون دوست مان تداوی نموده و صحت یاب شد .

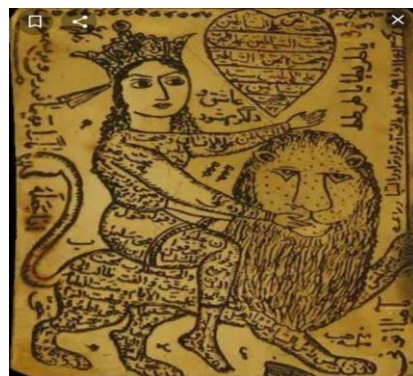




۲- سحر محبت :

سحر محبت که این سحر بخاطر ایجاد محبت بین زوجین صورت میگیرد

وهمچنان بخاطر ایجاد محبت بین خشوع و عروسش و بخاطر ایجاد محبت بین خواهر شوهر و خانم و برادر درحقیقت مراجعه کننده ساحر بواسطه این سحر میخواهد که محبت خود را در قلب دیگران جای دهد .

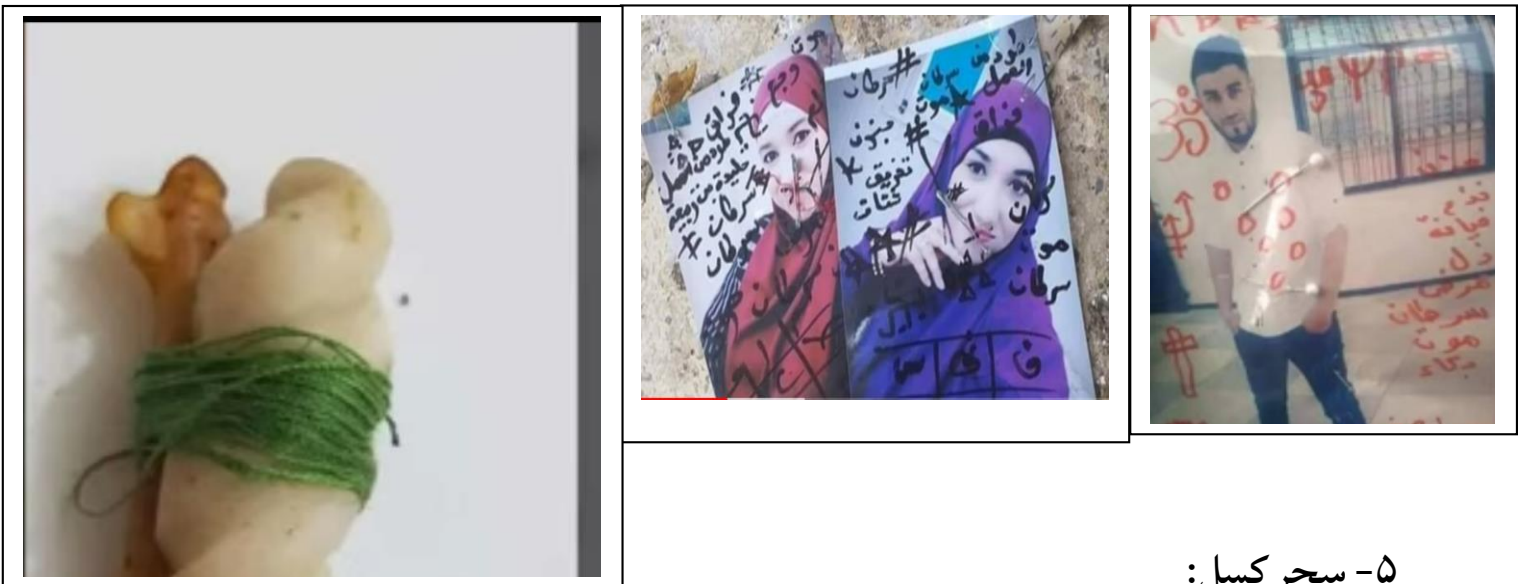


۳- بخاطر ایجاد وسوسه :

بخاطر ایجاد وسوسه در یک شخص . مراجعه کننده ساحر بواسطه این سحر میخواهد که بر شخص مسحور یکنوع وسوسه ایجاد کند .

۴- سحر جنون:

این سحر بخاطر دیوانه ساختن یک شخص صورت میگیرد که شخص مسحور دیوانه شود .



۵- سحر کسل:

این سحر قسمی است که شخص مسحور به خود رسیده گی کرده نمیتواند در این سحر مسحور نمیتواند به امور دنیا و آخرت خود رسیده گی نماید همیشه خمول خواب آلود و کسل میباشد و نمیتواند فعالیت ای انجام بدهد.



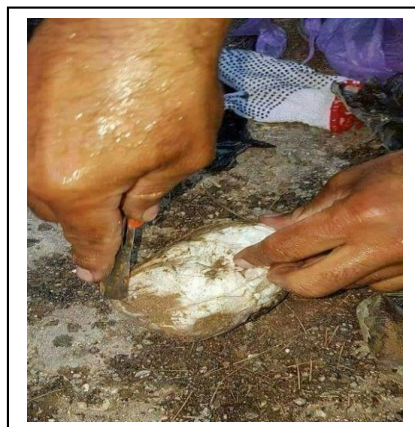
۶- سحر ربط:

سحر بند نمودن شوهر از خانم و یا خانم از شوهر که این سحر قسمی میباشد که هرگاه شوهر اراده مباشرت را با خانم خود نماید نمیتواند یک نوع مانع ای بین خود و خانم خود میبندد و یا برعکس خانم اگر مسحور باشد پس خانم شوهر خود را مانع مباشرت با او میشود.



۷ سحر نزیف:

این سحر در فارسی بنام سحر خونریزی یاد میشود و این مشکل خانم همیشه باوی میباشد که حتی سبب عقیم شدن وی میشود.



۸- سحر تعطیل:

اگر این سحر را بنام سحر تعطیل ازدواج بگیریم که به اصطلاح عامیانه به نزد مردم بنام بستن بخت معروف هست که در این سحر شخص مسحور از هر لحاظ آماده ازدواج می‌باشد و خواستگارهایش را ناحق بدون کدام دلیل معقولی رد مینماید.

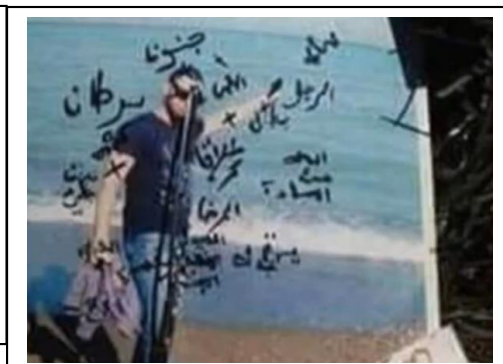
و یک نوع دیگر تعطیل سحر تعطیل یا بند ساختن کار و بار است که در این سحر شخص مسحور با وجود داشتن توانایی کار از هر نگاه کار اش بند میشود و چنین میندازد که همه

دروازه‌ها برویش بسته شده است و در هر جاییکه درخواستی کار میدهد با وجود کامیاب شدن و قبول درخواستی دفعتاً بدون کدام دلیل معقولی رد میشود همین قسم در تجارت اش از هر طرف نقص مبیند و پروژه‌هایش فسخ میشود امثال این.



۹- سحر شنیدن صداهای عجیب:

این سحر قسمی است که مسحور صداهای عجیب بخصوص صدای حیوانات را همیشه میشنود و در پشت گوشش چنین صداها می‌باشد.



۱۰- سحر بیمارزا:

این سحر قسمی است که مریض از بیماری شکایت میکند اما نمیتواند که بجای را مشخص نماید، و یا اینکه از درد خود تعریف هم ندارد مثل اینکه یکروز چشم اش درد میکند و اگر میخواهد به تداوی آن مراجعه نماید خوب میشود وگرده اش درد میگیرد به همین قسم دگه اعضای بدنش بیمار میباشد که هیچ وقت از بیماری خوب نمیشود^۱.



چگونه سحر واقع میشود؟

جواب:

اسم قاری خادم راقی تحصیل: لسانس وظیفه: راقی

شخص ایکه میخواهد سحر نماید به ساحر مراجعه مینماید وازو خواهان سحر شخصی میشود .

اول ساحر چند جن که نزد او است با آنها بالای سحر کار میکنند بعدا او جن از ساحر وظیفه می گیرد و می آید در وجود آن شخص که بالای آن سحر شده است داخل میشود واینکه سحر بواسطه اون جن آورده میشود ودرجایی دفن میشود و او جن موظف است که ازو سحر محافظت بکند که گاهی اوقات اون سحر در چربی

^۱ - الصارم البتار فی التصدی للسهرة الأشرار مؤلف: وحید بن عبدالسلام بالی / ص: 104 - 183 دار الطبع: مكتبة الصحابة جدة - الشرقية / القاهرة حلمية الزيتون مكتبة التابعین.

خنزیر میباشد وگاهی اوقات یک چیزی از ناخن وموی مسحور راگرفته درآن سحر مینمایند گاهی اوقات در تعویذ سوزن ها میباشد در قبور کهنه دفن مینمایند آنرا

واگر شخص که بالایش سحر شده اذکار صبح وشام خود بخواند وهر روز صد بار این دعاء را بخواند : " لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ"¹

وخرمای عجوه بخورد علی الاقل روزانه هفت عدد و اگر امکانات خرمای عجوه ندارد میتواند که خرما عادی استفاده نماید چون که جنیات خرما را خوش ندارند غسل استفاده نماید وسیاه دانه در این صورت است که سحر بالایش هیچ کار نمی کند واگر غافل شود از اذکار صبح شام و اداء نمازها به وقت آنها وتلاوت قرآن در این صورت است که همان جن موظف در چهار اطراف این شخص درکمین بوده واز موقع غفلت این استفاده نموده داخل وجودش میشود همین است که این جن رفته ودرجایی قرار میگيرد که زمانیکه با لگد دررگ شخص مسحور میزند سبب خون ریزی وی میشود وسبب ضایع نمودن جنین میشود به همین قسم سبب مشکلات دیگری مانند: عقیم شدن میشود ناگفته نماند که این جن از همان تعویذ وسحر دفن شده انرژی میگیرد تا زمانیکه اوسحر دفن شده است این جن ازو انرژی گرفته قوی میشود .

دوم: به هراندازه ایکه شخص مسحور دارای ایمان وعقیده قوی باشد جن اش ضعیف تر عمل میکند، وبه هراندازه ایکه شخص مسحور ایمان وعقیده ضعیف داشته باشد جن اش قوی تر عمل میکند در این صورت است که نمیتواند به نزد راقی (دم کننده شرعی) مراجعه نماید چون جن اش نمیگذارد اورا پس میدانیم که عقیده انسان صد فیصد تاثیر دارد اگر عقیده خوب داشت درست میتواند تداوی نماید از طریق رقیه شرعی واگر دارای عقیده خوب نباشد تا زمانیکه شخص مشرک نشود جن اورا رها نمیکنند به مجرد اینکه مشرک شد جن پشت اورا رها میکند .

¹ - سنن ابن ماجه المؤلف : محمد بن یزید أبو عبدالله القزويني/ج: 2/ص: 1269 الناشر : دار الفكر - بيروت تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي عدد الأجزاء : 2

طرق حاضر نمودن جن چگونه است؟

جواب: زمانیکه یک شخص ساحر میشود او پروتوگول خاصی میداشته باشد باشیاطین و زمانیکه میخواهد جن خود را احضار نماید مطابق او پروتوگول از یک طریقه خاص استفاده مینماید بخاطر احضار جنیات او طرق قرار ذیل است :

۱- چک چک مینماید ساحر ازین طریق جن اش حاضر میشود .

۲- ذبح نمودن یک حیوان و آن حیوان ذبح شده را گرفته او را در یک جای خرابه میاندازد بعدا که شیاطین میخورند آنرا بعدا جن حاضر میشود یعنی مانند: یک رشوت به او نا میدهد که او نا حاضر میشوند.

۴- آیات قرآن را سرچپه مینویسد جن شان حاضر میشود .

۵- دود کردن دود مینماید و بعضی دعا های سحری و نامفهوم را میخواند که جنیات حاضر میشوند.

۶- چیغ و فریاد زدن ساحر که با این فریاد زدن وی جن اش حاضر میشود¹ .

طرق دیگری نیز وجود دارد که ما به همین مقدار کفایت میکنیم در اخیر امیدواریم که معلومات کافی در این موضوع ارائه نموده باشیم .

¹ - الصارم البتار فی التصدی للسهرة الأشرار مؤلف: وحید بن عبدالسلام بالی / ص: ۶۱-۷۸ دار الطبع: مكتبة الصحابة جدة- الشرقية / القاهرة حلمية الزيتون مكتبة التابعین.

نتیجه گیری

در پایان این تحقیق آنچه راکه به عنوان نتایج بدست آمده از تحقیق تذکر داد امور ذیل اند:

- ۱- دم و تعویذ عموماً بر دو نوع است: ۱- مشروع ۲- غیر مشروع و هر کدام انواع مختلفی دارد.
- ۲- دم و تعویذ مشروع همان دمها و دعاهای است که در کل موافق شریعت بوده، و معیارهای لازم مشروعیت در آن موجود باشد، و غیر مشروع برعکس آن است.
- ۳- در مورد حکم تعویذ باید گفت که اگر دم و تعویذ توسط آیات قرآنی و دعاهای مأثور نبوی باشد، بنابر دلایل متعدد احادیث قولی، و فعلی و همچنان اجماع علماء جواز دارد.
- ۴- و اینکه اهلیت و شایستگی دم و تعویذ را هر فرد ندارد، لذا شرط اساسی دم کننده و تعویذ دهنده این است که دعاهای مشروع قرآنی مانند: سوره فاتحه، اخلاص، فلق، ناس، آیه الکرسی، آخر سوره بقره، و هم چنان اذکار، و اوراد، و ادعیه نبوی را یاد داشته، و با آنها کاملاً آشنائی داشته باشد، و هنگام خواندن آیات، و اوراد معنی و مفهوم آنها را نیز در ذهنش متصور سازد، و شرط مهم دم کننده اینست که دم کننده با زنان نامحرم به شکل تنهایی ننشیند، و هم چنان اذکار به عذر اینکه دم میاندازد کدام عضو زن نامحرم را مساس نکند؛ هیچ وقت نمیتواند همانند داکتر عمل کند؛ زیرا که داکتر به غرض تشخیص بهتر نیاز دارد تا به عضو درد مند مریض دست بکشد اما کار دم اندازنده تنها خواندن است نه چیز دیگر.
- ۵- از دلایل اینکه از قرآن و سنت و اجماع علماء بیان گردید واضح میگردد که دین اسلام به غرض حمایت توحید، و حفاظت از عقائد مسلمانان نه تنها از شرک بلکه از اعمال و وسائل شرک نیز منع نموده است که رقیه غیر مشروع خود از جمله وسایل شرک میباشد.
- ۶- رقیه یا دم و دعاهای مشروع خود یگانه وسیله فعال و مهم میباشد بخاطر دعوت مردم به سوی دین الله.
- ۷- رقیه شرعی از جمله شعائر دین ماست مردم به اساس محبت که به الله و رسولش دارند بخاطر دوری از بدعت ها و خرافات و محرمات به این التزام مینمایند.

۸- از مصادر و منابع سعادت انسان خدمت غیر و دیگران را نمودن است بخصوص زمانی که انسان چنین کاری را بخاطر کسب رضامندی الله سبحانه و تعالی نماید و طلب اجر از الله نماید که در رقیه شرعی این مزایا وجود دارد .

۹- و اینکه رو آوردن به رقیه و دم و دعاها ی غیر مشروع اضرار مختلفی را به دنبال دارد از جمله:
الف: اضرار دنیوی: که سبب اضرار متعدد دیگری مانند: اضرار اجتماعی، روانی، اقتصادی میشود.
ب: اضرار دینی اعتقادی و اخروی تعویذ های غیر مشروع: سبب سقوط انسان در دامنه شرک شده، و همچنان سبب زیاد شدن مرض و ضعف ایمان و توکل به الله متعال .

۱۰- تعویذهای غیر مشروع سبب بوجود آمدن اضطراب و مفساد اجتماعی میشود مردم ازین طریق در دامن ساحران و جادوگران قرار می گیرند، و در حق یکدیگر ظلم میکنند، منازعات و اختلافات در بین شان گسترده میشود، و یکی بر جان دیگری می افتند و بلاخره این روند باعث ازین رفتن امنیت در اجتماع میشود.

۱۱- و اینکه تعلم سحر و رفتن به نزد ساحر حل و از بین بردن سحر بوسیله سحر همه حرام بوده و حتی علماء حکم به قتل ساحر مینمایند.

۱۲- از تعریف رقیه و تعویذ دانسته میشود که تعویذ نسبت به دم و رقیه عام تراست، زیرا در تعویذ بیشتر از نوشته ها، و یا مهره ها و اشیای دیگر استفاده میگردد .

۱۳- غیر از دم (رقیه) و تعویذ کلمات دیگری، چون تمیمة، تولة، نشرة، ودعة، عزیزة و غیره وجود دارد که برخی از آنها مانند: نشرة، عزیزة ورد، و حرز همانند رقیه نوعی از دم و دعاء است که در صورت داشتن معیارها و شروط شرعی جواز دارد، و اگر آن معیارهای شرعی را نداشته باشد جواز ندارد، و برخی دیگر آنها مانند: تمیمة، و تولة مهرة های اند که مردم آنها را سبب حفاظت از نظر بد و یا برخی امراض دیگر میدانند که شرعا جواز نداشته و گاهی به شرک می انجامد، و یا آنها نوعی از سحر و جادو میباشند که حرام است که گاهی به شرک و کفر انسان ملمان را میکشاند.

۱۴- این بحث يك ضميمه هم همراه باخود دارد که در خلال نوشتن آن و مصاحبه با مردم و موضوعات قصه های حقیقی بسیاری از مردم روبرو شدم ک به اثر مراجعه به ساحر سبب ازهم پاشیدن خانواده های زیادی شده و سبب تفرقه بین مسلمانان و امثال آن بد بختی های زیادی را در جامعه به بار آورده است.

۱۵- تا جاییکه می بینیم امروز بازار سحر و فال بینی آنقدر گرم است که مردم بخاطر علاج خود به جای اینکه به رقیه مشروع مراجعه نمایند به چنین ساحران و دجالان مراجعه مینمایند که به ذکر بعضی اسرار و حقائق آنان در بخش ضما ئم پرداخته ام تا باشد که مردم حقیقت آنان را دانسته و از رازهای نهان آنان آگاهی حاصل نمایند و به آنان مراجعه نه نمایند .

پیشنهادات

- ۱- بهتراست که علماء و طلاب علم تالیفات و تصنیفاتی بیشتری به زبان فارسی در مورد رقیه شرعی نمایند .
- ۲- تنها بر نظری بودن آن اکتفا نشود بلکه باید این موضوع را به اجرای عملی ربط داد تا تطبیق آن روی فرد و اجتماع عملی باشد.
- ۳- گسترش نهاد های دعوتی خصوصا برای طبقه اناث زیرا متضرر بیشتر در این موضوع این طبقه بوده با مراجعه نمودن بیشترشان به نزد ساحران و فالبینان .
- ۴- زمینه رشد فعالیت های دعوتی برای محصلین که در بخش تعلیمات اسلامی و برنامه ماستری به تحصیلات عالی شان ادامه می دهند از طرف استادان که در ساحه خدمت به دین فعالیت دارند .
- ۵- اجرای تحقیقات مشابه دیگر .
- ۶- پیشنهاد ما به دولت اینست که مانع رشد، و گسترش چنین نهاد ها شوند .
- ۷- در اخیر اینکه این موضوع از مه ماند یعنی حق موضوع را درست ادا کرده نتوانستم ممکن کس دیگری در زمینه تحقیق نماید .

فهرست آیات قرآن کریم

سوره فاتحه

آیت	شماره آیت	صفحه
{الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (2) الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (3) مَالِكِ يَوْمِ ...}	۷-۱	48

سوره بقره

آیت	شماره آیت	صفحه
{الم (1) ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ....}	۷-۱	48
{أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ...}	۶۷	12
{اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ...}	۲۵۵	49
{لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ.....}	۲۸۴-۲۸۶	50
{وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مَلَكِ سُلَيْمَانَ...}	۱۰۲	53
{وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ...}	۱۰۲	۹۵
{ وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ }	۱۰۲	96
{وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ...}	۱۰۳	۹۶

سوره آل عمران

آیت	شماره آیت	
{ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ ... }	۱۸	53

سورة النساء

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ ... }	۱۰۲	۱
{ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ ... }	۴۸	۱۰۰

سورة الأنعام

{ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا }	۱۱۲	۸۱
----------------------------------------------------------------	-----	----

سورة يونس

{ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ .. }	۱۰۷	52
{ فَلَمَّا آتَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرَ إِنَّ اللَّهَ سَابِطٌ .. }	۸۲-۸۱	54
{ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ }	۵۷	۳۵

سورة يوسف

{ قَالَ اللَّهُ خَيْرٌ حَفِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِمِينَ }	۶۴	51
{ وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ }	۱۰۶	85
{ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ }	۱۰۸	69

سورة النحل

65	٥٣	وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ
65	١٧	{ وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

سورة الإسراء

٣٦	٨٢	{ وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِآيَاتِهِ إِذَا نُزِّلَتْ عَلَيْهَا لِيُذَكَّرُوا وَلِيَذَكَّرُوا آلَهُمْ إِنَّا جَاءَكُم بِآيَاتِنَا لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ }
----	----	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

سورة الكهف

52	٣٩	{ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ... }
----	----	------------------------------------------------------------------------------------------------

سورة مريم

١٢	١٨	{ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا }
----	----	--------------------------------------------------------------

سورة المؤمنون

٣٥	٩٧	{ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ }
----	----	------------------------------------------------------------

سورة الشعراء

٣٥	٨٠	{ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ }
----	----	---------------------------------------

سورة النمل

71	٦٢	{ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ... }
----	----	---------------------------------------------------------------------------------------

سورة فاطر

٨١	٦	{ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا }
----	---	--------------------------------------------------------------

سورة الزمر

٩٤-٩٣	٩	{ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ }
-------	---	---------------------------------------------------------------------------

سورة غافر

١٢	٢٧	{ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ }
27	٦٠	{ وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ }

سورة فصلت

24,34	٤٤	{ قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا هَدَىٰ وَشَفَاءً }
-------	----	------------------------------------------------

سورة الدخان

١٢	٢٠	{ وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ }
----	----	-----------------------------------------------------------

سورة الجن

26	٦	{ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالِهِ... }
----	---	----------------------------------------------------------------------

سورة القيامة

15	٢٧	{ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ }
----	----	------------------------

سورة الكافرون

50	٦-١	{ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (١) لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ }
----	-----	----------------------------------------------------------------------

سورة الإخلاص

50، 32	٤-١	{قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (١) اللَّهُ الصَّمَدُ}
--------	-----	--------------------------------------------------

سورة الفلق

70، 33	٥-١	{قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (١) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ}
--------	-----	------------------------------------------------------------

سورة الناس

51، 33	٦-١	{قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (١) مَلِكِ النَّاسِ}
--------	-----	-----------------------------------------------------

فهرست أحاديث النبوية

- 61 إذا سألت فاسأل الله وإذا استعنت فاستعن بالله
- 40 أذهب اليباس رب الناس واشف أنت الشافي
- 71 أطب مطعمك تكن مستجاب الدعوة
- 37, 42 اعرضوا على رفاكم لا بأس بالرقي ما لم يكن فيه شرك
- 54 أعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم، من همزة ونفخة
- 56 أعوذ بكلمات الله التامة من كل شيطان وهامة ومن كل عين لامة
- 56 أعوذ بوجه الله الكريم وبكلمات الله التامة اللاتي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ينزل من السماء
وشر ما يعرج فيها وشر ما ذرا في الأرض وشر ما يخرج منها
- 72 اقروا سورة البقرة؛ فإن أخذها بركة وتركها حسرة ولا تستطيعها البطلة
- 39 الرؤيا الصالحة من الله والحلم من الشيطان
- 55 اللهم أشف عبدك وصدق رسوك
- 58 اللهم إني أسألك العافية في الدنيا والآخرة، اللهم إني أسألك العفو والعافية في ديني ودنياي، وأهلي ومالي،
اللهم استر عورابي
- 57 اللهم إني أسألك بأن لك الحمد لا إله إلا أنت، الحنان، بديع السموات والأرض، ذالجلال والإكرام، يا حي يا
قيوم
- 57 اللهم إني أعوذ برضاك من سخطك و(أعوذ) بمعافاتك من عقوبتك وأعوذ بك منك، لا أحصي ثناء عليك،
أنت كما اثبتت على نفسك
- 57 اللهم إني عبدك وابن عبدك وابن أمتك، ناصيتي بيدك ماض في حكمك عدل في قضاؤك، أسألك بكل اسم
هو لك، سميت
- 59 اللهم برّد قلبي بالنّج والبرّد والماء البارد، اللهم نقّ قلبي من الخطايا كما نقيت الثوب الأبيض من الدّنس
- 39 أمرني رسول الله - صلى الله عليه وسلم - أو أمر أن يسترقى من العين
- 66, 85, 86 إن الرقي والنائم والنولة شرك
- 72 إن الشيطان ينفر من البيت الذي تقرأ فيه سورة البقرة
- 70 إن الله لم يجعل شفاءكم في حرام
- 40 أن النبي صلى الله عليه و سلم كان ينفث على نفسه في مرضه الذي قبض فيه بالمعوذات فلما ثقل كنت أنا
أنفث
- 38 أن النبي صلى الله عليه وسلم كان ينفث على نفسه في المرض الذي مات فيه بالمعوذات
- 38 أن ناساً من أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم أتوا على حي من أحياء العرب فلم يقرؤهم فبينما هم كذلك
إذ دبع سيد أولئك فقالوا هل معكم من دواء
- 55 بسم الله (ثلاثاً)، أعوذ بالله وقدرته، من شر ما أجد وأحاذر
- 54 بسم الله أرفيك، من كل شيء يؤذيك، من شر كل نفس أو عين حاسد، الله يشفيك، بسم الله أرفيك
- 55 بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الأرض ولا في السماء وهو السميع العليم

بِسْمِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونِ 57,

58

- رَبَّنَا اللَّهُ الَّذِي فِي السَّمَاءِ، تَقَدَّسَ أَسْمُكَ، أَمْرُكَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، كَمَا رَحِمْتِكَ فِي السَّمَاءِ فَأَجْعَلْ رَحْمَتِكَ
فِي الْأَرْضِ، إِغْفِرْ لَنَا حُوبَنَا وَخَطَايَانَا، أَنْتَ رَبُّ الطَّيِّبِينَ..... 56
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ تَعَلَّقَ تَمِيمَةً فَلَا أَتَمَّ اللَّهُ لَهُ وَمَنْ تَعَلَّقَ وَدَعَةً فَلَا وَدَعَ اللَّهُ لَهُ
83
ضَعَّ يَدَكَ عَلَى الَّذِي تَأَلَّمَ مِنْ 44
فِي الْحَبَةِ السُّودَاءِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ..... 73
كَانَ إِذَا أَتَى مَرِيضًا أَوْ أَتَى بِهِ 41
كَانَ إِذَا اشْتَكَى الْإِنْسَانَ الشَّيْءَ مِنْهُ أَوْ كَانَتْ بِهِ قَرْحَةٌ أَوْ جَرْحٌ 42
كَانَ إِذَا اشْتَكَى رَسُولَ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- رَقَاهُ جَبْرِيلُ قَالَ بِاسْمِ اللَّهِ يُبْرِيكَ 41
كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعُوذُ بِبَعْضِهِمْ يَمْسُحُهُ بِيَمِينِهِ 40
كَلُوا الزَّيْتِ وَأَدْهَنُوا بِهِ، فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مَبَارَكَةٍ 73
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَرَبُّ الْأَرْضِ
وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ 54
مَنْ أَتَى عَرَّافًا فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ 93
مَنْ تَعَلَّقَ تَمِيمَةً فَلَا أَتَمَّ اللَّهُ لَهُ ، وَمَنْ تَعَلَّقَ وَدَعَةً فَلَا وَدَعَ اللَّهُ لَهُ 62
مَنْ تَعَلَّقَ شَيْئًا وَكَلَّ إِلَيْهِ 62
مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ ، فَقَدْ كَفَرَ أَوْ أَشْرَكَ 82
مَنْ صَلَّى الصَّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ كُلَّهُ 69
مَنْ عَقَدَ عَقْدَةً وَنَفَثَ فِيهَا فَقَدْ سَحَرَ وَمَنْ سَحَرَ فَقَدْ أَشْرَكَ 93
مَنْ عَلَّقَ وَدَعَةً فَلَا وَدَعَ اللَّهُ لَهُ 21

فهرست اعلام

- ابراهيم بن المنذر رحمه الله..... 95, 138
- ابراهيم نخعي رحمه الله..... 137
- ابن اثير رحمه الله..... 136
- امام ابن تيميه رحمه الله..... 18, 36, 77
- ابن حجر رحمه الله..... 15, 19, 20, 34, 44, 65, 76, 91, 96, 97, 136
- ابن عبد البر رحمه الله..... 17, 136
- امام ابن قيم جوزى رحمه الله..... 26, 37, 137, 140
- امام ابن كثير رحمه الله..... 92, 93, 95, 96, 138
- ابو ثور رحمه الله..... 59, 95, 138
- ابو حيان اندلسى رحمه الله..... 93, 138
- ابو عبدالله رازى رحمه الله..... 92, 138
- امام احمد رحمه الله..... 28, 60, 65, 82, 83, 84, 86, 87, 92, 95, 96, 137, 141, 143
- البريكان رحمه الله..... 77, 137
- العثيمين رحمه الله..... 18, 19, 65, 136, 141
- الفيروز آبادي رحمه الله..... 21, 137
- القرافي رحمه الله..... 16, 136
- امام شافعى رحمه الله..... 15, 45, 59, 60, 95, 96, 138
- امام مالك رحمه الله..... 60, 94, 95, 96, 138
- بغوي رحمه الله..... 45, 136
- بيهقى رحمه الله..... 47, 137
- حذيفه رضى الله عنه..... 59, 62, 84, 137
- خطابى رحمه الله..... 45, 137
- امام طحاوى رحمه الله..... 61, 137
- عامر بن شراحيل رضى الله عنه..... 97, 138
- عائشة رضى الله عنها..... 35, 38, 39, 40, 41, 42, 137
- عبد الرحمن بن سعدي رحمه الله..... 18, 136
- عبد الله بن مسعود رضى الله عنه..... 19, 66, 67, 136
- عبدالله بن عمرو بن العاص رضى الله عنه..... 55, 57, 58, 62, 137
- عقبة بن عامر رضى الله عنه..... 85, 137
- امام قرطبي رحمه الله..... 20
- محمد بن اسحاق رحمه الله..... 59, 95, 138
- محمد بن على بن حسن رحمه الله..... 62, 137
- محمد بن قدامه مقدسى رحمه الله..... 91, 137
- امام نووى رحمه الله..... 76, 13

مصادر ومراجع

قرآن كريم

1. الأصبحي: مالك بن أنس، المؤطأ، بتحقيق: محمد مصطفى الأعظمى (ب-ت).
2. الاصفهاني: الحسين بن محمد بن المفضل المعروف بالراغب الاصفهاني أبو القاسم، مفردات الفاظ القرآن، دار النشر: دار القلم:- دمشق (ب-ت).
3. الأفريقي: محمد بن مكرم بن منظور المصري، : لسان العرب، بيروت، دار الفكر، چاپ سوم، 1414ق.
4. الألباني: محمد نا صر الدين، سلسلة الأحاديث الصحيحة، المكتب الإسلامي بيروت چاپ: چهارم سال: 1405هـ ق.
5. الأندلسي: أبو الحسن علي بن إسماعيل النحوي اللغوي المعروف بابن سيده، المخصص، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - 1417هـ - 1996م الطبعة : الأولى تحقيق : خليل إبراهيم جفال.
6. بالي: وحيد بن سلام، كتاب وقاية الإنسان من الجن والشياطين، نشر: 1418هـج/1997م مكتبة التابعين (القاهرة).
7. بالي: وحيد بن عبد السلام، الصارم البتار في التصدي للسحرة الأشرار، مكتبة الصحافة جدة - الشرفية 1412 هـج الطبعة الثالثة: 1412هـج 1992م.
8. البخاري: ابو عبد الله محمد بن اسماعيل الجعفي، الجامع الصحيح المختصر، الناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت الطبعة الثالثة، 1407 - 1987.
9. البدر: عبد الرزاق بن عبد المحسن، رسالة خرافة التائم والخرز، الناشر: دار المحجّة، (ب-ت).
10. البستي: محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، الناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة الثانية، 1414 - 1993.
11. البيهقي: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر، سنن البيهقي الكبرى، الناشر : مكتبة دار الباز - مكة المكرمة، 1414 - 1994 تحقيق : محمد عبد القادر عطاء.

12. الترمذى: ابو عيسى محمد بن عيسى، سنن الترمذى، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت (ب - ت) تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون.
13. التميمى: أحمد بن علي بن المثنى أبو يعلى الموصلي، مسند أبي يعلى، (ب-ت).
14. التميمى: محمد بن عبد الوهاب، القول السديد شرح كتاب التوحيد، الطبعة: الثانية الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية تاريخ النشر: 1421هـ.
15. التميمى: عبد الرحمن آل الشيخ، فتح المجيد شرح كتاب التوحيد، طبعة رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء، الرياض، ط: 1422، 4هـ.
16. التميمى: سليمان بن عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب، تيسير العزيز الحميد في شرح كتاب التوحيد المؤلف: الناشر: مكتبة الرياض الحديثة - الرياض. (ب-ت).
17. الجزاع: محمد بن صالح، الأحكام الفقهية في الرقية الشرعية، الطبعة الأولى 1427هـ/ 2006 م دار الأندلس للنشر والتوزيع.
18. الجزرى: أبو السعادات المبارك بن محمد، النهاية في غريب الحديث والأثر، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت 1399هـ - 1979م.
19. الجوزى: محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم، زاد المعاد في هدي خير العباد، (ب-ت).
20. الحرانى: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية، مجموع الفتاوى، الناشر: مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان الطبعة: الأولى 1425هـ - 2004م
21. الخطيب: حسين بن مسعود، شرح السنة، الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت سنة 1971 م.
22. الدمشقى: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي، تفسير القرآن العظيم، المحقق: سامي بن محمد سلامة الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع الطبعة: الثانية 1420هـ - 1999 م.
23. الزبيدى: محمّد بن محمّد بن عبد الرزّاق الحسيني، أبو الفيض، الملقّب بمرتضى، الزبيدي، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق مجموعة من المحققين الناشر دار الهداية (ب-ت).

24. الزركلى: خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الدمشقي (المتوفى : 1396هـ) الناشر: دار العلم للملايين الطبعة : الخامسة عشر - أيار / مايو 2002 م [ترقيم الكتاب موافق للمطبوع، وتراجمه مضافة لخدمة التراجم (أكثر من 14000 ترجمة)]
25. السجستاني: أبو داود سليمان بن الأشعث، سنن أبي داود، دار الكتاب العربي - بيروت (ب-ت).
26. السعدى: عبد الرحمن بن ناصر، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، المحقق : عبد الرحمن بن معلا اللويحق الناشر : مؤسسة الرسالة الطبعة : الأولى 1420 هـ - 2000 م.
27. الشامى: ابن عابدين، حاشية رد المختار على الدر المختار شرح تنوير الأبصار فقه أبو حنيفة، الناشر دار الفكر للطباعة والنشر سنة النشر 1421 هـ - 2000 م.
28. الشيبانى: احمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق : شعيب الأرنؤوط وآخرون الناشر : مؤسسة الرسالة الطبعة : الثانية 1420 هـ، 1999 م.
29. الصابونى: محمد على، روائع البيان تفسير آيات الأحكام، الناشر: مكتبة الغزالي مؤسسة مناهل العرفان، سنة النشر : 1400-1980 هـ
30. الطبرانى: أبو القاسم سليمان بن أحمد، المعجم الأوسط، الناشر : دار الحرمين - القاهرة ، 1415 تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد ،عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني.
31. العثيمين: محمد بن صالح العثيمين، القول المفيد على كتاب التوحيد، تحقيق: د. سليمان أبا الخيل وآخر، الناشر: دار العاصمة الرياض، طبع: 1 سنة: 1420 هـ
32. العدوى: مصطفى، العواصم من الشيطان و صحيح الرقية الشرعية سنة النشر: 1437 هـج- 2016 م (مكتبة لسان العرب).
33. العدوى: حاشية العدوى على شرح كفاية الطالب الرباني علي الصعيدي العدوي المالكي، تحقيق يوسف الشيخ محمد البقاعي الناشر دار الفكر سنة النشر 1412 مكان النشر بيروت.
34. العسقلانى: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل الشافعي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، الناشر : دار المعرفة - بيروت ، 1379 هـ.ش.
35. العسقلانى: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، تقريب التهذيب، تحقيق محمد عوامة الناشر: دار الرشيد سنة النشر: 1406 - 1986 مكان النشر: سوريا.

36. العظيم آبادى: محمد شمس الحق، عون المعبود، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة الثانية، 1415هـ.
37. العليانى: د.علي بن نفيح، التمام في الميزان العقيدة، مصدر هذه المادة الكتيبات الإسلامية /دار الوطن للنشر. (ب-ت).
38. العينى: بدر الدين الحنفي عمدة القاري شرح صحيح البخاري مصدر الكتاب: ملفات وورد من ملتقى أهل الحديث [الكتاب مرقم أليا غير موافق للمطبوع]
<http://www.ahlalhdeeth.com> تنبيه: هذه النسخة معدلة، أضفت إليها نصا كان ناقصا في الأولى. تاريخ التعديل: 19 ربيع الأول 1427 هـ الموافق: 17 نيسان (أفريل) 2006 م.
39. فيروزآبادى: محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، مؤسسة الرسالة، بيروت طبع: 1 سنة: 1406هـ.
40. القرطبي: ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابى بكر بن فرح شمس الدين، الجامع لأحكام القرآن، الناشر: دار عالم الكتب الرياض، المملكة العربية السعودية، الطبعة: 1423 هـ/ 2003 م.
41. القرطبي: بو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبدالبر بن عاصم النمري، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، بتحقيق: مصطفى بن أحمد العلوى و محمد عبد الكبير البكرى الناشر: مؤسسة القرطبه مصدر الكتاب: موقع مكتبة المدينة الرقمية <http://www.raqamiya.org>
42. الكوفى: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العبسي، مُصنّف ابن أبي شيبة، تحقيق: محمد عوامة. ملاحظات: رقما الجزء والصفحة يتوافقان مع طبعة الدار السلفية الهندية القديمة.. ترقيم الأحاديث يتوافق مع طبعة دار القبلة. (المكتبة الشاملة).
43. المالكي: الإمام الحافظ ابن العربي، عارضة الأحوذى بشرح صحيح الترمذي، دار النشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان.
44. مصطفى: حسن، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، چاپ اول، 1368 ش.
45. المصطفى: إبراهيم مصطفى - أحمد الزيات - حامد عبد القادر - محمد النجار، المعجم الوسيط، دار النشر: دار الدعوة تحقيق. (ب-ت).

46. المعاني: اسامه بن ياسين المعاني، فتح الحق المبين فى أحكام رقى الصرع والسحر والعين المؤلف: أسامة بن ياسين المعاني أبو البراء الناشر: دارالمعالى - عمان سنة النشر: 1421-2000

م

47. المقدسى: عبد الله بن أحمد بن قدامة أبو محمد، المغني في فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيباني، الناشر: دار الفكر - بيروت الطبعة الأولى، 1405 هـ.

48. المنذرى: عبد العظيم بن عبد القوي أبو محمد، الترغيب والترهيب من الحديث الشريف، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة الأولى، 1417 هـ.

49. النسائي: أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن، المجتبى من السنن، الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب الطبعة الثانية، 1406 - 1986 تحقيق: عبدالفتاح أبو غدة.

50. نزار: عادل محى الدين، الرقية من الجان ومن عين الإنسان، بلد النشر: السعودية دار النشر: دار الوطن تاريخ النشر: 1413 مدينة رياض.

51. النووى: أبو زكريا يحيى بن شرف بن مري، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت الطبعة الثانية، 1392 هـ.

52. النيسابورى: أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري، الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، الناشر: دار الجيل بيروت + دار الأفاق الجديدة - بيروت (ب-ت).

53. النيسابورى: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم، المستدرک على الصحيحين، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة الأولى، 1411 - 1990 تحقيق: مصطفى عبد القادر عطاء.

54. المنتقى شرح الموطأ القسم: شروح الحديث مصدر الكتاب: موقع الإسلام

<http://www.al-islam.com> (المكتبة الشاملة)

55. الموسوعة الفقهية الكويتية (21/13) الصادرة عن وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت الطبعة: (من 1404 - 1427 هـ). الأجزاء 1 - 23

56. أنوار البروق في أنواع الفروق (مع الهوامش) تحقيق خليل منصور الناشر: دارالكتب العلمية سنة النشر: 418 هـ 1998 م.

57. شرح كتاب ثلاثة الأصول لشيخ الإسلام الإمام المجدد محمد بن عبد الوهاب المشرفي التميمي.

مصدر الكتاب : موقع الإسلام <http://www.al-islam.com>

58. الرقى وأحكامها مؤلف: صالح بن عبد العزيز آل الشيخ مع تعليق لسماحة الشيخ العلامة عبد

العزيز بن عبد الله بن باز رحمه الله تعالى (مكتبة الشاملة)

59. الموسوعة الفقهية الكويتية صادر عن : وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت عدد الأجزاء

: 45 جزءا الطبعة : (من 1404 - 1427 هـ).الأجزاء 1 - 23 : الطبعة الثانية ، دارالسلاسل -

الكويت الأجزاء 24 - 38 : الطبعة الأولى ، مطابع دار الصفوة - مصرالأجزاء 39 - 45 : الطبعة

الثانية ، طبع الوزارة

60. المنتقى من فتاوى الفوزان /القسم : الفتاوى (المكتبة الشاملة)

61. الدين الخالص لصديق حسن خان رسالة الماجستير الكلية : الدعوة وأصول الدين الدولة

:السعودية تاريخ: 2010- 1431

62. الرقية الشرعية : رؤية تحليلية من وحي الشرع ثم التجربة) إنشاء من قبل : رميته عبد

الحميد(مكتبة الشاملة)

63. ارق نفسك وأهلك بنفسك مؤلف: د.خالد بن عبدالرحمن الجريسي /تقديم العلامة الشيخ

د.عبدالله بن عبدالرحمن الجبرين 1425هج

64. مختصر الرقية الشرعية /مؤلف: أبي العالية محمد بن يوسف الجوراني (المكتبة الشاملة)

65. الرقية الشرعية مؤلف: نبيل العوضي /القسم الرقى الشرعية، (مكتبة الشاملة)

66. فرهنگ ابجدى عربى فارسى مؤلف: ستانى، فؤاد افرام، مهيار، رضا - ، تهران، اسلامى، چاپ

دوم، 1375ش

67. معجم المصطلحات العلوم الشرعية، مؤلف: مجموعة من المؤلفين سنة النشر 1439-

2017 عدد المجلدات: 4 رقم الطبعة: 2

68. فرهنگ معين مؤلف: داکتر محمد معين (بخش فارسى کتابخانه شامله)

69. فرهنگ ابجدى فارسى (بخش فارسى کتابخانه شامله)

69 - الآداب الشرعية المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن مفلح المقدسي الحنبلي / مصدر الكتاب

: موقع الإسلام <http://www.al-islam.com> [الكتاب مشكول ومرقم آليا غير موافق للمطبوع] (المكتبة

الشاملة)

Research summary

The word amulet means to take refuge in something from the evil that a person encounters. In the term, keeping oneself safe by hanging and hanging certain objects, including tails and greetings, prayers and charms, beads, and other objects by which the sick person is treated. Pray and treatment show that some of them are legitimate and some of them are illegitimate.

The issue of important Pray and its importance is also clear, because Muslims get sick and need to breathe and heal, and can use the tail and prayer and legitimate Pray based on the guidance of Islam, without a doubt, legitimate Pray is one of the doors of divine blessing and mercy. It has been opened to this ummah, and the Islamic ummah can benefit from it. Shari'a pary is of special importance, and it has caused salvation, protection, healing and cure for thousands of sorrows, and it has become painful, and with the advent of Islam, The polytheistic charms that were common in the time of ignorance and were taught to each other and passed down from one generation to another, which was nothing but an evil process, were forbidden, and instead the religious rogue was replaced by healing and mercy, which was devoid of polytheism.

The purpose of researching this issue is due to the necessity that we have in today's society. Increasing social problems of human societies, especially Islamic societies, face problems such as the use of illegal amulets, turning to witches and scoundrels who deceive the common people, and the use of

amulets. Legitimate Pray in Islamic societies has become an unfamiliar thing that unfortunately people are not very familiar with the practice of amulet of legitimate pray.

This research is a scientific method that collects information from various sources and discusses the subject matter in the light of the Qur'an and Sunnah, which is often a library method.

The results obtained from this research are generally twofold. 1- Legitimate 1- Illegal, each of which has different types. Legitimate tail and amulet are the same tail and prayers that are generally in accordance with the Shari'a, and have the necessary criteria of legitimacy. On the contrary, it is not only true, but it also has many benefits and benefits, which are following the practical tradition of the Prophet (peace and blessings of Allah be upon him), repelling calamity before it occurs, and protecting and supporting the domination of the devil. On human beings, the tails and prayers of others are in fact one of the ways to benefit them.

Apart from tail and amulet, there are other words such as: Pray, Tamimah, Tula, publication, prayer, departure, etc. Some of them, such as publication and Azimuth, word and amulet, such as: Pray, are a kind of tail and prayers that if there are religious criteria and conditions. It is permissible, and if it does not meet the conditions and criteria of Sharia, it is not permissible.

Keywords:

Pray, tail, talisman, tamimah, tulle, publication, prayer, departure.... etc.



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master Program in Tafseer & Hadith



Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Private Universities Presidency

Legitimate and illegitimate amulets and prays in the light of Qur'an and Sunnah

A Master's Thesis

Student: Nasima "Rahmani"

Supervisor: Dr. Abdul Bari "Hamidi"

Year 2021



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master Program in Tafseer & Hadith



Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Private Universities Presidency

Legitimate and illegitimate amulets and prays in the light of Qur'an and Sunnah

A Master's Thesis

Student: Nasima "Rahmani"

Supervisor: Dr. Abdul Bari "Hamidi"

Year 2021